إِنَّ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ وَ
بدرستی که در آسمانهاست و زمین هرآینه دلایلی از شمس و قمر و نجوم و عناصر و موالید مؤمنانرا و
فِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝
در آفرینش آنچه پراکنده میکند در زمین از جنبنده هرآینه دلایلی برای گروهی که پی نگاه دارند در وحدانیت
وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ
و در اختلاف شب و روزست و آنچه فرو فرستاد خدای از آسمان
مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ
از سبب روزی که بارانست پس زنده گردانید آن زمین را بانواع نبات و الوان ریاحین پس از مردن
الرِّيَاحِ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا
بادهاست مختلف دلایلی برای گروهی که دریابند آنچه ذکر رفت درین سوره از دلایل آیتهای خدایست که میخوانیم
عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ
بر تو براستی پس بکدام سخن پس از کلام خدای و آیات او ایمان می آرند
وَيْلٌ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ۝ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ
وای بر هر دروغ گوی بزه کار که شنود آیتهای خدایرا که خوانند برو پس
يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ
مداومت نماید بر کفر خود تکبر نماینده گویی که نشنیده آنرا پس مژده ده او را بعذابی
أَلِيمٍ ۝ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ
دردناک و چون بداند این افاک از آیتهای ما چیزی گیرد آن آیات را فسوس آنان

شماست بصور مختلفه و آفرینش

لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا
مر ایشانراست عذابی خوار کننده فرا پیش ایشانست یا از پس مرگ ایشانست دوزخ و باز
يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ
ندارد از ایشان آنچه کسب کردند از پرستش بتان هیچ چیز از عذاب و نه آنچه گرفتند از غیر
اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ هَٰذَا هُدًى وَ
خدای معبودانی و مر ایشانراست عذابی بزرگ این قرآن سبب هدایتی است و
الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ
آنان کافر شدند بآیات پروردگار ایشان مر ایشانراست عذابی
مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ ۝ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ
از عذابی دردناک معبود بسزا آنست که رام گردانید برای شما دریا را تا رود کشتی
فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
در آن بفرمان او و تا بجویید چیزی از عطای خدای و تا مگر شما سپاس داری نمائید
وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا
و رام گردانید برای شما هر آنچه در آسمانهاست و هر آنچه در زمین است همه حال آنکه
مِنْهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ قُلْ
از نزد خدایند بدرستی که در آنچه گفتیم هرآینه دلایل است مر گروهی را که اندیشه کنند و عبرت گیرند بگوی
لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ
مر آنان را که ایمان آوردند یعنی عمر تا عفو کنند مر آنان را که ایمان نمی آرند یا نمی ترسند عقوبت یا ثواب روزهای موعود خدایرا

نصف الحزب

لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا
تا پاداش دهد گروهی را از مؤمنان بآنچه بودند میکردند هر که کند کاری نیکو
فَلِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ
پس کند برای خود و هر که بدی کند پس وبال آن بر نفس اوست بعد ازان سوی پروردگار شما باز گردانند
وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَ
و بحقیقت دادیم ما پسران یعقوب را کتاب و بیان شرایع یا فصل خصومات
النُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى
پیغمبری و روزی دادیم ایشانرا از چیزهای پاک بالذت و فزونی دادیم ایشانرا بر اهل
الْعَالَمِينَ ۝ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ ۚ فَمَا اخْتَلَفُوا
زمانهٔ ایشان و دادیم ایشانرا در کتابهای ایشان دلالات هر چیزی پس خلاف نمودند
إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ
مگر پس ازان که آمد بدیشان دانش بحقیقت حال برای آنکه بر یکدیگر عداوت و حسد دارند
الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ
قیامت بجزات در آنچه همیشه در او خلاف مینمایند پس گردانیدیم ترا
عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ
بر طریقی پسندیده از کار دین پس متابعت نمای آنرا و متابعت منمای راههای باطل
الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ
آنان را که نمی دانند بدرستی که ایشان هرگز باز نتوانند داشت از تو عذاب خدای

شَيْئًا ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۖ وَاللَّهُ
هیچ چیز را و بدرستی که ستمکاران بعضی ازایشان دوستان بعضی اند و خدای
وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ۝ هَٰذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ
دوست و یار پرهیزگارانست این قرآن سبب روشنایی دلهاست و راه نمودنی و بخشایشی
لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ
برای گروهی که یقین کنند یا پنداشتند آنان که کسب کردند بدیها را
أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً
که گردانیم ایشانرا چون آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای نیکو که یکسان
مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۚ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝ وَخَلَقَ اللَّهُ
زندگانی ایشان و مردن ایشان بد آنچه حکم میکنند که خود را با مؤمنان برابر میدارند و آفرید
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا
آسمانها و زمین را بعدل و راستی و تا پاداش دهد هر تنی را بدانچه
كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ
اندوخته از خوشی و ایشان ستم کرده نشوند ای دیدی آنرا که فراگرفت معبود خود
هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ
آرزوی نفس را و گمراه کرد او را خدای از گمراهی دانستن بحال او و مهر نهاد بر شنوایی او و دل او را
وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ ۚ أَفَلَا
و پدید کرد بر چشم او پوششی را پس کدام کس راه نماید او را پس از خدای ای بس

تذكرون ۝ وقالوا ما هي الا حياتنا الدنيا نموت
پند نمی گیرید وگفتند نیست این زندگانی مگر زندگانی این جهانی می میریم بعضی
ونحيا وما يهلكنا الا الدهر وما لهم بذلك من
وزنده میشویم وهلاک نمیگرداند ما را مگر روزگار ونیست مر ایشانرا بدان هیچ
علم ان هم الا يظنون ۝ واذا تتلى عليهم اياتنا
دانشی نه اند ایشان مگر که گمان برند وچون خوانده شود بر ایشان آیتهای ما
بينات ما كان حجتهم الا ان قالوا ائتوا بابائنا
روشن در دلالت نبود شبهت وحجت ایشان مگر آنکه گویند بیارید پدران ما را
ان كنتم صادقين ۝ قل الله يحييكم ثم يميتكم ثم يجمعكم
اگر هستید شما راست گویان بگوی خدای زنده گرداند شما را پس بمیراند شما را پس گرد آورد
الى يوم القيمة لا ريب فيه ولكن اكثر الناس لا
سوی روز قیامت که هیچ شک نیست دران ولیکن بیشتر مردمان نه
يعلمون ۝ ولله ملك السموات والارض ويوم
میدانند ومر خدایراست پادشاهی آسمانها وزمین وروزی
تقوم الساعة يومئذ يخسر المبطلون ۝ وترى كل
که برخیزد قیامت در آن روز زیان کار باشند اهل ادیان باطله وبینی تو هر
امة جاثية كل امة تدعى الى كتابها اليوم تجزون
گروهی را بزانو در آمده برای حساب هر گروهی خوانده شوند با صحیفه خود وبا ایشان حساب کنند گویند امروز پاداش

ما كنتم تعملون ۝ هذا كتابنا ينطق عليكم بالحق انا
عوض آنچه میکردید در دنیا از خیر وشر این مکتوب ماست ناطق است بر شما وگواهی میدهد بر شما
كنا نستنسخ ما كنتم تعملون ۝ فاما الذين امنوا و
بودیم که میفرمودیم نوشتن آنچه شما میکردید مراد کرام الکاتبین است پس اما آنان که ایمان آوردند و
عملوا الصالحات فيدخلهم ربهم في رحمته
کردند کارهای نیکو را پس در می آرد ایشانرا پروردگار ایشان در بخشایش خود
ذلك هو الفوز المبين ۝ واما الذين كفروا
آن آنست فیروزی روشن واما آنان که کافر شدند گویند ایشان
افلم تكن اياتي تتلى عليكم فاستكبرتم وكنتم قوما
ای نبود آیتهای من که خوانده میشد بر شما پس تکبر می نمودید از قبول آن وبودید گروهی
مجرمين ۝ واذا قيل ان وعد الله حق والساعة
گناهکاران وچون گوید پیغمبر کافران را بدرستی که وعده خدای راستست وقیامة
لا ريب فيها قلتم ما ندري ما الساعة ان نظن الا
هیچ شک نیست دران میگفتند پیغمبران را که ما نمیدانیم که چیست قیامة هیچ نمیدانیم مگر
ظنا وما نحن بمستيقنين ۝ وبدا لهم سيئات ما
گمانی ونه ایم ما بر یقین از آن حال وظاهر شود مر ایشانرا جزای بدیها آنچه
عملوا وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ۝ وقيل
میکردند وفرود آید بایشان جزای آنچه بودند که بران فسوس میداشتند از قیامت وپیغمبر وگویند

الجزو
٢٦

الْيَوْمَ نَنْسٰىكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا وَمَاْوٰىكُمُ

ملایکه امروز ترک کنیم شما را از عذاب دوزخ همچنانکه شما فراموش کردید فراگذاشتید این روز را و طاعت نیاوردید

النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝ ذٰلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ

آتش و نیست شما را هیچ یارانی که خلاص دهند شما را از آتش این عذاب شما را بسبب آنست که شما

آيَاتِ اللّٰهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا

آیتهای خدایرا محل افسوس و دولت شما را زندگانی این جهان فریفته بس امروز برداشته نمیشود

يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ۝ فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ

ایشان را از آتش و نه طلب کنند از ایشان تا خدایرا راضی کنند پس مر خدایرا ست ستایش پروردگار

السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ

آسمانها و پروردگار زمین پروردگار جهانیان و مر او راست غایت بزرگی و پادشاهی

فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

در آسمانها و در زمین و او غالب و توانا است درست کار در کارها

سُورَةُ الْأَحْقَافِ مَكِّيَّةٌ خَمْسٌ وَثَلَاثُونَ آيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

جهة وقف دو وجه
هف تو به بخوانند

حٰمٓ ۝ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ مَا

حکم کرده شده است باینچه بوذی است فروفرستاده شده قرآن از نزد خدای غالب دولت کارساز

خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا

نیافریدیم آسمانها و زمین را و آنچه میان هردو است مگر

بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا

براستی و عدالت و تا وقتی نام برده یعنی قیامت و آنان که کافر شدند از آنچه بیم نمایند

مُعْرِضُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ

ایشان را از بعث و جزا اعراض کرده اند بگوی خبر دهید مرا آنچه می پرستید و میخوانید از غیر خدای

أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي

بنمایید بمن چه چیز آفریدند از زمین یا نه که مرایشان راست انبازی در

السَّمٰوٰتِ ۖ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هٰذَا أَوْ أَثَارَةٍ

آسمانها بیارید بمن کتابی آسمانی را ناطق بصحت دعوی شما پیش از این قرآن

مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو

از دانش پیشینیان اگر هستید راست گویان در دین دعوی و کیست گمراه تر از آنکه خواند

مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَ

از غیر خدای کسی را که اجابت ننماید او را تا روز قیامت و

هُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ۝ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ

ایشان از خواندن کنندگان ایشانند غافلان و چون برانگیزانند مردم را

كانوا لهم اعداء وكانوا بعبادتهم كافرين
باشند اصنام مر ایشانرا دشمنان و باشند به پرستیدن آن کفار ایشانرا کافران و جحود
واذا تتلى عليهم اياتنا بينات قال الذين كفروا
و چون خوانند بر ایشان یعنی مکیان آیات ما را حال آنکه روشنند در دلالت گویند آنان که
للحق لما جاءهم هذا سحر مبين ام يقولون افتريه
مر قرآن را چون آمد بدیشان که این جادویی است هویدا یا نه که میگویند بدروغ بر بافت
قل ان افتريته فلا تملكون لي من الله شيئا هو
بگوی اگر بر سبیل فرض بر بافته باشم قرآن را چنانکه زعم شماست پس نباشد مرا از عذاب خدای هیچ چیز را او
اعلم بما تفيضون فيه كفى به شهيدا بيني وبينكم
داناترست بآنچه شروع مینمایید در آن از طعن در آیات بسنده است خدای بگواهی میان من و میان شما که
وهو الغفور الرحيم قل ما كنت بدعا من الرسل
و او آمرزگارست مهربان بگوی نیستم من بدیع از پیغمبران
وما ادري ما يفعل بي ولا بكم ان اتبع الا ما يوحى
و نمی دانم که چه کنند بمن و نه بشما در زمان استقبال پی روی نمی نمایم مگر آن
الي وما انا الا نذير مبين قل ارايتم ان كان
سوی من و نه ام من مگر بیم نماینده هویدا بگوی خبر دهید مرا اگر باشد این قرآن
من عند الله وكفرتم به وشهد شاهد من بني
از نزد خدای و کافر شوید بآن و گواهی دهد گواهی از پسران

اسرائيل على مثله فامن واستكبرتم ان الله لا
یعقوب بصحت آن یعنی عبد الله سلام بر مانند آن پس ایمان آرد آن شاهد و تکبر نمایید شما از قبول آن که ام کس
يهدي القوم الظالمين وقال الذين كفروا للذين
راه ننماید گروه ستمکارانرا و گویند آنان که کافر شدند مر آنانرا که
امنوا لو كان خيرا ما سبقونا اليه واذ لم
ایمان آوردند که اگر بودی این دین بهتر پیشی نگرفتی بر ما ضعیفان مؤمنان و چون
يهتدوا به فسيقولون هذا افك قديم و
راه نیافتند به آن دین پس گویند این قرآن دروغی دیرینه است و بود
من قبله كتاب موسى اماما ورحمة وهذا كتاب
از پیش قرآن یا پیش از محمد کتاب توریة موسی امامی و مقتدایی و بخشایشی از خدای و این کتاب است
مصدق لسانا عربيا لينذر الذين ظلموا وبشرى
باور دارنده و موافق کتب سابق بزبان عربی تا بیم نمایی آنانرا که ستم کردند و برای مژده
للمحسنين ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا
مر نیکوکارانرا بدرستی که آنان که گفتند پروردگار ما خدایست پس ثبات نمایند بر آن گفتار
فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون اولئك
پس هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان اندوهگن شوند ایشان
اصحاب الجنة خالدين فيها جزاء بما كانوا
ملازمان بهشت اند حال آنکه جاودان باشند در آن برای پاداش آنچه بودند

يَعْمَلُونَ ۝ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ط
که میکردند و وصیت فرمودیم آدمی را بپدر و مادر او نیکویی
حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ط وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ
برداشت اورا مادر او بشکم خود با مشقت و نهاد اورا از شکم با مشقت و مدت برداشتن او و او
ثَلَاثُونَ شَهْرًا ط حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً
سی ماه است تا چون رسد فرزند بغایت جوانی و قوت خود بهجده سالگی و برسد بچهل سالگی
قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ
گوید ای پروردگار من الهام و توفیق بخش مرا که سپاس دارم نعمت ترا که نیکویی کردی بدان بر من و
عَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي
بر مادر و پدر من و آنکه کنم کار نیکو که پسندی تو آنرا و صلاح پدید آر برای من در
ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ أُولَٰئِكَ
اولاد و اعقاب من بدرستی که من بازگشتم سوی تو و بدرستی که من از اهل انقیادم ایشان
الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ
آنان اند که قبول کنند از ایشان نیکوتر آنچه کرده باشند و درگذارند
سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا
بدیهای ایشان در جمله اهل بهشت وعده کرد خدای وعده راستی آن وعده که بودند که
يُوعَدُونَ ۝ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَكُمَا أَتَعِدَانِنِي
وعده داده میشدید بدان در دنیا و آنکه گفت مر مادر و پدر خود را چون ترسانیدند این کلمه اف و لشکی و خشم

أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ
که بیرون آرند مرا از قبر بعد از آنکه پوسیده باشم و بتحقیق گذشت اهل زمانهای پیش از من و کس باز نیامد از آن و آن
اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَٰذَا إِلَّا
خدای و زاری میکردند وای بر تو ایمان آور بخدای و بعث بدرستی که وعده خدای درست است بعث پس میگوید او در جواب
أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ
افسانهای پیشینیان ایشانند آنان که واجب شد بر ایشان بر ایشان
الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ط
گفتار بعذاب در جمله گروهان که گذشت پیش از ایشان از پری و آدمی
إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ۝ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِمَّا
بدرستی که ایشان بودند زیان کاران و مر هر یک از دو فریق مومن و کافر راست
عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَيَوْمَ
گروه باشند از نیکی و بدی و تا تمام بدهند بدیشان جزای اعمال ایشان را و ایشان ستم کرده نشوند و در آن روز
يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ ط أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ
که عرض کنند آنان را که کافر شدند بر آتش گویند بروید و استیفا نمودید لذات شما
فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ
در زندگانی شما نزدیکتر و برخورداری یافتید بآن نعمتها از جوانی و کامرانی پس امروز پاداش دهند شما را
عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ
عذاب خواری بسبب آنچه بودید که تکبر می نمودید در زمین بی

نصف الحزب

الحق وبما كنتم تفسقون ۝ واذكر اخا عاد اذ
استحقاق وبسبب آنچه بودید که خروج مینمودید از فرمان ویاد کن ای محمد یکی از قبیله عاد را هود نام
انذر قومه بالاحقاف وقد خلت النذر من بين
چون بیم نمود گروه خود را بوادی احقاف موضعی از بلاد یمن که ریگهای مستطیل است وبحقیقت گذشتند بیم نمایندگان
يديه ومن خلفه الا تعبدوا الا الله اني اخاف
وشیث واو پس آن چون صالح وشعیب که میپرستید جز معبود بسزا بدرستی که من میترسم
عليكم عذاب يوم عظيم ۝ قالوا اجئتنا لتأفكنا عن
بر شما عذاب روزی بزرگ گفتند قوم هود ای آمدی بما تا بگردانی ما را از
الهتنا فأتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين ۝ قال
عبادت خدایان ما پس بیار بما آنچه وعده میدهی ما را از عذاب اگر هستی از راست گویان گفت هود
انما العلم عند الله وابلغكم ما ارسلت به ولكني
بدرستی که دانش وقت عذاب نزد خداست ومن میرسانم بشما آنچه فرستاده اند مرا بدان کار ولیکن می
اريكم قوما تجهلون ۝ فلما راوه عارضا مستقبل
بینم شما را گروهی که نمی دانید وجاهلید پس چون دیدند عذاب را چون ابری روی آرنده
اوديتهم قالوا هذا عارض ممطرنا بل هو ما استعجلتم به
بر دودخانهای ایشان گفتند این ابریست باران دهنده ما نه که آنست که شتاب مینمودید بوقوع آن
ريح فيها عذاب اليم ۝ تدمر كل شيء بامر ربها فاصبحوا
بادیست که در آنست عذابی دردناک هلاک گرداند این باد هر چیزی را بفرمان پروردگار او پس بامداد کردند

لا يرى الا مساكنهم كذلك نجزي القوم
نه میدیدند مگر جایگاه ایشان همچنان پاداش دهیم گروه
المجرمين ۝ ولقد مكناهم فيما ان مكناكم فيه
گناهکاران را وبحقیقت جای داده بودیم ایشان را از حصون وعمارات ومال ونعمت در آنچه جای ندادیم
وجعلنا لهم سمعا وابصارا وافئدة فما اغنى عنهم
وبدید کردیدیم برای ایشان شنوایی وبینائیها ودلها وعقلها پس باز نداشت از ایشان
سمعهم ولا ابصارهم ولا افئدتهم من شيء اذ كانوا
شنوایی ایشان ونه بینائیهای ایشان ونه دلها وعقلهای ایشان هیچ چیز را چون بودند
يجحدون بآيات الله وحاق بهم ما كانوا به يستهزؤن ۝
که انکار میکردند آیتهای خدا را وفرود آمد بدیشان وبال آنچه بودند که به آن استهزا می نمودند
ولقد اهلكنا ما حولكم من القرى وصرفنا
وبحقیقت هلاک کردیم آنرا که حوالی شماست ای اهل مکه از شهرهای ومکرر گردانیدیم
الآيات لعلهم يرجعون ۝ فلولا نصرهم الذين
دلایل وحجتها را تا مگر ایشان باز گردند از کفر پس چرا نه یاری نمودند ایشان را آنان که
اتخذوا من دون الله قربانا آلهة بل ضلوا عنهم
گرفتند شان از جز خدای حال آنکه سبب تقرب دانستند معبودانی بخدایی نه که
وذلك افكهم وما كانوا يفترون ۝ واذ صرفنا
وآن اعتقاد تقریر دروغ ایشانست وآنچه بودند که افترا می نمودند بر خدای از زن وفرزند وانباز ویاد کن

شما را در آن ای اهل مکه

وفایده ندارد ایشان را

غایب شوند آن معبودان از ایشان بوقت حاجت

چون مایل گردانیدیم

إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ

سوی گردی را از جنس پری میشنوند قرآن را پس چون حاضر شدند بمقام آستا

قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ

گفتند بعضی مر بعضی را ساکت شوید تا بشنوید پس چون فارغ شدند از قرارت روی کردند سوی گروه ایشان

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى

گفتند ای گروه ما بدرستی که ما شنیدیم قرآنی که فرو فرستاده شد پس از موسی

مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ

تصدیق نماینده مر آن کتب را که پیش از و بوده راه نماید سوی صواب و سوی راه راست

يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ

ای گروه ما اجابت نمایید خواننده دین خدا را که محمد است و ایمان آرید با و تا بیامرزد مر شما را خدای چیزی

ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ وَمَنْ لَا يُجِبْ

از گناهان شما را و نگاه دارد شما را از عذاب دردناک و هر که فرمان نبرد

دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ

خواننده خدا را پس نیست فوت شوند از آن در زمین و نیست مر او را از غیر خدای

أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ

دوستانی ایشان در گمراهی آشکارا هویدا ای و ندیدند و ندانستند که خدای

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ

که آفرید آسمانها و زمین و درنماند و عاجز نشد بآفریدن آنها

بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى بَلَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قادر و توانا است بر آنکه زنده گرداند مردگان را آری بدرستی که او بر همه چیزی

قَدِيرٌ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ

توانا است و در آن روز که عرض کنند آنان را که کافر شدند بر آتش گویند زبانیدای

هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ

این عذاب درست و بودنی گویند آری حقست بحق پروردگار گوید خدای پس بچشید عذاب را

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ

بآنچه بودید که کافر میشدید پس صبر نمای چنانکه صبر نمودند خداوندان جد

مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا

از پیغمبران بر جای امتان و شتاب منمای جهة ایشان گویی ایشان روزی که بینند آنرا

يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ

وعده میدهند شان درنگ نکرده اند در دنیا مگر یک ساعت از روز یعنی در مقابل احوال قیامه محو شد

فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ

پس هیچ هلاک کرده نشود مگر گروهی را که خارج اند از فرمان خدای

سورة محمد صلعم مدنية ثمان وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند مهربان بخشاینده

الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله اضل اعمالهم

آنان که کافر شدند بمحمد و منع کردند دیگرانرا از دین خدای باطل کرداند خیرات اعمال

والذين امنوا وعملوا الصالحات وامنوا بما نزل

و آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای نیکو را و ایمان آوردند بآنچه فرو فرستاده

على محمد وهو الحق من ربهم كفر عنهم سيئاتهم

بر محمد صلی الله علیه و سلم یعنی قرآن و آن منزل صدق و صوابست از پروردگار ایشان زایل کرداند

واصلح بالهم ذلك بان الذين كفروا اتبعوا الباطل

و بسامان آرد حال و کار ایشانرا آن جزا دو گروه اضلال و تکفیر بسبب آنست که آنان که کافر شدند متابعت

وان الذين امنوا اتبعوا الحق من ربهم كذلك

و بدرستی که آنان که ایمان آوردند پی روی نمودند صواب را یعنی قرآن را از پروردگار ایشان

يضرب الله للناس امثالهم فاذا لقيتم الذين

بیان بدید میکند خدای تعالی برای مردم داستانهای ایشان را پس به بینید آنان را

كفروا فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتموهم

که کافر شدند یا در قتال یا در دار الحرب پس بزنید گردنهای ایشانرا زدنی تا چون بسیار کشته باشید

فشدوا الوثاق فاما منا بعد واما فداء حتى

پس استوار کردانید بند را تا نگریزند پس چون اسیر کرفته باشید یا منت نهید بر ایشان به رها کردن بعد از بند

تضع الحرب اوزارها ذلك ولو يشاء الله لانتصر

تا که بنهد حرب آلات و اثقال خود را کار همچنانست و اگر خواستی خدای هر آینه انتقام

منهم ولكن ليبلوا بعضكم ببعض والذين قتلوا

از ایشان بی قتال شما با ایشان ولیکن تا امتحان نماید بعضی از شما را ببعضی تا محق از مبطل جدا کردد

في سبيل الله فلن يضل اعمالهم سيهديهم ويصلح

در راه دین خدای پس هرگز ضایع نکرداند عملهای ایشانرا زود بود که راه نماید ایشانرا

بالهم ويدخلهم الجنة عرفها لهم يا ايها

آرد کار ایشانرا و در آرد ایشان را در بهشت که تعریف کرد وصف آن در قرآن برای ایشان

الذين امنوا ان تنصروا الله ينصركم ويثبت اقدامكم

آنان که ایمان آوردند اگر یاری خواهید و نصرت کنید دین خدای را یاری دهد خدای شما را و ثابت

والذين كفروا فتعسا لهم واضل اعمالهم ذلك بانهم كرهوا

و آنان که کافر شدند پس هلاک و خواری و دوری باد ایشانرا و باطل کردانید خدای عملهای

ما انزل الله فاحبط اعمالهم افلم يسيروا في

آنچه فرو فرستاد خدای از رسول و قرآن پس تباه کردانید خدای عملهای ایشان را ای پس نرفتند این

الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم

زمین که بنگرند و به بینند که چگونه بود پایان و سرانجام آنان که پیش از ایشان بودند

دمر الله عليهم وللكافرين امثالها ذلك

حکم فرمود خدای بهلاک بر ایشان و مر کافرانراست مانندهای آن عقوبت این نصر مومنان و نقص کافران

بِاَنَّ اللّٰهَ مَوْلَى الَّذِينَ اٰمَنُوا وَاَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى
جهة آنست که خدای ناصر آنانست که ایمان آوردند و آنان که کافرانند هیچ ناصر نیست
لَهُمْ ۝ اِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
مر ایشانرا بدرستی که خدای در می آرد آنانرا که ایمان آوردند و کردند کارهای نیکو را
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ ط وَالَّذِينَ كَفَرُوا
در بوستانهایی که میرود از زیر درختان آن جویها و آنان که کافر شدند
يَتَمَتَّعُونَ وَيَاْكُلُونَ كَمَا تَاْكُلُ الْاَنْعَامُ وَ
برخورداری می نمایند و میخورند همچنانکه میخورند چهارپایان و
النَّارُ مَثْوًى لَهُمْ ۝ وَكَاَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ اَشَدُّ قُوَّةً
آتش جای ایشانست و بسا از اهل شهری که آن سخت تر بود بقوة
مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي اَخْرَجَتْكَ ج اَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ
از اهل شهر تو که بیرون کردند آن اهل ترا هلاک گردانیدیم ایشانرا پس
لَهُمْ ۝ اَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ
مر ایشانرا ای پس آنکه هست بر حجتی ظاهر از پروردگار او یعنی محمد و امت او چون آنکس بود که
سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا اَهْوَاءَهُمْ ۝ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي
بدی کردار او و پی روی نمودند رایهای باطل ایشانرا ابوجهل و یاران او داستان
وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ط فِيهَا اَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ اٰسِنٍ ج وَ
که وعده داده اند پرهیزکارانرا آنست که در آن جویهاییست از آبی نا متغیر و

اَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ ج وَاَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ
جویهایی از شیری که متغیر نشده طعم آن و جویهای از می بالذت
لِلشَّارِبِينَ ج ۝ وَاَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى ط وَلَهُمْ
مر آشامندگان را بصری و جویهایی از انگبین صافی از کدورات و مر ایشانراست
فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ ط كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ
در آن بهشت از هر میوه و آمرزش از پروردگار ایشان آنکه حال او این بود
فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ اَمْعَاءَهُمْ ۝
در آتش و آب دهندشان آبی بغایت گرم پس پاره پاره گرداند رودهای ایشانرا
وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ اِلَيْكَ ج حَتَّى اِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ
و از کفارند بعضی منافقان که گوش میدارند سوی تو بظاهر بی التفات بمعنی تا چون بیرون آیند از نزد تو
قَالُوا لِلَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ اٰنِفًا اُولٰئِكَ
گویند بر سبیل استهزا مر آنانرا که دادند ایشانرا دانش از اصحاب چه چیز گفت پیغمبرتان اکنون که هیچ فهم نکردیم
الَّذِينَ طَبَعَ اللّٰهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا اَهْوَاءَهُمْ ۝
که مهر نهاد خدای بر دلهای ایشان و پیروی نمودند رایهای باطل ایشانرا
وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَاٰتٰهُمْ تَقْوٰهُمْ ۝
و آنان که راه راست یافتند بایمان زیاده گرداند ایشانرا خدای توفیق علم و عمل و دهد ایشانرا
فَهَلْ يَنْظُرُونَ اِلَّا السَّاعَةَ اَنْ تَاْتِيَهُمْ بَغْتَةً ج فَقَدْ
پس هیچ چشم میدارند منافقان مگر آمدن قیامت را که آید ایشانرا ناگهان پس بحقیقت

جاء اشراطها فانى لهم اذا جاءتهم ذكرىهم
آمد علامات آن از قلة كرم و علم و كثرت جهل و قطع رحم پس چگونه بود مر ايشانرا چون آمد بديشان
فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك و
پس بدان يعنى ثابت باش بر آنكه نيست هيچ معبود مگر خداى و آمرزش خواه براى گناه تو كه ترك
للمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم و
براى مومنان و مومنات و خداى ميداند مواضع تردد شما را يا گشتن
ومثويكم ويقول الذين امنوا لولا نزلت سورة
و جاى قرار شما و ميگويند آنان كه ايمان آوردند چرا نه فرو فرستادند سورتى مشتمل
فاذا انزلت سورة محكمة وذكر فيها القتال
پس چون فرو فرستند سورتى كه احتمال نسخ ندارد و ياد كنند در آن فرمان كارزار را
رايت الذين فى قلوبهم مرض ينظرون اليك
بينى تو بوقت نزول آن آنان را كه در دلهاى ايشانست بيمارى نفاق كه مى نگرند سوى تو
نظر المغشى عليه من الموت فاولى لهم طاعة و
نگرستن بيهوش شده از امارات مرگ پس واى بر ايشان ازين اعتقاد فرمان بردارى و
قول معروف فاذا عزم الامر فلو صدقوا الله
گفتار نيكو مشتمل بر شرايط ادب بهترست ايشانرا پس چون بجد رسد كار جهاد بفرضيت پس اگر راست گفتند
لكان خيرا لهم فهل عسيتم ان توليتم ان تفسدوا
هر آينه بودى بهتر ايشانرا پس هيچ شايد بود شما اگر متولى امور مردم شويد كه افساد كنيد

فى الارض وتقطعوا ارحامكم اولئك الذين
در زمين بقتل و غارت و قطع كنيد خويشهاى شما را ايشان آنانند كه
لعنهم الله فاصمهم واعمى ابصارهم افلا
دور گردانيد از رحمت حق ايشانرا خداى پس ناشنوا گردانيد ايشانرا و نابينا گردانيد چشمهاى بصيرت ايشانرا
يتدبرون القرآن ام على قلوب اقفالها ان
تامل نمى نمايند منافقان معانى قرآنرا تا بدانند آنرا يا نه كه بر دلها سخت است قفلهاى آن بدرستى كه
الذين ارتدوا على ادبارهم من بعد ما تبين لهم
آنان كه بازگشتند با حالت كفر از آن پس كه ظاهر شد مر ايشانرا
الهدى الشيطان سول لهم واملى لهم ذلك
راه دين خداى ديو بياراست طريق گناه براى ايشان و بطمع افكند ايشان بامل دراز آنچه گفتيم
بانهم قالوا للذين كرهوا ما نزل الله سنطيعكم
بسبب آنست كه ايشان يعنى منافقان گفتند مر آنانرا يعنى مشركانرا كه كراهيت داشتند آنرا كه فرو فرستاد خداى
فى بعض الامر والله يعلم اسرارهم فكيف اذا
در بعضى از كارها عداوت رسول ميداند نهانى ايشانرا پس چون بود حال ايشان با محمد چون
توفتهم الملائكة يضربون وجوههم وادبارهم
قبض روح ايشان كنند فرشتگان حال آنكه ميزنند رويهاى ايشانرا و جانب پشت ايشانرا
ذلك بانهم اتبعوا ما اسخط الله وكرهوا رضوانه
آن عذاب بسبب آنست كه ايشان متابعت نمودند آنرا كه واجب گردانيد عقاب خدايرا از كتمان بعث

فَاَحْبَطَ اَعْمَالَهُمْ ۝ اَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
پس باطل گردانید خدای صورت اعمال خیر ایشان را یا نه که پنداشتند آنان که در دلهای ایشان
مَرَضٌ اَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللّٰهُ اَضْغَانَهُمْ ۝ وَلَوْ نَشَآءُ
بیماری نفاق که هرگز ظاهر نگرداند خدای کینهای ایشان را و اگر خواستیمی
لَاَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمٰهُمْ ۚ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي
هر آینه بنمودیمی بتو آن منافقان را پس هر آینه بشناسی ایشان را بعلامت ایشان که بر رویهای ایشان
لَحْنِ الْقَوْلِ ۚ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اَعْمَالَكُمْ ۝ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ
گفتار مایل از حق و خدای میداند کردار شما و هر آینه آزمایش نمائیم شما را
حَتّٰى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ ۙ وَنَبْلُوَا
تا ظاهر گردانیم جهاد کنندگان را از شما و صبر کنندگان را بر حروب و شبه آزمودن کنیم
اَخْبَارَكُمْ ۝ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ
خبرهای شما را از خیر و شر بدرستی که آنان که کافر شدند و منع کردند دیگران را از راه دین
اللّٰهِ وَشَآقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدٰى
خدای و مخالفت نمودند با پیغمبر حق از آن پس که ظاهر شد مر ایشان را دین راست
لَنْ يَضُرُّوا اللّٰهَ شَيْئًا ۚ وَسَيُحْبِطُ اَعْمَالَهُمْ ۝ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ
هرگز مضرت نتوانند رسانید مر خدای را چیزی از ضرر باطل کند و زود بود که گردارهای ایشان را باطل کند ای آنان
اٰمَنُوا اَطِيعُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا
که ایمان آوردید فرمان برید خدای را در فرایض و فرمان برید پیغمبر را در سنن و باطل مکنید

اَعْمَالَكُمْ ۝ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ
عملهای شما را بدرستی که آنان که کافر شدند و منع کردند مردم را از دین
اللّٰهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ فَلَا تَهِنُوا
خدای پس مردند و ایشان را کفر بود و کافر باشند پس هرگز نیامرزد خدای ایشان را پس
وَتَدْعُوا اِلَى السَّلْمِ وَاَنْتُمُ الْاَعْلَوْنَ ۝ وَاللّٰهُ مَعَكُمْ
و میخواند کفار را بصلح کردن و شما غالب تر و قاهرترید بخاتمت و خدای با شماست
وَلَنْ يَتِرَكُمْ اَعْمَالَكُمْ ۝ اِنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ
و هرگز ضایع نگرداند کردارهای شما را بدرستی که زندگانی این جهان بازیست و
وَلَهْوٌ ۚ وَاِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ اُجُورَكُمْ
و مشغولی از طاعت و اگر ایمان آورید بخدای و رسول و پرهیزکاری نمایید بدهد شما را مزدهای شما را
وَلَا يَسْئَلْكُمْ اَمْوَالَكُمْ ۝ اِنْ يَسْئَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا
و نخواهد از شما اموال شما را اگر خواهد از شما همه اموال شما را پس مبالغه کند در طلب اموال
وَيُخْرِجْ اَضْغَانَكُمْ هَا اَنْتُمْ هٰؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا
و ندهید و پدید آورد خدای حقدهای شما را پیش رسول و مؤمنان این کنید شما این اشخاص میخوانند شما را تا نفقه کنید
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ۚ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ ۚ وَمَنْ يَبْخَلْ فَاِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ
در راه خدای پس از شماست کسانی که بخیلی مینمایند و هر که بخیلی نماید در انفاق پس بدرستی
نَفْسِهِ ۚ وَاللّٰهُ الْغَنِيُّ وَاَنْتُمُ الْفُقَرَآءُ ۚ وَاِنْ تَتَوَلَّوْا
خود یعنی ضرر آن بوی عاید شود و خدای پس بی نیاز است از طاعات و صدقه شما و شما محتاجانید بثواب او و اگر اعراض کنید

نصف الحزب

يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ

بدل آورد خدای گرویی را جز شما پس باشند در معاصی مانند شما بلکه مطیع تر باشند

سورة الفتح مدنية تسع وعشرون آية

ف بلاخلاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

جهت فتح و نصرت چهل و یکبار بخواند

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۝ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ

بدرستی که ما گشاده کردانیدیم برای تو گشادن روشن تا بیامرزد خدای مر ترا آنچه پیش رفت

مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ

از گناه تو گفته یا ترک اولی و آنچه متأخر شد از آمدن و تا تمام کرداند نعمت خود را بتو بسبب

صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝ وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا

براین راست و تا یاری دهد ترا خدای نصرتی قوی با عزت

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

او آن خدایست که فرو فرستاد طمانینه و سکون و آرامش را با من و فتح و قوت در رحمت در دلهای مؤمنان

لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ ۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ

تا بیفزایند یقینی را با ایمان خود با ایمان بجهت با ایمان بر پیش متقدم و مر خدا یراست لشکرهای آسمانها

وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ

و زمین و هست خدای دانا با حکمت تمام تا در آرد مردمان با ایمان

وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

و زنان با ایمان در بوستانهایی که میرود از زیر درختان آن جویها

خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ

حال آنکه جاودانه باشند دران و زایل گرداند از ایشان بدیهای ایشان را و هست آن

عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَ

نزد خدای پیروزی بزرگ و تا عذاب فرماید مردان منافق را و

الْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ

زنان منافق را و مردان مشرک را و زنان مشرک را که گمان برده اند

بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ ۚ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۖ وَغَضِبَ

بخدای گمانی بد بآنکه خدای نصرت رسول و مومنان نماید برایشان نسبت هلاک و عاقبت بد و خشم گرفت

اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ

خدای برایشان و لعنت فرمود ایشان را و ساخته گردانید برای ایشان قعر دوزخ و بد

مَصِيرًا ۝ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ

جای بازگشتی و مر خدا یراست لشکرهای آسمانها و زمین و هست

اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا

خدای غالب و تو انا و درست کار درست گفتار بدرستی که ما فرستادیم ترا حال آنکه گواهی برایت و مژده دهنده مومنان را

وَنَذِيرًا ۝ لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ
وبیم نماینده کافر انرا تا ایمان آرید بخدای و پیغمبر او و نصرت نمایید دین خدایرا و تعظیم نمایید
وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا
و تسبیح گویید خدایرا بامداد و اول و آخر روز بدرستی که آنان که عهد میکنند با تو در حدیبیه
يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا
که عهد میکنند با خدای دست رسول خدای بالای دست ایشانست پس هر که بشکند عهد پس
يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ
وبال آن عاید شود بر نفس او و هر که وفا کند بآنچه عهد کرده است بر آن خدای
فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ
پس خواهد داد او را مزدی بزرگ زود بود که گویند ترا تخلف نمودگان از غزو چه
مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ
از عرب آنها که اهل بادیه اند مشغول داشت مرا از آمدن مالها و کسان ما پس آمرزش خواه
لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِم مَّا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَن
برای ما میگویند آن اعذار بر زبانهای ایشان آنچه نیست در دلهای ایشان بگو پس کیست
يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ
که مالکست هیچ چیزرا از قبل خدای اگر خواهد بشما
بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ بَلْ
سودی از طرف و عینیتی نه بر حسب آنچه میکنید آگاه نه

ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَنقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ
گمان بردید که هرگز باز نگردد پیغمبر و مومنان با کسان خود ابدا بنیاد
أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنتُمْ
هرگز و آراسته شد این گمان بد در دلهای شما و گمان بد بردید گمانی بد که ایشان بازنیایند
قَوْمًا بُورًا ۝ وَمَن لَّمْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا
گروهی هالکان و هر که ایمان ندارد بخدای و پیغمبر او پس بدرستی که ما
أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ۝ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
ساخته ایم برای کافران آتش افروخته سوزان و مر خدایرا است پادشاهی آسمانها
وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَ
و زمین می آمرزد مر آنرا که بخواهد و عذاب میکند مر آنرا که میخواهد و
كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ
هست خدای آمرزگار مهربان زود بود که گویند آن بازماندگان
إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ
چون بروید شمای مؤمنان سوی غنیمت اخیبر تا فراگیرید آنرا بگذارید ما را تا متابعت شما کنیم
يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا
میخواهند که تغییر کنند دیگر کلام خدایرا بگوی ابدا نزد ما هرگز متابعت ما نخواهید کرد
كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِن قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا
همچنان گفت خدای از این پیش پس زود بود که گویند نیست چنین بلکه حسد میبرید ما را

بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ

به که هستند که در نمی یابند مگر اندکی را بگوی مر آن باز ماندگان را

مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ

از اهل بادیه زود بود که خوانند شما را سوی قتال گروهی خداوند حربی سخت

تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ ۚ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ

تا حرب در کارزار کنید با ایشان یا اسلام آرند پس اگر فرمان برید آن داعی را بدهد شما را

أَجْرًا حَسَنًا ۚ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ

مزدی نیکو غنیمت در دنیا و بهشت در آخرت و اگر اعراض نمایید از جهاد چنانچه اعراض نمودید

عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى

عذابی دردناک نیست بر نابینا بزه در تخلف از جهاد و نه بر آنکه

الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ ۗ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ

پایش خلل دارد بزه و نه بر بیمار بزه و هر که فرمان برد خدا را

وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

و پیغمبر را در آرد او را در بوستانهایی که رود از فرود آن جویها

وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ

و هر که فرمان نبرد و روی گرداند از طاعت عذاب کند او را عذابی دردناک بحقیقت خشنود شد

الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي

مؤمنان چون عهد میکردند با تو در زیر درخت مغیلان بحدیبیه بر آنکه از قتال

نصف

قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا

دلهاست دلهای ایشانست پس فرو فرستاد آرامش دل و صبر را بر ایشان و جزا داد ایشان را

قَرِيبًا ۝ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا ۗ وَكَانَ

نزدیک یعنی و بداد شان غنیمتهای بسیار از اموال یهود خیبر که گیرند آنرا و هست

اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا

خدای غالب و بی همتا با حکمت تمام وعده داد شما را خدای غنیمتهای بسیار که فرا گیرید آنرا

فَعَجَّلَ لَكُمْ هَٰذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ ۚ وَلِتَكُونَ آيَةً

پس شتاب نمود برای شما این غنیمت خیبر و باز داشت دستهای کفار یهود خیبر یا اهل مکه از شما و

لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝ وَأُخْرَىٰ

مر مؤمنان را تا بدانید که و ثابت داند شما را بر راه دینی راست بر پایه یقین و وعده کرد فتح و غنایم

لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ

دیگر یعنی فارس و روم که بنفس خود توانا نه اند بر تحصیل و فتح آن و داناست خدای بحصول آن مر شما را و هست خدای

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۝ وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا

هر چیزی توانا و اگر کارزار کردندی با شما و صلح نکردندی آنان که کافر شدند

لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝

هر آینه منهزم و مقهور گشتندی پس نیافتندی هیچ دوستی و نه یاری دهنده

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ ۖ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ

سنت نهاد نصرت انبیا بر اعدا سنت نهادنی که بحقیقت گذشت پیش ازین و هرگز نیابی تو مر سنت

تَبْدِيلًا ۝ وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ

بدل کردنی وآن خداست که باز داشت دستهای ایشان را یعنی اهل مکه از شما و

أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ

دستهای شما را از ایشان بزمین مکه بحدیبیه آنان پس که ظفر داد شما را

عَلَيْهِمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۝ هُمُ الَّذِينَ

بر ایشان بنده بیت دست خدای به آنچه میکنید بیناست ایشان آنانند که کافر

كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ

کافر شدند و منع کردند دیگر ایشان را از مسجد حرام و منع کردند قربانی را

مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ ۚ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ

حال آنکه ممنوع و حبس پس بود از آنکه برسد بجای بکاه کشتن آن و اگر نه مردانی بودندی با ایمان و زنانی

مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ

با ایمان که نمیدانستید شما ایشان را چه ایمان پنهان میداشتند اگر بیایمالی آیشان در

مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ

تبوبی دانستنی تا درآرد خدای در بهشت خود هرکرا خواهد

لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

اگر جدا شدندی و متمیز بودندی آن مسلمان از کنار هر آینه عذاب کردیمی آنانرا که کافر شدند ایشان

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ

چون بدید کردند آنان که کافر شدند در دلهای ایشان کبر را کبر

الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى

طایفهٔ متقدم بر اسلام پس فرو فرستاد خدای سکینه و وقار و رحمت خود بر پیغمبر خود و بر

الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا

مومنان و ثابت داشت ایشان را بر کلمهٔ پرهیزکاری یعنی شهادتین و بودند سزاوارتر

وَأَهْلَهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ

و بودند اهل کلمه آن چه خیارام ایشان شد و هست خدای بهمه چیزی دانا بحقیقت راست کرد

رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ ۖ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ

پیغمبر خود را خواب بحق درآیید شما در مسجد حرام اگر خواهد

اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ

خدای حال آنکه ایمن باشید بعضی از کرده‌های ستردهٔ سرهای شما را و کوتاه کنندهٔ موهای را حال

فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَٰلِكَ فَتْحًا

پس دانست خدای آنرا که ندانستید از حکمت در تاخیر فتح نکه پس تقدیر کرد پیش از ان فتح نکه

قَرِيبًا ۝ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ

نزدیک یعنی فتح خیبر او آن خدایست که فرستاد پیغمبر خود را براه راست و دین

الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

صواب تا غالب کرداند دین اسلام را بحجت و برهان بر راهها یان همه و بسنده است خدای گواه

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ

محمد صلی الله علیه وسلم فرستادهٔ خدایست و آنان که با اویند از صحابه قوی دست اند در شدت بر

کنایه از کلمه

خدای

نصف الحزب

انکه شرسیدن کافران مکه

بر صدقه خبر رویای او

بر ان کافرستیزی از دوستی اسلام

رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ تَرٰىهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ
باشفقت اند و مهربان در میان ایشان بینی تو ایشان را رکعان ساجدان میجویند بآن
فَضْلًا مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ
تفضل از خدای و خشنودی بقبول اعمال صالحه نشانهٔ ایشان در رویهای ایشانست
مِنْ اَثَرِ السُّجُودِ ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرٰىةِ وَمَثَلُهُمْ
از نشان سجده کردن آن وصف مذکور داستان عجب ایشانست در توریت و داستان
فِي الْاِنْجِيلِ كَزَرْعٍ اَخْرَجَ شَطْئَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ
در انجیل چون کشتی که بیرون آرد آغاز نبات اول که دانه بشکافد در زمین پس
فَاسْتَوٰى عَلٰى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ
پس راست بایستید بر ساقهای خود بشگفت آورد کشت قوی شده کشت کنندگان را بنضارت و حسن
الْكُفَّارَ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
کافران را وعده داد خدای آنانرا که ایمان آوردند و کردند کارهای نیکو را
مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَاَجْرًا عَظِيمًا
از ایشان آمرزشی و مزدی بزرگ

عجب ایشان

یاری نماید اصل

تا بخشم آرد بسبب ایشان

سورة الحجرات مدنية ثماني عشرة آية

السبع السابع

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان
يَا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ
ای آنان که ایمان آوردید تقدم منمایید در پیش حکم خدای و رسول او
وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
و بترسید از خدای بدرستی که خدای شنواست دانا باحوال شما ای آنان که ایمان آوردید
لَا تَرْفَعُوا اَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا
بلند مگردانید در وقت سخن گفتن با پیغمبر آوازهای خود را بالای آواز پیغمبر و بلند مگردانید
لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ اَنْ تَحْبَطَ اَعْمَالُكُمْ وَاَنْتُمْ
برای او گفتار را چون بلند گردانیدن بعضی از شما برای بعضی که باطل شود کردارهای شما را و حال
لَا تَشْعُرُونَ اِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ اَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ
نه دانید بدرستی که آنان که خوابانیده و پست میدارند آوازهای خود را
رَسُولِ اللّٰهِ اُولٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللّٰهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوٰى
پیغمبر خدای ایشان آنانند که آزمایش فرمود خدای دلهای ایشان را برای پرهیزکاری
لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَاَجْرٌ عَظِيمٌ اِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ
مر ایشان راست آمرزشی و مزدی بزرگ بدرستی که آنان که آواز میدهند ترا از
وَرَآءِ الْحُجُرَاتِ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ وَلَوْ اَنَّهُمْ
پس حجرهای تو بیشتر ایشان عقل ندارند و نادانند که ترا باسم میخوانند و اگر آنستی

دفع علتهای شکم هفت بار بخواند

آنکه شما

جهة ادب نزد

صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ
که صبر کردندی تا برون آیی سوی ایشان هر آینه بودی بهتر مر ایشان را و خدای
غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ
آمرزگار است مهربان ای آنان که ایمان آوردید اگر آرد بشما برون آمده از فرمان
فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ۝
پس بدانید صدق و کذب آنرا برای عدم ارادت آنکه مصیبت رسانند گروهی را بی دانش پس باشید بر آنچه کرده باشید
وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ
و بدانید که بدرستی که در میان شماست پیغمبر خدای اگر اجابت نماید شما در بسیاری
مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ
از کار دین که شما میخواهید هر آینه در بزه افتید ولیکن خدای دوست گردانید سوی شما ایمان را
وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ
و آراست آنرا در دلهای شما و مکروه گردانید سوی شما ناگرویدن بخدای و رسول و خروج
وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ۝ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ
و نافرمانی را آنان که اهل این صفتند ایشانند اهل راه راست و صواب از تفضل خدای
وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
و انعام او و خدای داناست بمصالح خلق استوارکار و اگر دو گروه از مؤمنان از اهل ایمان
اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى
کار کنند باهم پس صلاح پدید آرید میان ایشان پس اگر ستم کند یکی از آن دو گروه بر دیگری

فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ
پس کارزار کنید با آنکه ستم میکند تا که باز گردد با فرمان خدای پس اگر باز گردد از بغی
فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
پس صلح افکنید میان ایشان براستی و پیوسته بر عدالت باشید بدرستی که خدای
الْمُقْسِطِينَ ۝ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ
عادلان را بدرستی که مؤمنان برادران دینی اند پس بسامان آرید کار را میان
وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
و بترسید از خدای تا مگر شما را رحمت نمایند ای آنان
آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا
که ایمان آوردید باید که فسوس ندارد گروهی مردان از گروهی مردان شاید که باشند فسوس
مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ
از فسوس دارندگان و نه گروهی زنان از زنانی شاید که باشند افسوس داشتگان بهتر
وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ
و عیب مکنید یکدیگر را و مخوانید یکدیگر را بنامهای شنیع بد
الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ
نامی و گفتی خروج از طاعت پس از ایمان و هر که توبه نکند از افسوس
فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا
پس ایشان ایشانند ستمکاران ای آنان که ایمان آوردید دوری نمایید

كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا

از بسیاری از گمان بدرستی که بعضی از گمان موجب بزه است و احوال یکدیگر مپرسید

يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ

یا دشمنی بعضی از شما بعضی را ای دوست میدارد یکی از شما که بخورد

لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ

گوشت برادر خود را در حالتی که مرده باشد پس مکروه دارید شما آنرا و بترسید از خدای بدرستی

رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ

مهربانست ای مردمان بدرستی که ما آفریدیم شما را از نری و

أُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ

ماده یعنی آدم و حوا و گردانیدیم شما را خاندانهای بزرگ و خاندانهای خرد تا یکدیگر را بشناسید

أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝ قَالَتِ

که گرامی ترین شما نزد خدای پرهیزکارترین شماست بدرستی که خدای داناست آگاه است بوطن

الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا

اهل بادیه ایمان آوردیم بگوی ایمان نیاورده اید از دل پاک ولیکن بگویید اقرار کردیم بزبان

وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَ

و هنوز در نیامده بتصدیق قلبی در دلهای شما و اگر فرمان برید خدای را و

رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

رسول او را نقصان نکند شما را از ثواب کارهای نیک چیزی بدرستی که خدای آمرزگارست مهربان

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا

بدرستی که مومنان حقیقی آنانند که ایمان آوردند بخدای و پیغمبر او پس شک نیاوردند

وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ

و مخلص بودند و کوشش نمودند بمالهای ایشان و نفسهای ایشان در راه دین خدای ایشانند

هُمُ الصَّادِقُونَ ۝ قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

ایشان راست گویان بگوی ای می آموزانید خدا را کار دین خود و خدای میداند

مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و خدای بهمه چیزی

عَلِيمٌ ۝ يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ

داناست منت مینهند بر تو برای آنکه گردن نهادند بگوی منت منهید بر من

إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ

اسلام خود بلکه خدای منت مینهد بر شما که راه نمود شما را سوی ایمان حقیقی اگر

كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

هستید شما راست گویان بدرستی که خدای میداند نهانی آسمانها و زمین را

وَاللَّهُ بَصِيرٌ

و خدای بیناست

بِمَا تَعْمَلُونَ

بآنچه میکنید

سورة ق

خمس وازبعون

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

قٓ وَالْقُرْاٰنِ الْمَجِيدِ ۝ بَلْ عَجِبُوٓا اَنْ جَآءَهُمْ
مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ
ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ۝ قَدْ
عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْاَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتٰبٌ
حَفِيظٌ ۝ بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ فِيٓ اَمْرٍ
مَّرِيجٍ ۝ اَفَلَمْ يَنْظُرُوٓا اِلَى السَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ
بَنَيْنٰهَا وَزَيَّنّٰهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ۝ وَالْاَرْضَ
مَدَدْنٰهَا وَاَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَاَنْۢبَتْنَا فِيهَا مِنْ

كُلِّ زَوْجٍۭ بَهِيجٍ ۝ تَبْصِرَةً وَذِكْرٰى لِكُلِّ عَبْدٍ
مُّنِيبٍ ۝ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً مُّبٰرَكًا
فَاَنْۢبَتْنَا بِهِۦ جَنّٰتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ۝ وَالنَّخْلَ بَاسِقٰتٍ
لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ ۝ رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ ۙ وَاَحْيَيْنَا بِهِۦ بَلْدَةً
مَّيْتًا ۚ كَذٰلِكَ الْخُرُوجُ ۝ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ
نُوحٍ وَّاَصْحٰبُ الرَّسِّ وَثَمُودُ ۝ وَعَادٌ وَّفِرْعَوْنُ
وَاِخْوَانُ لُوطٍ ۝ وَّاَصْحٰبُ الْاَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ ۚ
كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ۝ اَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ
الْاَوَّلِ ۚ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَلَقَدْ

خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ
آفریدیم ما آدمی را و میدانیم آنچه حدیث نهانی میگویند با او
وَنَحْنُ اَقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ۝ اِذْ يَتَلَقَّى
و ما نزدیکتریم به او ازان رگ که رگ جان اوست چون فرا میگیرند بحفظ
الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ۝ مَا
و کتابت آنرا که از آدمی صادر میشود آن دو فرشته و از جانب چپ همنشین نه
يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ اِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۝ وَجَاءَتْ
افکند این آدمی از دهان هیچ گفتاری مگر که نزد اوست نگهبانی حاضر که آنرا که می نویسد و آمد
سَكْرَتُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۝
سختی جان کندن براستی آن موت آنست که بودی تو ای آدمی ازان که میگریختی
وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ۝ وَجَاءَتْ
و دردمند در صور آن وقت نفخ روز وعده عذابست کافرانرا و آید
كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ۝ لَقَدْ كُنْتَ
هر تنی حال آنکه با او بود راننده بمحشر و گواهی بر اعمال او گویند او را بحقیقت بودی تو
فِي غَفْلَةٍ مِنْ هٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ
در دنیا در بیخبری ازین کار پس زایل گردانیدیم بقطع علایق از بصر تو پوشش را پس بینایی تو
الْيَوْمَ حَدِيدٌ ۝ وَقَالَ قَرِينُهُ هٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ۝
امروز بغایت تیزبین است و گوید با او شیطان این بلا که نازل است بتو آنست که نزد من بود

نصف الحزب

و در ید رگیست در باطن آدمی گردن میان علیا و حلقوم و ایشان دو رگ باشند بر راست و چپ خلق که پیوسته متحرک باشند که چون بگیرند آنرا آدمی بیهوش شود

اَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ۝ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ
بیندازید ای دو فرشته در دوزخ هر ناگرونده ستیزه کاری را باز دارنده مردم از نیکی
مُعْتَدٍ مُرِيبٍ ۝ اَلَّذِي جَعَلَ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ
ستمکار بگمان افکننده آنکه پدید کرد با خدای خدای دیگر را
فَاَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ۝ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا
پس بیندازید او را در عذاب سخت بگوید یار او آن دیو ای پروردگار ما
مَا اَطْغَيْتُهُ وَلٰكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝ قَالَ
گمراه نکردانیدم او را ولیکن بود در حکم ازلی در گمراهی دور از صواب گوید
لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ اِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ۝
خصومت مکنید نزدیک من و حال آنکه پیش فرستاده ام سوی شما آنچه بآن ترس دهند
مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا اَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۝ يَوْمَ
تغییر کرده نشود بثواب و عقاب نزد من و نه ام من ستم نماینده مر بندگان را یاد کن آن روز را
نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ۝
که گوییم مر دوزخ را که هیچ پر شدی چنانچه ترا وعده داده بودیم و گوید هیچ هست زیادتی
وَاُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۝ هٰذَا مَا
و نزدیک گردانند بهشت را برای پرهیزکاران حال آنکه نه دور بودند ازان این ثواب آنست
تُوعَدُونَ لِكُلِّ اَوَّابٍ حَفِيظٍ ۝ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ
که وعده دادند شما را بزبان رسل برای هر بازگردنده با خدای نگاه دارنده فرمان او را آنکه ترسد از خدای بخشاینده به نهانی

وَجَآءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ ۝ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ۖ ذٰلِكَ
و آید با دلی باز کرده بحق در آیید دران بهشت با سلامت از عذاب آن
يَوْمُ الْخُلُودِ ۝ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ
زمان دخول وقت تقدیر جاویدست مرایشان را آنچه خواهند دران بهشت و نزد ما هست زاید
وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُم
و چند ایشان هلاک کردیم پیش از ایشان یعنی اهل مکه اهل هر زمانه که ایشان نخست
بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ ۖ هَلْ مِن مَّحِيصٍ ۝ إِنَّ فِي
قوت بر مردم پس تفتیش کردند در شهرها که هیچ گریزگاهی نیست از عذاب بپرستی که در
ذٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ
اینها که گفتیم درین سوره هر آینه پندیست و عبرتی مر آنکس را که هست مر او را دلی و دریابنده
هُوَ شَهِيدٌ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ
و او حاضر بوده نه غافل و بحقیقت آفریدیم آسمانها و زمین را و
مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ
آنچه میان آسمان و زمین است در مقدار شش روز و نه رسید بما هیچ تعبی
فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ
پس شکیبای نمایی بر آنچه میگویند از مطاعن و تسبیح کن و ثنا گزار حال آنکه مقرون به ستایش پروردگار تو
طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ
برآمدن آفتاب و پیش از فرو شدن و چیزی از شب نماز کن او را برای خدای

وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ۝ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن
و پیاپی یاد نمای او را در اعقاب صلوات و گوش دار تا روزی که ندا کند خدا حال قیامت دران روز
مَّكَانٍ قَرِيبٍ ۝ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ۚ ذٰلِكَ
جایگاهی نزدیک صخرهٔ بیت المقدس دران روز که بشنوند آواز صور را نفخهٔ دوم را براستی آن روز
يَوْمُ الْخُرُوجِ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ۝
روز بیرون آمدنست از قبور بدرستی که ما زنده میکنیم و ایم طلق را و می میرانیم و با ماست بازگشتن
يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ۚ ذٰلِكَ حَشْرٌ
دران روز که شکافته شود زمین از ایشان شتابان باشند بحشر آن گرد آوردنی است
عَلَيْنَا يَسِيرٌ ۝ نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم
بر ما آسان ما دانا تریم به آنچه میگویند از مطاعن و انکار تو نه ای تو بر ایشان
بِجَبَّارٍ ۖ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ
مستولی و قاهر پس پند ده یا محمد بقرآن آنرا که ترسد از بیم تو

سورة والذاريات مكية وستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان

وَالذّٰرِيٰتِ ذَرْوًا ۝ فَالْحٰمِلٰتِ وِقْرًا ۝ فَالْجٰرِيٰتِ

سوگند است از خدای تعالی بادهای خاک پاشنده و هوا بسبب بارهای برداشته بار کران بار گران

يُسْرًا ۝ فَالْمُقَسِّمٰتِ اَمْرًا ۝ اِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ۝

بسهولت و آسانی پس بخشندگان قسمت کننده کار از ان را بحسب تقدیر بدرستی که آنچه وعده میدهند شما را

وَاِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ۝ وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ۝

و بدرستی که جزا و شمار بر آینه بظهور آینده است و بحق آسمان خداوند راهها

اِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ ۝ يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ اُفِكَ ۝

بدرستی که شما بر آینه در گفتاری اید از کار محمد مضطرب و مناسب مصروفست از ایمان یا از رسول یا از قرآن

قُتِلَ الْخَرّٰصُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ۝

در ازل لعنت بدروغ گویان باد آنان که ایشان در گرداب ضلالت بی خبرانند

يَسْـَٔلُونَ اَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ۝ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ

می پرسند یا ستهزا که کدام وقت روز جزا و حساب بود آن روز که ایشان بر آتش دوزخ

يُفْتَنُونَ ۝ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ ۝ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ

تعذیب کرده شوند بچشید تعذیب خویش را این آنست که بودید که بآن

تَسْتَعْجِلُونَ ۝ اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنّٰتٍ وَعُيُونٍ ۝

شتاب میکنید بدرستی که پرهیزکاران در بوستانها اند و چشمهای روان

اٰخِذِينَ مَآ اٰتٰىهُمْ رَبُّهُمْ ۝ اِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذٰلِكَ

گیرنده اند از طیب نفس آنرا که داد ایشان را پروردگار ایشان بدرستی که ایشان بودند پیش ازین

مُحْسِنِينَ ۝ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ۝

نیکوکاران با ایمان و طاعت بودند اندکی از شب که می نخفتند

بِالْاَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ۝ وَفِي اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ

باوقات سحرها ایشان طلب آمرزش میکردند و در مالهای ایشان بود نصیبی معین

لِلسَّآئِلِ وَالْمَحْرُومِ ۝ وَفِي الْاَرْضِ اٰيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ ۝

مر خواهنده را و بی روزی را و در زمین است دلالات بر وحدت صانع مر اهل

وَفِي اَنْفُسِكُمْ ۝ اَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝ وَفِي السَّمَآءِ

و در آفرینش شما تا چرا ای پس نمی بینید و در آسمانست

رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ۝ فَوَرَبِّ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ

سبب روزی شما و آنچه وعده میدهند شما را از ثواب و عقاب پس بحق پروردگار آسمان

اِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَآ اَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ ۝ هَلْ اَتٰىكَ حَدِيثُ

بدرستی که این حکایت حق است مانند آنکه شما سخن میگویید از حق هیچ آمد بتو ای پیغمبر سخن

ضَيْفِ اِبْرٰهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ۝ اِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا

میهمانان ابراهیم آن میهمانان گرامی نزد خدای یا نزد ابراهیم چون در آمدند بر او پس گفتند

سَلٰمًا ۝ قَالَ سَلٰمٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ۝ فَرَاغَ اِلٰٓى

سلام میکویم پیام کسی ابراهیم گفت سلام بر شما باد گروهی ناشناخته پس نهان رفت سوی

اَهْلِهِ فَجَآءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ۝ فَقَرَّبَهُ اِلَيْهِمْ قَالَ اَلَا

کسان خود پس آورد گوساله فربه پس نزدیک کرد آنرا سوی ایشان تا بخورند گفت آیا

تَأْكُلُونَ ۝ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا
آیا نمی خورید آنرا پس نهان کرد در دل خود از ایشان ترسی گفتند
تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ۝ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ
مترس و مژده دادند اورا بکودکی دانا بوجود اسحق علیه السلام پس روی آورد زن او بخانه
فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ۝ قَالُوا
در آواز کردن بود از حیا پس کوفت دستها بروی خود و گفت من زنی ام نازاینده گفتند ملایکه
كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝ قَالَ
همچنین گفت پروردگار تو بدرستی که اوست با حکمت تمام دانا گفت ابراهیم
فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا
پس چیست کار بزرگ شما ای فرشتگان فرستاده گفتند بدرستی که ما فرستاده شده ایم
إِلَىٰ قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ۝ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ ۝
سوی گروهی گناهکاران قوم لوط تا فرستیم برایشان سنگهایی از گل
مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ۝ فَأَخْرَجْنَا مَنْ
نشان کرده نزد پروردگار تو برای تجاوز کنندگان پس بیرون کردیم
كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ
که بود دران دیه از مسلمانان لوط پس نیافتیم دران شهرها جز اهل یک خانه خاندان
مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ
از مسلمانان لوط و گذاشتیم دران دیه دلیلی بر قدرت ما و عبرتی مر آنان که بترسیدند

الجزو ٢٧

الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ
عذاب دردناک و در کار موسی نیز آیتی است اورا سوی
فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ
فرعون بحجتی ظاهر عصا و ید بیضا پس اعراض کرد فرعون از ایمان بقوت
سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ۝ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ
جادوست یا دیوانه پس عقاب فرمودیم اورا و لشکرهای اورا پس فکندیم ایشانرا
فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ۝ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ
در دریا و او با اصل ملامت بود از کفر و عناد و در قوم عاد نیز آیتی است چون فرستادیم
الرِّيحَ الْعَقِيمَ ۝ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا
بادی بیخبر را نمیگذاشت هیچ چیز را که آمد برو و بر وزید مگر که
جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ۝ وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ
گردانید آنرا چون استخوان پوسیده ریزیده و در گروه ثمود نیز آیتی است چون گفتند مر ایشانرا
تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ۝ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ
برخورداری گیرید از عمر دنیا پس خارج شدند از فرمان پروردگار ایشان پس گرفت
الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۝ فَمَا اسْتَطَاعُوا
عذاب آتش سوزنده و ایشان می نگریستند دران عذاب پس نتوانستند هیچ
مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ
برخواستنی نزد نزول عذاب و نبودند باز داشته از عذاب و هلاک کردیم گروه نوح را

مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ وَالسَّمَاءَ
پیش از عاد و ثمود و قوم فرعون بدرستی که ایشان بودند گروهی خارج از فرمان خدای و آسمان را
بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ۝ وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا
بنا فرمودیم بقوت و قدرت و بدرستی که ما هر آینه فراخ گرداننده روزی خلقانیم و زمین را گسترانیدیم
فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ۝ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا
پس نیکا گسترانندهٔ که ماییم و از هر چیزی بیافریدیم
زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي
جفت جفت تا مگر شما پند گیرید پس پناه برید با خدای از عقوبت او
لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا
مر شما را از عذاب او بیم نماینده ام هویدا و اعتقاد مدارید و مپرسید با خدای
آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ كَذَٰلِكَ مَا أَتَى
دیگری را که شما بدرستی که من مر شما را از و بیم نماینده ام هویدا کار همچنانست نیامد
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ
بآنان که پیش از ایشان بودند هیچ پیغمبری مگر که گفتند او جادو نیست یا دیوانه
أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا
ای وصیت کردند یکدیگر را بآن گفتن که ایشان گروهی اند از حد گذرندگان پس اعراض کن از ایشان که
أَنْتَ بِمَلُومٍ ۝ وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ
نه تو مستحق ملامت بر اعراض و پند ده مردم را که بدرستی که پند سود میکند اهل ایمان را

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۝ مَا
و نیافریدم پری را و آدمی را مگر تا بپرستند مرا نمیخواهم
أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ۝ إِنَّ
از ایشان هیچ روزی را و نمیخواهم که طعام دهند مرا بدرستی
اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۝ فَإِنَّ لِلَّذِينَ
که خدای اوست روزی دهنده خداوند قوت و قدرت تمام پس بدرستی که مر آنان را
ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ ۝
که ستم کردند نصیبی از عذاب ما مانند نصیب اقران ایشان از کفار پیشین پس شتاب مکنید
فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۝
پس وای مر آنان را که نگرویدند از آن روز ایشان که وعده میدهند شان یعنی قیامت

سورة والطور مكية تسع واربعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
وَالطُّورِ ۝ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ ۝ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ ۝ وَ
بحق کوه طور که مقام تکلیم موسی بود و بحق کتابی نوشته در جلدی طی ناکرده مراد توریت یا قرآنست و

الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ۝ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ۝ وَالْبَحْرِ
بحق خانه که کعبه عمارت کرده زوار و بحق آسمانه برداشته یعنی آسمان و بحق دریای مملو
الْمَسْجُورِ ۝ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ۝ مَا لَهُ مِنْ
یا گرم کرده بآتش بدرستی که عذاب پروردگار تو هر آینه نازل و بود نیست نیست مر آنرا
دَافِعٍ ۝ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ۝ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ
بازدارنده دران روز که متحرک شود آسمان گردیدنی و رود کوهها در هوا
سَيْرًا ۝ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ
رفتنی هبا منثور پس وای آن روز که ایشان که مر آنان را که بدروغ نسبت کننده اند انبیا را آنان که
فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ۝ يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ
در شروع در باطل بازی میکنند در آن روز که بعنف رانند ایشان را سوی آتش
دَعًّا ۝ هَٰذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ۝
راندنی این آتش آنست که بودید که بآن تصدیق نمیکردید در دنیا
أَفَسِحْرٌ هَٰذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۝ اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا
ای پس جادوییست این حال نیز یا نه که شما نمی بینید آتش را در آیید در آتش پس شکیبایی نمایید
أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ
یا نمایید یکسانست بر شما هر دو حال بدرستی که پاداش داده میشوید آنچه بودید
تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ۝ فَاكِهِينَ
که میکردید در دنیا بدرستی که پرهیزکاران در بوستانهایی اند با ناز و نعمت لذت یابنده و شادان

بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۝
بآنچه داد ایشان را پروردگار ایشان و نگاه داشت ایشان را پروردگار ایشان از عذاب
كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ مُتَّكِئِينَ
گویندشان خازنان بهشت بخورید و بیاشامید گوارنده شما بآنچه بودید که میکردید از اعمال صالحه
عَلَىٰ سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ۝ وَ
بر تختهای متجاوز متلاحق صف نهاده بر هم و هم جفت گردانیدیم ایشان را بزنانی
الَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ
آنان که ایمان آوردند و متابعت نمودند ایشان را فرزندان ایشان بسبب ایمانی در رسانیم بدرجات
ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ
فرزندان ایشان را و ناقص نگردانیم پدران ایشان را از ثواب عمل هیچ چیز هر
امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ۝ وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ
مردی بآنچه کرده باشد از خیر و شر مرهونست و مدد فرستیم ایشان را بمیوها میوه دنیا
وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝ يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا
و هر گوشت از آنچه خواهند از انواع شم فرا یکدیگر دهند در آن جنات خمری یا جامهای شراب
لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ۝ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ
هیچ سخن بی فایده گفته نشود در آن و فحش نگویند و هیچ نسبت به بزه و گرد بر آید بریشان کودکانی
لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ ۝ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ
مر ایشان را گویی که ایشان مرواریدی اند مصون و مستور از غبار باد و هوا نایافته که این ساعت از صدف

دوزخ سوزان

در دنیا تکیه زدگان

که سیاه چشم ایشان سیاه و سفید و سفید فراخ چشمان

ایشان

نصف الحزب

برای خدمت

برآید و روی آورد بعضی از ایشان

عَلٰى بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ ۝ قَالُوٓا اِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِىٓ اَهْلِنَا
بر بعضی بعد از دوران کاس پرسند از یکدیگر احوال گویند بدرستی که بودیم ما پیش ازین در دنیا یکسان خود
مُشْفِقِينَ ۝ فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَوَقٰىنَا عَذَابَ السَّمُومِ ۝
ترسندگان از عذاب پس نعمت فرمود خدای بر ما بمغفرت و رحمت و نگاه داشت ما را از عذاب آتش
اِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ اِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ۝
بدرستی که ما بودیم پیش ازین در دنیا که میخواندیم او را بدرستی که او اوست نیکوکار مهربان
فَذَكِّرْ فَمَآ اَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ۝
پس ثابت باش بر پند دادن و دعوت عامه که نه تو بسبب نعمت پروردگار تو فال گوی و نه دیوانه
اَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ ۝ قُلْ
یا نه که میگویند او شعر گوینده است چشم میداریم به او حوادث روزگار را که باو فرود آید بگوی
تَرَبَّصُوا فَاِنِّى مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ۝ اَمْ تَاْمُرُهُمْ
چشم دارید زوال من بدرستی که من با شما از منتظرانیم که هلاک بشما رسد یا نه که میفرماید ایشان را
اَحْلَامُهُمْ بِهٰذَآ اَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ۝ اَمْ يَقُولُونَ
عقول ایشان باین اقوال فاسد یا نه که ایشان گروهی اند از حد در گذرنده در عناد یا نه که میگویند
تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَلْيَاْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ اِنْ
گفت از خود قرآن را نه که ایمان نمی آرند پس گو بیارید سخنی مانند قرآن اگر
كَانُوا صَادِقِينَ ۝ اَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ اَمْ هُمُ
هستند راست گویان که قرآن بر بافته محمد است یا نه که آفریده شدند بی هیچ چیزی که خالق ایشان بوده یا نه

الْخَالِقُونَ ۝ اَمْ خَلَقُوا السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ بَلْ
آفریننده خودند یا نه که آفریدند آسمانها و زمین را نه که
لَا يُوقِنُونَ ۝ اَمْ عِنْدَهُمْ خَزَآئِنُ رَبِّكَ اَمْ هُمُ
یقین ندارند و فکر نمیکنند در دلایل وحدانیت یا نه که نزد ایشانست خزانهای پروردگار تو از نبوت و مفاتیح غیب
الْمُسَيْطِرُونَ ۝ اَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَاْتِ
اهل غلبه و استیلا اند یا نه که ایشانراست نردبانی سوی آسمان که استماع میکنند وحی را و کلام
مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ اَمْ لَهُ الْبَنَاتُ
شنونده ایشان حجتی ظاهر را یا نه که مر او راست دختران
وَلَكُمُ الْبَنُونَ ۝ اَمْ تَسْئَلُهُمْ اَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ
و مر شما راست پسران یا نه که میخواهی از ایشان مزدی بر تبلیغ رسالت که ایشان از ثقل آن
مُثْقَلُونَ ۝ اَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۝
گران بارانند یا نه که نزد ایشان است علم غیب که ایشان حکم میکنند بآن یا می نویسند
اَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ۝
یا نه که میخواهند رسانیدن مکری و مکروهی بتو پس آنان که کافر شده اند ایشان مغلوبند بجاز
اَمْ لَهُمْ اِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝
یا نه که ایشانراست خدایی جز معبود بسزا که عذاب باز دارد از ایشان پاکا خدای از آنچه شرک می آرند
وَاِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَآءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ
و اگر ببینند پاره از آسمان افتاده میگویند آن ابر است

مَرْكُومٌ ۝ فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي
برهم نشسته بعضی بر بعضی پس بگذار ایشان را تا رسند بروز ایشان آن روز که
فِيهِ يُصْعَقُونَ ۝ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا
دران بمیرند از نفخهٔ اولی دران روز که باز ندارد از ایشان از ایشان بدخواهی و مکر ایشان
وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ
و نه ایشان یاری کرده شوند و بدرستی که مر آنان راست که شرک آوردند عذابی پیش
ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَاصْبِرْ
از آن عذاب ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند و صبر کن برای
لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
حکم پروردگار تو با مهالی کفار و تبلیغ رسالت پس بدرستی که تو نگاه داشته بعیون حفظ ما و تسبیح گوی بستایش
حِينَ تَقُومُ ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ۝
آنگاه که خیزی از مقام یا منام و از شب در چیزی نماز گذار خدا را یعنی شام و خفتن و هنگام غروب کواکب

الثمن الثامن

سورة والنجم مكية اثنتان وستون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۝ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝
بحق ثریا یا کواکب یا نجوم قرآن چون غروب کند که بضلالت منسوب نیست در امور معاد یکی از شما محمد علیه السلام
وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝
و سخن نمیگوید از آرزوی نفس خود نیست قرآن مگر پیامی از نزد خدای
عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۝ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ۝ وَ
آموزانید محمد را فرشته با قوتهای تمام یعنی جبرئیل خداوند عقل و رای تمام پس ایستاد آن فرشته بصورت
هُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ۝ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۝ فَكَانَ
و حال آنکه آن ملک بر طرف اشرف بود پس نزدیک شد پس آویخته و معلق شد بهوا پس گشت
قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ۝ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۝
قرب او بمحمد مانند مقدار دو کمان یا نزدیک تر پس وحی فرستاد خدای بسوی بندهٔ خود آنرا که وحی
مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۝ أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۝
اعتقاد کذب نکرد دل محمد علیه الصلوة والسلام آنرا که ای جدال میکنید شما با او بر آنچه میدید
وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۝ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۝
و بحقیقت دید او را یکبار دیگر بر صورت اصلی در شب معراج نزد درخت سدره که در نهایت جنت است
عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ۝ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا
نزد آن سدره است بهشت جای گرفتن چون می آمد بآن درخت آنچه
يَغْشَىٰ ۝ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ۝ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ
می آمد از ملک یا نور الهی با ملخ زرین مایل نشد چشم رسول بغیر و تجاوز نکرد بسبب التفات بحقیقت دید از

آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ۝ وَ
عجایب قدرت پروردگار خود آیات بزرگتر را ای پس دیدید آن دو صنم لات و عزی و
مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ ۝ أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ
صنم سیوم را که باز پس ترست بمرتبه ای مر شما راست نرینه و خدایراست
الْأُنْثَىٰ ۝ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ۝ إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ
مادینه آن قسمت که کردید آنگاه قسمتیست با جور و حیف نیست اصنام مگر نامهایی که
سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ
وضع کردید آنرا شما و پدران شما نفرستاد بثبوت آن اسما هیچ حجتی و
سُلْطَانٍ ۚ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ
برهانی متابعت نمی نمایید مگر گمان را و آنرا که دوست میدارد نفوس اماره شما
وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ ۝ أَمْ لِلْإِنْسَانِ
و بحقیقت آمد بدیشان از پروردگار ایشان قرآن و بیان پیغمبر یا معجز یا نه که مر آدمی راست
مَا تَمَنَّىٰ ۝ فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ۝ وَكَمْ مِنْ
آنچه خواست پس مر خدایراست آن جهان و این جهان و بسا از
مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا
فرشته در آسمانها که فایده ندهد خواهش ایشان هیچ چیز را مگر
مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ۝ إِنَّ الَّذِينَ
از آن پس که دستوری دهد خدای در شفاعت مر آنرا که خواهد و پسندد بدرستی که آنان

الحزب

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ
که ایمان نمی آرند بآن جهان هر آینه نام مینهند فرشتگانرا چون نام نهادن
الْأُنْثَىٰ ۝ وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ ۚ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ
مادینه و نیست مر ایشانرا بآنچه میگویند هیچ دانشی پی روی نمی نمایند مگر گمانرا
وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ۝ فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ
و بدرستی که گمان و تخمین فایده ندهد بجای صدق و یقین از حق هیچ چیز را پس اعراض کن از آنکسی که اعراض کرد
عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝ ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ
از یاد آوردن ما و نخواست مگر زندگانی این جهان را آن طلب دنیا و اعراض از مولی
مِنَ الْعِلْمِ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ
از دانش بدرستی که پروردگار تو او داناترست بانک گمراهست از دین او و
هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَىٰ ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ
او داناترست بانک راه یافت و مر خدایراست آنچه در آسمانهاست و
مَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ
آنچه در زمین است تا پاداش دهد آنان را که بدی کردند بآنچه کرده باشند و پاداش دهد
الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ ۝ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ
آنان را که نیکی کردند بخصلت نیکوتر آنان که دوری می نمایند از گناهان بزرگ
الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ
و از کارهای شنیع مگر از گناهان خرد بدرستی که پروردگار تو فراخ

المغفرة هو اعلم بكم اذ انشاكم من الارض واذ انتم
آمرزش است و بسیار عفو او دانا ترست بشما از شما چون نو بدید آورد شما را از زمین و چون شما
اجنة في بطون امهاتكم فلا تزكوا انفسكم
نهان بودید در شکمهای مادران شما پس نسبت مکنید بصلاح و طهارت از معاصی
هو اعلم بمن اتقى افرايت الذي تولى واعطى
او دانا ترست بانک پرهیزکارترست ای پس دیدی آنرا که اعراض کرد از ایمان و داد اندکی
قليلا واكدى اعنده علم الغيب فهو يرى
اندکی از مال و باز ایستاد از عطا پس از آن ای نزد اوست دانش نهانی پس می بیند چیزها را
ام لم ينبا بما في صحف موسى وابرهيم الذي
یا نه که پاکاهانیدند او را بآنچه در نامهای موسی و ابرهیم است آن پیغمبر که تمام ادا کرد او امر
وفى الا تزر وازرة وزر اخرى وان ليس
و صبر که برندارد هیچ نفسی بردارنده گناه نفسی را و آنکه نیست
للانسان الا ما سعى وان سعيه سوف يرى
مر آدمی را مگر آنچه شتافته بدان و آنکه کردار او را زود بود که ببینند آنرا
ثم يجزيه الجزاء الاوفى وان الى ربك المنتهى
پس پاداش دهند بدان او را پاداش تمامتر و آنکه سوی حکم پروردگار تست نهایت امور خلایق
وانه هو اضحك وابكى وانه هو امات واحيا
و آنکه او اوست که قوت ضحک داد و قوت بکا و آنکه او اوست که میرانید و زنده گردانید

وانه خلق الزوجين الذكر والانثى من نطفة
و آنکه او آفرید دو جفت را نرینه و مادینه از آب مرد
اذا تمنى وان عليه النشاة الاخرى وانه
چون ریخته شود در رحم و آنکه بر قدرت اوست آفرینش دوم بار و آنکه اوست
هو اغنى واقنى وانه هو رب الشعرى وانه
او که توانگر گردانید و ذخیره داد و آنک اوست او پروردگار شعری یمانیه که معبود بعضی از قریش بود و آنکه او
اهلك عادا الاولى وثمود فما ابقى وقوم
هلاک گردانید عاد نخست را یعنی قوم هود و ثمود را که هلاک کرد بصیحه پس و گروه
نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى و
نوح را از این پیش هلاک کرد بدرستی که ایشان بودند ایشان ستمکارتر و نافرمان تر و
المؤتفكة اهوى فغشها ما غشى فباي الاء
بد این قوم لوط را انداخت از هوا سوی پستی پس رسانید بدان آنچه رسانید از حجارة و کبریت
ربك تتمارى هذا نذير من النذر الاولى
پروردگار تو ای آدمی شک می آری این پیغمبر محمد صلی الله علیه وسلم یا این قرآن بیم نماینده ایست از جنس
ازفت الازفة ليس لها من دون الله كاشفة
نزدیک شد آن موصوف یا قرآن یعنی قیامت نیست مر وقت آنرا از غیر خدای هیچ نفسی بیان کننده
افمن هذا الحديث تعجبون وتضحكون ولا تبكون
ای پس از این قرآن یا حکایت قیامت تعجب می نمایید و میخندید و نه می گریید از وعید

وَاَنْتُمْ سَامِدُونَ ۝ فَاسْجُدُوا لِلّٰهِ وَاعْبُدُوا ۝ سجده

وشما ومعرضيند پس سجده بريد مر خدا را وپرستش نمايند

سورة الساعة مكية خمس وخمسون آية

بوقت ترسيدن از سلطان هفت نوبه بخواند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان

اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ۝ وَاِنْ يَرَوْا آيَةً

نزديك شد قيامت وشكافته شد ماه واگر بينند معجزه را كه دال باشد

يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ ۝ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا

اعراض كنند وگويند اين جادوئى است ثابت محكم وتكذيب نمودند ومتابعت نمودند

اَهْوَآءَهُمْ وَكُلُّ اَمْرٍ مُسْتَقِرٌّ ۝ وَلَقَدْ جَآءَهُمْ

رايهاى باطل ايشانرا وهر كارى قرار گيرنده است بر حدى معلوم وبحقيقت آمد بديشان

مِنَ الْاَنْبَآءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ۝ حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا

از خبرهاى امم سابقه يا اخبار آخرت آنچه در آنست زجرى وتهديدى اين قرآن يا ارسال رسول حكمتى

تُغْنِ النُّذُرُ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ اِلَى شَيْءٍ

پس اعراض كن از ايشان روزى كه خواهد خواند اسرافيل يا جبرئيل يا چيزى

نُكُرٍ ۝ خُشَّعًا اَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْاَجْدَاثِ

ستنگر قيامت حال آنكه ذليل وضعيف بود چشمهاى ايشان بيرون آيند از گورها

كَاَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ۝ مُهْطِعِينَ اِلَى الدَّاعِ يَقُولُ

گويى ايشان ملخى اند پراكنده در آفاق حال آنكه شتابان باشند سوى خواننده گويند

الْكَافِرُونَ هٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ۝ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ

كافران اين روزى دشوار است تكذيب نمودند پيش از ايشان گروه

نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ۝ فَدَعَا

نوح پس تكذيب نمودند بنده ما را نوح وگفتند اين ديوانه است وراندند او را پس خواند

رَبَّهُ اَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ۝ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَآءِ

پروردگار خود را بدرستى كه من غلبه شده ام پس عذاب فرماى پس گشاديم درهاى آسمانها را

بِمَآءٍ مُنْهَمِرٍ ۝ وَفَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَآءُ عَلَى اَمْرٍ

بآبى ريزان چهل روز وگشاديم زمين را چشمها پس فراهم رسيد آن دو آب بر حالت مقدر

قَدْ قُدِرَ ۝ وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ اَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ ۝

از اهلاك قوم نوح وبرداشتيم او را بر كشتى خداوند تختها ومسمارها

تَجْرِي بِاَعْيُنِنَا جَزَآءً لِمَنْ كَانَ كُفِرَ ۝ وَلَقَدْ

حال آنكه ميرفت محفوظ بعين عنايت ما براى پاداش مر آنكس را كه جحود نموده شده بود يعنى وبحقيقت

تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي

ما گذاشتيم آن كشتى را محل اعتبارى پس هيچ پند گيرنده پس چگونه بود عذاب من

وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ
و انذارات من و بحقیقت آسان گردانیدیم قرآن را از برای پند گرفتن پس هیچ
مُدَّكِرٍ ۝ كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ
پند گیرنده تکذیب نمودند قبیله عاد پیغمبر را پس چگونه بود عذاب من و
نُذُرِ ۝ اِنَّا اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ
انذارات من بدرستی که ما فرستادیم برایشان بادی سخت را در روز بداختری
مُسْتَمِرٍّ ۝ تَنْزِعُ النَّاسَ كَاَنَّهُمْ اَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ۝
دایم برمیکند از جای مردم را گویی ایشان خرمابنانی بودند فتاده
فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ
پس چگونه بود عذاب من و انذارات من و
لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ۝
تکذیب نمودند قبیله ثمود بیم کنندگان را
فَقَالُوا اَبَشَرًا مِنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ اِنَّا اِذًا لَفِي
پس گفتند ای آدمی را از ما یگانه یعنی صالح متابعت نماییم او را بدرستی که ما آنگاه
ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ۝ اَءُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا
گمراهی باشیم و در آتشها ای فکندند وحی را بر او از میان ما که اشرافیم
بَلْ هُوَ كَذَّابٌ اَشِرٌ ۝ سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ
نه که او دروغ گوییست متنعم متکبر زود بود که دانند فردا که کیست دروغ زن

الْاَشِرُ ۝ اِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ
متکبر بدرستی که ما فرستنده‌ایم اشتر را از سنگ برای آزمایش پس چشم نمای
وَاصْطَبِرْ ۝ وَنَبِّئْهُمْ اَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ
و صبر نمای بر اذیت ایشان و بیاگاهان ایشان را که آب مقسومست میان ایشان هر نصیبی
شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ ۝ فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ۝
از آب حاضر آمده بود در آن بنوبت پس آواز دادند یکی از ایشان را قدار نام پس ملتزم شد آن
فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ اِنَّا اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
پس چگونه بود عذاب من و انذارات من بدرستی که ما فرستادیم برایشان
صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ۝ وَلَقَدْ
آوازی یگانه را پس شدند چون گیاه ریزه خشک که جمع کنند آن را صاحب
يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝
كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ۝ اِنَّا اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
تکذیب نمودند گروه لوط بیم کنندگان را بدرستی که ما فرستادیم برایشان
حَاصِبًا اِلَّا اٰلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ۝ نِعْمَةً مِنْ
بادی سنگ ریزه مگر اهل لوط نجات دادیم ایشان را بوقت سحر برای نعمتی از
عِنْدِنَا كَذٰلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ۝ وَلَقَدْ
نزد ما همچنانکه پاداش دهیم آن را که سپاس داری کرده باشد و بحقیقت

هلاک ایشان

کار را پس بکشت ناقه را

خطیره برای گوسفندان

الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه
خدای تقدس وتعالی بخشاینده آموزانید محمد را قرآن آفرید آدمی را آموزانید اورا
البيان الشمس والقمر بحسبان والنجم والشجر
نطق فصیح وفهم بلیغ آفتاب وماه میروند بفرمان او در بروج بحسابی معلوم ونبات بی
يسجدان والسماء رفعها ووضع الميزان الا
فرمان بردارند اورا وآسمان را برافراشت آنرا ونهاد آلت وزن را که از حد
تطغوا في الميزان واقيموا الوزن بالقسط و
مگذرید در کار ترازو ومحافظت نمایید سنجیدن را براستی
لا تخسروا الميزان والارض وضعها للانام
زیان مسازید ترازو را و زمین را قرار جای گردانید آنرا برای آفریدگان
فيها فاكهة والنخل ذات الاكمام والحب
در زمین است جنس میوه ودرخت خرما خداوند غلاف شکوفه ودانه
ذو العصف والريحان فباي آلاء ربكما تكذبان
خداوند کاه وروزی یا مشموم پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب می نمایید ای
خلق الانسان من صلصال كالفخار وخلق الجان
آفرید آدمی را از گل خشک چون گل پخته وآفرید پدر پری
من مارج من نار فباي آلاء ربكما تكذبان رب
از بی دود از آتشی پروردگار

المشرقين ورب المغربين فباي آلاء ربكما تكذبان
دو مشرق صیف وشتا وپروردگار دو مغرب
مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان
بیامیخت دو دریا را شور وشیرین حال آنکه بهم پیوسته اند درمیان ایشانست حایل از قدرت
فباي آلاء ربكما تكذبان يخرج منهما اللؤلؤ و
بیرون می آید ازان دو بحر مروارید بزرگ
المرجان فباي آلاء ربكما تكذبان وله
ومروارید خرد ومر اوراست
الجوار المنشآت في البحر كالاعلام فباي
کشتیها بادبان برکشیده در دریا چون کوهها
آلاء ربكما تكذبان كل من عليها فان ويبقى
هرآنکه بر پشت زمین است ناپاینده است وباقی ماند
وجه ربك ذو الجلال والاكرام فباي
ذات پروردگار تو خداوند عظمت وکبریا وافاضت اسباب مکرمت
آلاء ربكما تكذبان يسئله من في السموات
میخواهد از خدای حوایج دینی ودنیوی را هرکه در آسمانست
والارض كل يوم هو في شان فباي آلاء ربكما
وزمین از ثقلین هر روزی او در کاری دیگرست باعتبار ظهور حوادث در زمان خود

تُكَذِّبَانِ ۝ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ
زود بود که برسد نوبت حوادث بوقوع محاسبه شما ای آدمی و پری پس بکدام نعمتهای
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ
پروردگار شما تکذیب مینمایید ای آدمی و پری ای گروه آدمی پری اگر می توانید
أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا
که بیرون شوید از کنارهای آسمانها و زمین پس بیرون شوید
لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
بیرون نتوانید شد مگر بقهر و غلبه و آن خود ممکن نیست پس بکدام نعمتهای پروردگار شما
تُكَذِّبَانِ ۝ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ ۝ وَنُحَاسٌ
تکذیب مینمایید ای آدمی و پری فرستاده شود بر شما زبانه خالص از دود از آتش مجازی و مس گداخته یا دود
فَلَا تَنْتَصِرَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ فَإِذَا
پس ممتنع نباشید از عذاب پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب مینمایید ای آدمی و پری پس چون
انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ۝
شکافته شود آسمانها برای نزول ملک پس شود گل رنگ چون روغن زیت یا ادیم احمر
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ
پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب می نمایید ای آدمی و پری پس آن روز که منشق شود آسمان نپرسند از
ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝
از گناه خود هیچ آدمی و نه پری

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ۝
شناخته شوند گناهکاران بعلامت ایشان از سواد وجه و زرقت عین پس گرفته شوند مجرم بمویهای پیشانی و قدمها
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ هَٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي
پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب مینمایید ای آدمی و پری این دوزخست که
يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ۝ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ
تکذیب مینمودند آنرا گناهکاران مختلف طواف کنند میان آن دوزخ و میان آب بغایت گرم
آنٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ
و مر آنکس راست که ترسد از
رَبِّهِ جَنَّتَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ ذَوَاتَا
پروردگار او دو بهشت عدن و نعیم دو خداوند شاخهای
أَفْنَانٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ فِيهِمَا عَيْنَانِ
درختان در آن دو جنت است دو چشمه
تَجْرِيَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ فِيهِمَا
درختان که می روند در آن دو جنت است
مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝
از هر میوه دو صنف یکی معروف و دیگری غریب
مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ
حال آنکه تکیه زدگانند بر گسترده‌ها که آستر های آن از دیبای سطبر است و میوه هر دو جنت قریب است

دان فبای الاء ربکما تکذبان فیهن قاصرات
و مضطجع را پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب می نمایید ای آدمی و پری در میان این دو جنت
الطرف لم یطمثهن انس قبلهم ولا جان فبای
چشمان از جز شوهران که ازالت بکارت نکرده ایشانرا هیچ آدمی پیش از ایشان و نه پری پس بکدام
الاء ربکما تکذبان کانهن الیاقوت والمرجان
نعمتهای پروردگار شما تکذیب مینمایید گویی ایشان از صفا یاقوت و مروارید نازکند
فبای الاء ربکما تکذبان هل جزاء الاحسان
پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب مینمایید ای آدمی و پری هیچ پاداش نیکوی در دنیا
الا الاحسان فبای الاء ربکما تکذبان و
مگر نیکوی در آخرت پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب مینمایید ای آدمی و پری و
من دونهما جنتان فبای الاء ربکما تکذبان
از دو جنت است دو بهشت پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب مینمایید ای
مدهامتان فبای الاء ربکما تکذبان فیهما
مایل بسواد از غایت سبزی و سیرابی پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب ای در آن دو جنت است
عینان نضاختان فبای الاء ربکما تکذبان
دو چشمه بر جوشنده بکافور و آب پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب مینمایید ای آدمی و پری
فیهما فاکهة ونخل ورمان فبای الاء ربکما
در آن دو جنت است هر میوه و خرما بن و انار پس بکدام نعمتهای پروردگار شما

تکذبان فیهن خیرات حسان فبای الاء ربکما
در آن جنتند زنانی نیکو چشم نیکو اخلاق پس بکدام نعمتهای پروردگار شما
تکذبان حور مقصورات فی الخیام فبای
تکذیب مینمایید زنانی نیکو چشم مستوران در خیمها
الاء ربکما تکذبان لم یطمثهن انس قبلهم ولا جان
ازالت بکارت نکرده ایشانرا هیچ آدمی پیش از ایشان
فبای الاء ربکما تکذبان متکئین علی رفرف
پس بکدام نعمتهای پروردگار شما تکذیب مینمایید ای آدمی و پری حال آنکه تکیه زدگانند بر بساطهای
خضر وعبقری حسان فبای الاء ربکما تکذبان
سبز و گرانمایه نیکوان
تبارک اسم ربک ذی الجلال والاکرام
با برکت است نام پروردگار تو خداوند عظمت و تعظیم

سورة الواقعة مکیة ست وتسعون آیة

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدای بخشنده مهربان

دفع شر شیطان و برکت در رزق
چهل و یکبار بخوانند

اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ۝
چون بدیه آید آن بدیه شدنی یعنی قیامت نیست دروقت واقع شدن آن هیچ نفسی دروغ گوینده
خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ۝ اِذَا رُجَّتِ الْاَرْضُ رَجًّا ۝ وَّبُسَّتِ
پست کردانندهٔ توئیست بردارندهٔ توئی دیگر چون تحریک دهند زمین را تحریک شدید عنیف
الْجِبَالُ بَسًّا ۝ فَكَانَتْ هَبَآءً مُّنْۢبَثًّا ۝ وَّكُنْتُمْ
کوهها را خرد کردنی پس باشند غباری متفرق دباشید شما
اَزْوَاجًا ثَلٰثَةً ۝ فَاَصْحٰبُ الْمَيْمَنَةِ ۙ مَآ اَصْحٰبُ الْمَيْمَنَةِ ۝
اصنافی سه گانه پس اهل دست راست وبختیکی ای عجب چه چیزند اهل یمن ویمین
وَاَصْحٰبُ الْمَشْئَمَةِ ۙ مَآ اَصْحٰبُ الْمَشْئَمَةِ ۝ وَالسّٰبِقُوْنَ
واهل دست چپ اهی وشومی ای عجب چه چیزند اهل دست چپ وشومی ودشمن کنیدگان
السّٰبِقُوْنَ ۝ اُولٰٓئِكَ الْمُقَرَّبُوْنَ ۝ فِىْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ
سابق آنند بحسنات ایشان المقربان در بوستانهای نازونعمت
ثُلَّةٌ مِّنَ الْاَوَّلِيْنَ ۝ وَقَلِيْلٌ مِّنَ الْاٰخِرِيْنَ ۝ عَلٰى سُرُرٍ
سابقان گروهی بسیار اند از زمان واندکی از امت باز پسین کرامت خواهند برتختهای
مَّوْضُوْنَةٍ ۝ مُّتَّكِـِٕيْنَ عَلَيْهَا مُتَقٰبِلِيْنَ ۝ يَطُوْفُ عَلَيْهِمْ
بافته از زر رشته وجوهر نشسته روی بارویکدیگر برآن تختها گشته گرد برگرد آیند برایشان
وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُوْنَ ۝ بِاَكْوَابٍ وَّاَبَارِيْقَ ۙ وَكَاْسٍ
کودکان جاودانه بکارهای کرامتی گذاشته وایشان را برحال کودکی بگوزنهای بی گوشه وابریقها دظرفهای علو

مِّنْ مَّعِيْنٍ ۝ لَّا يُصَدَّعُوْنَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُوْنَ ۝ وَفَاكِهَةٍ
از خمر ظاهر روان نه تصدیع داده نشوند ازآن خمر و بیهوش نگشوند وبانواع میوه
مِّمَّا يَتَخَيَّرُوْنَ ۝ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُوْنَ ۝ وَحُوْرٌ عِيْنٌ ۝
ازآنچه اختیار کنند وگوشت مرغ از هرجنس که میخواهند وزنان نیکو چشم فراخ
كَاَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُوْنِ ۝ جَزَآءً بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۝
چون مانندهای مرواریدستوران غبار برای پاداش برآنچه بودند که میکردند
لَا يَسْمَعُوْنَ فِيْهَا لَغْوًا وَّلَا تَاْثِيْمًا ۝ اِلَّا قِيْلًا سَلٰمًا
نشنوند دران جنات سخن بی فایده ونه بزه مندی مگر گفتن ری سلامی
سَلٰمًا ۝ وَاَصْحٰبُ الْيَمِيْنِ ۙ مَآ اَصْحٰبُ الْيَمِيْنِ ۝ فِىْ
پس از سلامی واهل دست راست چه چیزند اهل دست راست در
سِدْرٍ مَّخْضُوْدٍ ۝ وَّطَلْحٍ مَّنْضُوْدٍ ۝ وَّظِلٍّ مَّمْدُوْدٍ ۝ وَّ
تفاوت درخت سدر بندی خار ودرخت موز یا ام غیلان برهم نهادگان وسایه ممتد طویل
مَآءٍ مَّسْكُوْبٍ ۝ وَّفَاكِهَةٍ كَثِيْرَةٍ ۝ لَّا مَقْطُوْعَةٍ وَّلَا
آبی جاری غیر منقطع ومیوه های بسیار نه منقطع در بعضی از زمان ونه
مَمْنُوْعَةٍ ۝ وَّفُرُشٍ مَّرْفُوْعَةٍ ۝ اِنَّآ اَنْشَاْنٰهُنَّ اِنْشَآءً ۝
بازداشته از تناول آن وفرشهایی مرتفع ازنیکی بدستی که ما آفریدیم آنرا زنان را آفریدنی
فَجَعَلْنٰهُنَّ اَبْكَارًا ۝ عُرُبًا اَتْرَابًا ۝ لِّاَصْحٰبِ الْيَمِيْنِ ۝ ثُلَّةٌ
پس گردانیدیم ایشان را دوشیزگان شوی دوست نمادیگر یکسه برای اهل دست راست گروهی

مِنَ الْاَوَّلِينَ ۝ وَثُلَّةٌ مِنَ الْاٰخِرِينَ ۝ وَاَصْحَابُ
از امم نخستین و گروهی ازین امت بازپسین و اهل دست
الشِّمَالِ ۝ مَا اَصْحَابُ الشِّمَالِ ۝ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ۝ وَظِلٍّ
چپ ای شگفتا چه اند اهل دست چپ در آتشی روندهٔ در مسام و آبی گرم و در سایهٔ
مِنْ يَحْمُومٍ ۝ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ۝ اِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذٰلِكَ
از دود سیاه نه با برودت و نه با راحت بدرستی که ایشان بودند پیش ازین در دنیا
مُتْرَفِينَ ۝ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ ۝ وَكَانُوا
متنعمان بطریق و بودند که مداومت مینمودند بر بزه بغایت بزرگ و بودند
يَقُولُونَ ۝ اَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا اَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝
که می گفتند ای چون میریم و باشیم خاک و استخوانها ای بدرستی ما هر آینه
اَوَاٰبَاؤُنَا الْاَوَّلُونَ ۝ قُلْ اِنَّ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ ۝
یا پدران ما پدران نخستین بگو بدرستی که پیشینیان و باز پسینان
لَمَجْمُوعُونَ ۝ اِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ۝ ثُمَّ اِنَّكُمْ اَيُّهَا
هر آینه گرد کرده خواهند بود تا وقت روزی دانسته پس بدرستی که شما ای
الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ۝ لَاٰكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ۝
گمراهان دروغ دارندگان حشر هر آینه خورنده اید از درختی که آن زقوم است
فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ۝ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ۝
پس پر کرداننده اید از آن شجره شکمها را از شدت جوع پس آشامنده اید بران از آب گرم

فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ۝ هٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ۝ نَحْنُ
پس آشامیدن شتر بغایت تشنه این روز معد ایشانست در روز قیامت ما
خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ۝ اَفَرَاَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ۝ ءَاَنْتُمْ
آفریدیم شما را پس چرا تصدیق نمی نمایید بعث را ای دانستید آنرا که میریزید در ارحام از
تَخْلُقُونَهُ اَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ۝ نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ
می آفرینید آنرا آدمی یا ما آفرینندگانیم ما تقدیر فرمودیم در میان شما مرگ را
وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۝ عَلَى اَنْ نُبَدِّلَ اَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ
و نه ایم ما بی قدرت بر آنکه بدل کنیم مانندهای شما را و آفرینیم شما را
فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْاَةَ الْاُولَى
در میان آن خلقی که نمیدانید و بحقیقت دانستید آفریدن نخست را
فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ۝ اَفَرَاَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ۝ ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ
پس چرا یاد نمی آرید ای دانستید آنرا که کشت میکنید ای شما می رویانید آنرا
اَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۝ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ
یا ما بمقام زراعت رساننده ایم اگر خواستیمی هر آینه گردانیدیمی آنرا گیاه ریزهٔ خشک پس روز
تَفَكَّهُونَ ۝ ءِنَّا لَمُغْرَمُونَ ۝ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ اَفَرَاَيْتُمُ
میگذاشتید عجب میشمردید آنرا میگفتید ای بدرستی که هر آینه غرامت زدگانیم نه که ما قومی بی دولتیم ای دیدید
الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ۝ ءَاَنْتُمْ اَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ اَمْ نَحْنُ
آب را که می آشامید ای شما فرو فرستادید آنرا از ابر یا نه که ما

الحزب

المنزلون ۝ لو نشاء جعلناه اجاجا فلولا تشكرون ۝
فرستنده ایم بقدرت خود اگر خواهیم ما گردانیدیم آنرا بغایت شور پس چرا شکر نمیکنید
افرأيتم النار التي تورون ۝ ءانتم انشأتم شجرتها ام
ای دیدید آن آتش را که بیرون می آرید از چوب ای شما آفریدید درخت آنرا یا نه
نحن المنشئون ۝ نحن جعلناها تذكرة ومتاعا للمقوين ۝
ما پدید آرنده ایم ما گردانیدیم آنرا موعظتی که از آن یاد آرند آتش دوزخ و سبب تمتع و انتفاع
فسبح باسم ربك العظيم ۝ فلا اقسم بمواقع النجوم ۝
پس بپاکی یاد کن نام پروردگار بزرگ پس سوگند یاد میکنم بمغارب و مساقط ستارگان
وانه لقسم لو تعلمون عظيم ۝ انه لقرآن كريم ۝ في
و بدرستی که آن هر آینه سوگندیست اگر دانید بزرگ بدرستی که قرآنی با کرامتست کثیر النفع در
كتاب مكنون ۝ لا يمسه الا المطهرون ۝ تنزيل من
نوشته محجوب و مستور که لوح است مطلع نشود بر آن لوح یا بنساید مر آنرا مگر پاکان از کدورات جسمانی
رب العالمين ۝ افبهذا الحديث انتم مدهنون ۝ و
پروردگار جهانیان ای پس باین سخن یعنی قرآن شما تهاون نماینده اید یعنی شرایط احترام بجای نمی آرید
تجعلون رزقكم انكم تكذبون ۝ فلولا اذا بلغت
و میگردانید شکر روزی شما که قرآنست آنکه شما تکذیب مینمایید پس چرا نه چون رسد روح
الحلقوم ۝ وانتم حينئذ تنظرون ۝ ونحن اقرب اليه
بحلقوم و شما ای اهل میت آنگاه نگاه میکنید به او و ما بقدرت و دانش نزدیکتریم به او

ولكن لا تبصرون ۝ فلولا ان كنتم صادقين ۝ فاما
ولیکن نمی بینید شما نه ببصر و نه ببصیرت پس چرا نه اگر هستید شما راست گویان پس اگر
ان كان من المقربين ۝ فروح وريحان ۝ وجنت نعيم ۝
باشد آن میت از سابقان مقرب پس مر او راست راحتی و رزقی طیب و بوستانی ناز و نعمت
واما ان كان من اصحاب اليمين ۝ فسلام لك من اصحاب
و اما اگر باشد از اهل دست راست پس سلام مر تراست ای صاحب
اليمين ۝ واما ان كان من المكذبين الضالين ۝ فنزل من
یمین از اخوان تو که اهل دست راست اند و اما اگر باشند از دروغ دارندگان گمراهان پس او راست رزقی
حميم ۝ وتصلية جحيم ۝ ان هذا لهو حق اليقين ۝
آب گرم و در آوردن دوزخ بدرستی که این مذکور درین سوره هر آینه او درستست بی خلاف
فسبح باسم ربك العظيم ۝
پس بپاکی یاد کن نام پروردگار تو بزرگ

سورة الحديد مدنية تسع وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

جهة گشادن کارها هفتاد بار بخواند

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
بپاکی یاد کرد خدایرا هر آنچه در آسمانها و زمین است و او بی همتاست
الْحَكِيمُ ۝ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ
درست کار درست گفتار مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین می زیاند و می میراند
وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ
و او بر همه چیز توانا است او نخستین همه چیزهاست و باقی بعد از همه و ظاهر بدلیل عقل
وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ
و نهان از حواس و او بهمه چیزی از ظاهر و خفی داناست او آن خدایست که آفرید آسمانها را
وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ
و زمین را در مقدار شش روز پس مستولی شد بر عرش بتنفیذ حکم
يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ
میداند آنرا که می درآید در زمین کالبد و روانرا که بیرون می آید از آن کالزروع و آنچه فرود می آید از
السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ
آسمان کالامطار و آنچه می برآید در آن کالابخره و او با شماست بعلم و قدرت هر جا که هستید
وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
و خدای به آنچه میکنید بیناست مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین
وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ ۝ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ
و با حکم خدای باز گردانند کارها را می درآرد شب را در روز

وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝
و می درآرد روز را در شب و او داناست بدانچه در سینهاست
اٰمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَاَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ
ایمان آرید بخدای و پیغمبر او و نفقه کنید از آن مال که گردانید شما را خدای متصرفان
فِيهِ فَالَّذِينَ اٰمَنُوا مِنْكُمْ وَاَنْفَقُوا لَهُمْ اَجْرٌ كَبِيرٌ ۝
در آن پس آنان که ایمان آوردند از شما و نفقه کردند مر ایشانراست مزدی بزرگ
وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا
و چیست مر شما را که ایمان نمی آرید بخدای و پیغمبر میخواند شما را تا ایمان آرید
بِرَبِّكُمْ وَقَدْ اَخَذَ مِيثَاقَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ هُوَ الَّذِي
به پروردگار خود و بحقیقت گرفت عهد شما را در ازل اگر هستید شما باور دارندگان او آن خداست
يُنَزِّلُ عَلٰى عَبْدِهِ اٰيَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى
که می فرستد بر بنده خود محمد آیتها تا بیرون آرد شما را از تاریکیهای کفر سوی
النُّورِ وَاِنَّ اللّٰهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَمَا لَكُمْ اَلَّا تُنْفِقُوا
روشن ایمان و بدرستی که خدای به شما هر آینه مهربانست بخشایش گر و چیست مر شما را که نفقه نمیکنید
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلِلّٰهِ مِيرَاثُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
در راه رضای خدای و مر خدایراست متروکات اهل آسمانها و زمین را
لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ اُولٰئِكَ
یکسان نبود از شما در فضل آنکس که نفقه کرد پیش از فتح مکه و غزای اسلام و قتال کردند با آنکس

اَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ اَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَ
پیش از فتح بزرگترند بمرتبه از آنان که نفقه کردند پس از آن و قتال کردند و
كُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنَى وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝
هر یک را از دو گروه وعده داد خدای ثواب یعنی بهشت و خدای به آنچه کار میکنید آگاه و عالمست
مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ
کیست آنکس که وام دهد خدایرا وام دادنی نیکو پس دوباره گرداند
لَهُ وَلَهُ اَجْرٌ كَرِيمٌ ۝ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
مر او را و مر او راست مزدی نیکو در آن روز که بینی تو یا محمد مردان مومن را و زنان با ایمان
يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ بُشْرٰىكُمُ الْيَوْمَ
می شتابد روشنی اعمال ایشان در پیش ایشان و بجهت دست راست ایشان مژدها شما را امروز
جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذٰلِكَ
بوستانهایی است که میرود از زیر آن رودها جاودان باشند در آن آن جزا
هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ
آنست فیروزی بزرگ در آن روز گویند مردان با نفاق و زنان با نفاق
لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَ
مر آنانرا که گرویدند نگرید بما تا استفادت کنیم از روشنی شما گویند باز گردید
وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ
باز جای شما دنیا یا موقف پس طلب کنید روشنی را پس پدید کرده شود میان ایشان نیکی مومنان

نصف الحزب

و منافقان حایطی مرتفع که مر او را

بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ
بود دری درون آن باب در آن بود بخشایش مومنانرا و خارج باب از آن جهت بود عذاب منافقانرا
يُنَادُونَهُمْ اَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَلٰكِنَّكُمْ
ندا کنند مومنان را منافقان ای نبودیم ما با شما متفق بر اسلام گویند آری و لیکن شما
فَتَنْتُمْ اَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْاَمَانِيُّ
در فتنه افکندید و هلاک کردید تنها خود را بنفاق و چشم میداشتید انقلاب دولت اسلام را و بشک می بودید در دین
حَتَّى جَاءَ اَمْرُ اللّٰهِ وَغَرَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ ۝ فَالْيَوْمَ لَا
تا که آمد فرمان خدای بموت و فریفت شما را بخدای دیو فریبنده پس امروز نه
يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَاْوٰىكُمُ
گیرند از شما ای منافقان هیچ بدلی و نه از آنان که کافرند بظاهر و باطن جای شما
النَّارُ هِيَ مَوْلٰىكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ اَلَمْ يَاْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا
آتش است آن اولیست بشما و بد جای بازگشتن است آتش ای هنگام نیامد مر آنانرا که ایمان آوردند
اَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللّٰهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا
که نرم شود دلهای ایشان برای یاد آوردن خدای و آنچه فرود آید از قرآن و نباشند
كَالَّذِينَ اُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْاَمَدُ
چون آنان که داده اند ایشانرا نامهای آسمانی از این پیش پس دراز شد بر ایشان روزگار و امید دور
فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ۝ اِعْلَمُوا اَنَّ
پس سخت شد دلهای ایشان و بسیاری از ایشان خارج اند از طاعت خدای بدانید که

و فریفت شما را آرزوهای باطل

اللّٰهَ يُحْيِي الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيَاتِ
خدای زنده میکرداند زمین را پس از مردن آن بحقیقت بیان کردیم برای شما دلایل را
لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ اِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَ
تا مگر شما دریابید بدرستی که مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و
اَقْرَضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ اَجْرٌ
آنان که قرض دهند خدایرا قرض دادن نیکو دوباره کردانند برای ایشان و مر ایشانراست مزدی
كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ
تمام و آنان که ایمان آوردند بخدای و پیغمبران فرستاده او ایشان ایشانند بغایت راست گویان
وَالشُّهَدَآءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ اَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَ
و شهیدان نزد پروردگار ایشان مر ایشانراست مزد ایشان و روشنی طاعة ایشان
الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ
آنان که کافرند و تکذیب نمودند آیتهای ما را ایشان اند ملازمان
الْجَحِيمِ ۝ اِعْلَمُوا اَنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ
دوزخ بدانید که زندگانی این جهان لعب و لهو و بازیست و مشغولی و آرایش
وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلَادِ
و سبب غلبه جستن بکثرت در مالها و فرزندان
كَمَثَلِ غَيْثٍ اَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرٰىهُ مُصْفَرًّا
چون مانند باران که بشگفت آورد منکران نعمت را رستن او پس خشک شود پس بینی تو آنرا زرد

482

ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝ وَ
پس شود گیاه خشک و در آن جهان عذاب سخت است مر کافرانرا و
مَغْفِرَةٌ مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا اِلَّا مَتَاعُ
آمرزشی از خدای و خشنودی مؤمنانرا و نیست زندگانی این جهان مگر برخورداری
الْغُرُورِ ۝ سَابِقُوا اِلٰى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا
فریب پیشی گیرید سوی آمرزشی از پروردگار شما و بهشتی که پهنای آن
كَعَرْضِ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ اُعِدَّتْ لِلَّذِينَ اٰمَنُوا بِاللّٰهِ وَ
چون پهنای آسمان و زمین است مهیا ساخته اند برای آنان که ایمان آوردند بخدای و
رُسُلِهِ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَآءُ وَاللّٰهُ ذُو
پیغمبران او آن ثواب بخشایش خدایست بدهد آنرا بدان که خواهد و خدای صاحب
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ مَا اَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْاَرْضِ وَ
بخشایش بزرگست نرسد هیچ رسنده در زمین از قحط و وبا و غلا و
لَا فِي اَنْفُسِكُمْ اِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَبْرَاَهَا اِنَّ ذٰلِكَ
نه در تنهای شما از امراض و فتن مگر در لوح محفوظ مکتوبست از آن پیش که آفریدیم آن نفوس را
عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ۝ لِكَيْلَا تَاْسَوْا عَلٰى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا
بر خدای آسانست تا اندوهگن نشوند بر آنچه فوت شد از شما از نعمت دنیا و شاد نشوید
بِمَا اٰتٰىكُمْ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ۝ الَّذِينَ
بآنچه داد شما را و خدای دوست ندارد هر خرامنده فخر نماینده را آنان که

يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۖ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ
بخل نمایند و فرمایند مردم را با مساک و هر که اعراض کند از اوامر و نواهی خدای
هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ
اوست بی نیاز از طاعت مطیعان ستوده بحقیقت فرستادیم پیغمبران ما را با معجزات روشن و
أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ
فرو فرستادیم با ایشان کتاب آسمانی و ترازو یا عدل را تا قیام نمایند مردمان
بِالْقِسْطِ ۚ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ
بعدالت در معاملات بجهت ایفا و استیفا و فرو فرستادیم آهن را در آنست حربی سخت و سودمندیها
لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۚ إِنَّ
برای مردم و تا ظاهر گرداند خدای آنرا که یاری دهد دین او را و پیغمبران او را حال آنکه غایبست از
اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا
خدای تواناست غالب و بحقیقت فرستادیم نوح را و ابراهیم را برسالت و گردانیدیم
فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ ۖ وَكَثِيرٌ
در فرزندان ایشان پیغمبری و وحی را پس از ایشانست بعضی راه یافته و بسیاری
مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَ
از ایشان خارج اند از طاعت خدای پس از پی در آوردیم بر عقب ایشان پیغمبران ما را و
قَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ ۝ وَجَعَلْنَا
و از پی در آوردیم عیسی پسر مریم را و دادیم او را کتاب انجیل و گردانیدیم

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۖ وَرَهْبَانِيَّةً
در دلهای آنان که متابعت نمودند او را مهربانی و بخشودن بر یکدیگر و ترسکاری را
ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ
که نو پدید آوردند آنرا از خود فرض نکردیم آنرا بر ایشان مگر برای جستن رضای خدای
فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا ۖ فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ
پس نگاه نداشتند آن سیرت را چنانکه حق نگاه داشتست پس دادیم ما آنانرا که ایمان آوردند از ایشان
وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
و بسیاری از ایشان از فرمان برداری بیرون اند ای آنان که ایمان آوردید بعیسی بترسید
وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ
و ایمان آرید به پیغمبر او محمد صلی الله علیه و سلم تا دهد شما را خدای دو نصیب از بخشایش خود یکی برای ایمان
لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ لِئَلَّا
برای شما روشنی را که گذرید بآن بر صراط و آمرزد شما را و خدای آمرزگارست مهربان تا
يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ
بدانند اهل کتاب که بمحمد ایمان نیاورده اند که توانا نه اند بر چیزی از اعطای
اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
خدای و آنکه مطلق فیض بتصرف خدای است دهد او را بآنکه خواهد و خدای خداوند

سورة المجادلة | العظيم بزرگست | مدنية ثنتان وعشرون

الجزو ٢٨

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام پروردگار بخشاینده مهربان

قَدْ سَمِعَ اللّٰهُ قَوْلَ الَّتِيْ تُجَادِلُكَ فِيْ زَوْجِهَا وَتَشْتَكِيْٓ اِلَى

بتحقیق شنید خدا سخن آن زن که مراجعت میبود با تو در شأن شوهر خویش و شکایت می برد

اللّٰهِ ۖ وَاللّٰهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا ۚ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌۢ بَصِيْرٌ ۝ اَلَّذِيْنَ

خدای و خدای میشنود سخن گفتن شما را بیکدیگر بدرستی که خدای شنوا است بینا داتوا و اوما

يُظٰهِرُوْنَ مِنْكُمْ مِّنْ نِّسَآئِهِمْ مَّا هُنَّ اُمَّهٰتِهِمْ ۭ اِنْ اُمَّهٰتُهُمْ

لفظ ظهار یاد میکنند از شما از زنان ایشان نه اند آن زنان بحقیقت مادران ایشان

اِلَّا اللّٰۗـِٔيْ وَلَدْنَهُمْ ۭ وَاِنَّهُمْ لَيَقُوْلُوْنَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ

مگر آن زنان که زادند ایشان را و بدرستی که ایشان مر آینه میگویند بلفظ ظهار ناگفتنی زار گناه

وَزُوْرًا ۭ وَاِنَّ اللّٰهَ لَعَفُوٌّ غَفُوْرٌ ۝ وَالَّذِيْنَ يُظٰهِرُوْنَ

و بدروغ و بدرستی که خدای مر آینه جم فو گذارنده آمرزگار است و آنان که لفظ ظهار یاد میکنند

مِنْ نِّسَآئِهِمْ ثُمَّ يَعُوْدُوْنَ لِمَا قَالُوْا فَتَحْرِيْرُ رَقَبَةٍ مِّنْ قَبْلِ

از زنان ایشان پس باز میگردند سوی آنچه گفتند از لفظ ظهار پس بر ایشان است آزاد کردن بنده

اَنْ يَّتَمَاۗسَّا ۭ ذٰلِكُمْ تُوْعَظُوْنَ بِهٖ ۭ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ۝

از آنکه دست بکدیگر بدارند آن فرمان داده میشوید بران تا ترک ظهار کنید و خدای بدانچ کار میکنید

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَّتَمَاۗسَّا ۭ

پس هر که نیابد پس بر وست روزه دو ماه پیاپی از آن پیش که بهم رسند

فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّيْنَ مِسْكِيْنًا ۭ ذٰلِكَ

پس هر که نتواند روزه داشتن بواسطه بهرم یا مرض پس بر وست طعام دادن شصت بیچان آن بیان

لِتُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ۭ وَتِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ ۭ وَلِلْكٰفِرِيْنَ

و بحقیقت تا بگروید بخدای و پیغمبر او و آنکه گیرید از نو اضع امر و نهی حدود خدا است و مر کافران را

عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ يُحَاۗدُّوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ كُبِتُوْا

عذابی دردناک بدرستی که آنان که مخالفت می نمایند با خدای و پیغمبر او خوار و هلاک باشند

كَمَا كُبِتَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۭ وَقَدْ اَنْزَلْنَآ اٰيٰتٍۢ بَيِّنٰتٍ ۭ

چنانک خوار و هلاک شدند آنان که پیش از ایشان بودند از کفار و بحقیقت فرستادیم معجزات

وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ۝ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيْعًا

و مر کافران را است عذابی خوار کنند روزی که برانگیزاند ایشان را خدای همگان را

فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا ۭ اَحْصٰىهُ اللّٰهُ وَنَسُوْهُ ۭ وَاللّٰهُ عَلٰي كُلِّ

پس بیاگاهاند ایشان را بدانچه کرده باشند برشمرده و ثبت کرده آن را خدای و فراموش کرده اند ایشان آن را

شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ

چیزی گواه است ای ندانستی که خدای میداند آنرا که در آسمانهاست

وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ مَا يَكُوْنُ مِنْ نَّجْوٰى ثَلٰثَةٍ اِلَّا هُوَ

و آنرا که در زمین است نباشند هیچ راز گفتن سه تن مگر او

رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ اِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ اَدْنٰى

چهارم ایشان بود و نه پنج تن مگر او ششم ایشان بود و نه فرود تر

مِنْ ذٰلِكَ وَلَا اَكْثَرَ اِلَّا هُوَ مَعَهُمْ اَيْنَ مَا كَانُوا
ازان عدد و نه بیشتر مگر او با ایشان بود هرجا که باشند
ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
پس بیاگاند ایشانرا بآنچه کرده باشند روز قیامت بدرستی که خدای بهمه چیزی داناست
اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوٰى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا
ای ننگرستی سوی آنان که باز داشته شدند از راز گفتن پس باز میگردند سوی آنچه باز داشتند
عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ
ازان و راز میگویند بموجب بزه و دشمنی و بیدادی و نافرمانی
الرَّسُولِ وَاِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللّٰهُ
پیغمبر و چون آیند بتو پرسش نمایند ترا بآنچه پرسش نفرمود ترا بآن خدای
وَيَقُولُونَ فِي اَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللّٰهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ
و میگویند در تنهای ایشان چرا عذاب نمیکند ما را خدای بآنچه میگوییم بسنده است
جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اِذَا
دوزخ در آیند در آن پس بد جای بازگشتن ای آنان که ایمان آوردید چون
تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ
راز گویید پس راز مگویید بموجب بزه و نافرمانی و دشمنی و نافرمانی
الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوٰى وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي
رسول و راز گویید به نیکویی و پرهیزکاری و بترسید از خدای آنکه

اِلَيْهِ تُحْشَرُونَ اِنَّمَا النَّجْوٰى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ
باجزای او گرد آرند شما را بدرستی که راز گفتن باثم از کار دیوست و تزیین او تا اندوهگن کند
الَّذِينَ اٰمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَ
آنانرا که ایمان آوردند و نیست گزند رساننده مومنان بهیچ چیز مگر بفرمان خدای
عَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا
بر خدای باید که توکل کنند مومنان ای آنان که ایمان آوردند
اِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللّٰهُ لَكُمْ
چون گویند مر شما را بی فراحت نشینید در مجالس رسول پس گشاده نشینید تا گشاده گرداند
وَاِذَا قِيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللّٰهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا
و چون گویند برخیزید پس برخیزید برای نماز و جهاد تا بلند گرداند خدای آنانرا که ایمان آوردند
مِنْكُمْ وَالَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللّٰهُ بِمَا
از شما و آنانرا که داده اند ایشانرا دانش مرتبها در بهشت و خدای بآنچه
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ
میکنید آگاه است ای آنان که ایمان آوردند چون راز گویید با پیغمبر
فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰىكُمْ صَدَقَةً ذٰلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ
پس فرا پیش دارید پیش از راز گفتن شما صدقه را باستحقاق این تقدیم صدقه بهتر است
وَاَطْهَرُ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ءَاَشْفَقْتُمْ اَنْ تُقَدِّمُوا
و پاکتر شما را پس اگر نیابید چیزی که بصدقه دهید پس بدرستی که خدای آمرزگارست بخشاینده ای ترسیدید که

بَيْنَ يَدَيْ نَجْوٰىكُمْ صَدَقَاتٍ ؕ فَاِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ
در پیش راز گفتن شما با رسول صدقها را پس چون نکردید شما آنچه خدای فرمود و توبه پذیرفت
اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيعُوا
خدای بر شما پس بپای دارید نماز را و بدهید دادنی را از مال و فرمان برید
اللّٰهَ وَرَسُولَهُ ؕ وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ اَلَمْ تَرَ اِلَى
خدای را و پیغمبر او را و خدای آگاه است به آنچه میکنید ای نگرستی سوی
الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ؕ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا
آنان یعنی منافقان که دوستی نمودند با گروهی که خشم گرفت خدای بر ایشان یعنی جهودان نیستند آن جهودان
مِنْهُمْ ۙ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ اَعَدَّ اللّٰهُ
از ایشان که منافقانند و سوگند میخورند بر دروغی که میگویند و ایشان میدانند مهیا داشته خدای
لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ؕ اِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝
برای ایشان عذابی سخت بدرستی که ایشان بد آنچه هستند که میکنند
اِتَّخَذُوا اَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ فَلَهُمْ
برساختند از سوگندهای خویش سپری که نفس و مال را نگاه میدارد پس اعراض کردند از راه دین خدای پس مر ایشان را
عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَا اَوْلَادُهُمْ
عذابی خوار کننده هرگز باز ندارد از ایشان مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان
مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا ؕ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ ؕ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝
از خدای چیزی ایشان ملازمان آتش دوزخند ایشان در آن جاویدان باشند

نصف الحزب

از شما که مسلمانانید و نه

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ
در آن روز که برانگیزاند ایشان را خدای همه پس سوگند خورند برای خدای که ما مسلمان بوده ایم چنانکه سوگند میخورند برای شما
وَيَحْسَبُونَ اَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ ؕ اَلَا اِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ ۝
و پندارند که ایشان بر چیزی اند از نفع بدان بدرستی که ایشان ایشانند دروغ گویان
اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَاَنْسٰهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ ؕ اُولٰٓئِكَ
غالب و مستولی شد بر ایشان دیو پس فراموش گردانید ایشان را یاد خدای ایشان
حِزْبُ الشَّيْطَانِ ؕ اَلَا اِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ
اتباع و گروه دیو اند بدان بدرستی که گروه دیو ایشان
الْخَاسِرُونَ ۝ اِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ
زیان کارانند بدرستی که آنان که مخالفت می نمایند با خدای و پیغمبر او
اُولٰٓئِكَ فِي الْاَذَلِّينَ ۝ كَتَبَ اللّٰهُ لَاَغْلِبَنَّ اَنَا وَرُسُلِي ؕ
ایشان در جمله ذلیل ترانند در دنیا بقتل و سبی و در آخرت بعذاب واجب فرمود خدای که هر آینه غالب ام من و پیغمبران
اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ
بدرستی که خدای توانا است بنصرت دین نیابی گروهی را که ایمان دارند بخدای و
الْيَوْمِ الْاٰخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ
روز قیامت که دوستی نمایند با کسی که خلاف کند با خدای و پیغمبر او و اگرچه
كَانُوا اٰبَاءَهُمْ اَوْ اَبْنَاءَهُمْ اَوْ اِخْوَانَهُمْ اَوْ عَشِيرَتَهُمْ ؕ
بودند پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا دیگر خویشان ایشان

بظهور حجت و ظفر و قهر

أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ
این مومنان آنانند که ثابت کرده اند در دلهای ایشان ایمان را و تقویت داده ایشان را بآن دل روح زن
مِّنْهُ ۖ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
از فیض و فضل خود و در آورد ایشان را در بوستانها که روان است از فرود اشجاران آن جویها
خَالِدِينَ فِيهَا ۚ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ أُولَٰئِكَ
حال آنکه جاودان باشند دران خشنود شد خدای از ایشان و خشنود شدند ازو ایشان
حِزْبُ اللَّهِ ۚ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾
گروه خدای اند بدان بدرستی که گروه خدای ایشان رستگارانند

سورة الحشر مدنية أربع وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشایش مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ وَهُوَ
پاکی یاد کرد خدایرا هر آنچه در آسمانها و هر آنچه در زمین است واو
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
غالب و بی همتا در کشکار درست کردار است آن خدائیست که بیرون آورد آنان را که کافر شدند از

جمعه حصول جمیع سعادات
هر که روز جمعه بار بتوالی
بخواند

أَهْلِ الْكِتَابِ مِن دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ ۚ مَا ظَنَنتُمْ أَن
یهود بنی النضیر از خانهای ایشان بدینه در نخست جمع ایشانرا برای حرب بشام گمان نبردید که
يَخْرُجُوا ۖ وَظَنُّوا أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِّنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ
بیرون روند ازمدینه و گمان بردند بنو النضیر که باز دارد ایشانرا حصنهای ایشان از عذاب خدای پس آمد
بدینان
اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا ۖ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ
عذاب خدای از آنجا که نه پنداشتند و بیفکند خدای در دلهای ایشان ترس را تفصیل قصه ایشان
کتاب السیر
يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا
خراب میکنند خانهای خود را بدستهای خویش و دستهای مومنان پس اعتبار گیرید
يَا أُولِي الْأَبْصَارِ ﴿٢﴾ وَلَوْلَا أَن كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ
ای خداوندان بینای دلها و اگر نه آنستی که نوشت خدای برایشان خروج از دیار و اوطان
آیه نهم عذاب نومودی ایشانرا
فِي الدُّنْيَا ۖ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ﴿٣﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ
در دنیا بقتل و سبی و مر ایشانرا ست در آن جهان عذاب دوزخ آن جلایا تخریب بسبب آنست که ایشان
شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَمَن يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
مخالفت کردند با خدای و پیغمبر او و هر که خلاف نماید با خدای پس بدرستی که خدای سخت
الْعِقَابِ ﴿٤﴾ مَا قَطَعْتُم مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ
عقوبتست آنچه ببریدید از خرما بنان یا باقی گذاشتید آنرا ایستاده بر
أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ
تنهای خویش پس بفرمان خدای بود و تا رسوا کرداند آنانرا که فاسق اند و آنچه باز گردانید خدای
حدای

عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا
بر پیغمبر او را از اموال ایشان پس نه دوانیدید شما بر طلب آن اموال هیچ اسپان و نه
رِكَابٍ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ
شتران ولیکن خدای مستولی گرداند پیغمبران خود را بر هر که میخواهد و خدای
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ
بر همه چیزی تواناست آنچه باز گردانید خدای بر رسول او از اهل
الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَ
دیههای مکه پس مر خدای راست و پیغمبر را یک قسم و مر خداوندان قرابت بنی هاشم و بنی مطلب و بی پدران غیر
الْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ
بیچارگان و راه گذری را تا نباشد غنیمتی که حق او آنست که بفقرا دهند حظی میان توانگران
مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا
از شما و آنچه داد شما را از غنیمت پیغمبر پس عمل کنید بدان و آنچه نهی فرمود شما را از آن پس باز ایستید
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ
و بترسید از خدای بدرستی که خدای سخت عقوبتست آن قسم چهار قسم باز پسین مر درویشان راست
الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا
آنان که بیرون کردند شان از سراهاشان و مالهای ایشان میجویند عطایی
مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ
از خدای و خشنودی و یاری مینمایند دین خدای را و پیغمبر او را بجهاد ایشانند ایشان

الصَّادِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ
راست گویان و آنان که جای ساختند بمدینه وطن اصلی را یعنی انصار و خالص گردانیدند ایمان را
يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ
دوست میدارند آنرا که هجرت کرد سوی ایشان و نه می یابند در سینهای خویش
حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ
هیچ حسدی و غیظی از آنچه داده اند مهاجران را از اغنام و اختیار میکنند مهاجران را بر خود بمال و منزل و اگر
خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝
غایت احتیاج و هر که نگاه داشته شود از بخل و لوم ذاتی خود پس آنانند ایشان رستگاران
وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ
و آنان که آمدند از مکه بمدینه پس از ایشان میگویند ای پروردگار ما بیامرز ما را و
لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا
مر برادران ما را آنان که پیشی گرفتند بر ما با ایمان آوردن و پدید مکن در دلهای ما کینه
غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى
و حسد برای آنان که ایمان آوردند ای پروردگار ما بدرستی که تو مهربانی بخشاینده ای نگرستی تو
الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
آنان که منافق اند یعنی عبد الله بن ابی و اتباع او میگویند مر ابنای جنس خود را آنان که کافرند از
أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ
یهود یعنی بنی نضیر و بنی قریظه اگر بیرون کنند شما را از مدینه هر آینه بیرون آیم ما نیز با شما و موافقت

فيكم احدا ابدا وان قوتلتم لننصرنكم والله يشهد
در باب مخالفت شما هیچ کس را همیشه و اگر قتال کنند با شما هر آینه یاری دهیم شما را و خدای گواهی میدهد
انهم لكاذبون لئن اخرجوا لا يخرجون معهم و
که ایشان هر آینه دروغ گویانند اگر بیرون کنند ایشان را بیرون نیایند با ایشان و
لئن قوتلوا لا ينصرونهم ولئن نصروهم ليولن الادبار
اگر قتال کنند با آن یهود یاری ندهند منافقان ایشان را و اگر بر سبیل فرض یاری دهند ایشان را هر آینه
ثم لا ينصرون لانتم اشد رهبة في صدورهم من
پس یاری کرده نشوند هر آینه شما مؤمنان قوی ترید بحدوث خوف از شما در سینهای منافقان از
الله ذلك بانهم قوم لا يفقهون لا يقاتلونكم جميعا
خدای یعنی از شما پیش ترسند که از خدای آنکه گفتیم بسبب آنست که ایشان گروهی اند که در نمی یابند عظمت حق
الا في قرى محصنة او من وراء جدر باسهم بينهم
مگر در دیههای استوار کرده بخندقها یا از پس دیوارها نه روی با روی حرب ایشان در میان ایشان
شديد تحسبهم جميعا وقلوبهم شتى ذلك بانهم
سخت است پنداری تو ایشان را که مجتمع اند و دلهای ایشان پراکنده است آن تفرقه بسبب آنست
قوم لا يعقلون كمثل الذين من قبلهم قريبا ذاقوا
گروهی اند که عقل ندارند داستان یهود چون داستان کفار است که پیش از ایشان بوده اند زمانی
وبال امرهم ولهم عذاب اليم كمثل الشيطان اذ قال
وخامت کار ایشان را در روز بدر و مر ایشان راست عذابی دردناک داستان فریب منافقان یهود را چون داستان

للانسان اكفر فلما كفر قال اني بريء منك اني اخاف
مر آدمی را که کافر شو پس چون کافر شد گفت بدرستی من بیزارم از تو بدرستی که من میترسم
الله رب العالمين فكان عاقبتهما انهما في النار
از خدای پروردگار جهانیان پس بود عاقبت ضال و مضل که ایشان هر دو در آتشند
خالدين فيها وذلك جزاؤا الظالمين يا ايها الذين
جاودانه در آن و آن پاداش ستمکارانست ای آنان که
امنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد واتقوا الله
ایمان آوردید بترسید از خدای و باید که نگرد بعضی از نفوس آنکه فرستاده از پیش برای فردای قیامت
ان الله خبير بما تعملون ولا تكونوا كالذين نسوا الله
بدرستی که خدای آگاه است به آنچه شما میکنید و مباشید همچون آنان که فراموش کردند خدای را
فانسيهم انفسهم اولئك هم الفاسقون لا يستوي
پس فراموش گردانید ایشان را خدای بخلاص نفوس ایشان ایشان ایشانند بیرون شدگان از طاعت
اصحاب النار واصحاب الجنة اصحاب الجنة هم
اهل آتش و اهل بهشت اهل بهشت ایشان رستگارانند
الفائزون لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته
رستگارانند اگر فرو فرستیم این قرآن را بر کوهی هر آینه بینی تو آن را
خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال
متواضع شکافته از ترس خدای و این داستانها

نضربها للناس لعلهم يتفكرون ۝ هو الله الذي لا اله
بدید میکنیم آنرا برای مردم تا مگر ایشان اندیشه کنند او آن خدایست که نیست هیچ خدای
الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم
مگر او پاک از معایب داننده نهان و آشکارا او بخشاینده است مهربان
هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام
او آن خدایست که نیست هیچ خدای مگر او پادشاه پاک از معایب و نقایص ایمن از آفات
المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله
از عقاب بخشنده امن و امان نگهبان هر چیزی غالب توانا گردن کش بغایت عظمت پاکا خدای
عما يشركون ۝ هو الله الخالق البارئ
از آنچه شرک می آرند اوست معبود سزا آفریننده آفریدگار
المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في
صورت کننده مر او راست نامهای نیکوتر بپاکی یاد میکنند مر او را هر آنچه در
السموات والارض وهو العزيز الحكيم ۝
آسمانها و زمین است و او غالبست بی همتا درست کار درست گفتار

سورة الممتحنة مدنية ثلاث وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان
يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا عدوي وعدوكم
ای آنان که ایمان آوردید مگیرید دشمن مرا و دشمن خویش را
اولياء تلقون اليهم بالمودة وقد كفروا بما جاءكم
دوستانی که میفکنید سوی ایشان دوستی را و حال آنکه کافرند بدانچه بشما آمد
من الحق يخرجون الرسول واياكم ان تؤمنوا بالله
از صدق و صواب بیرون میکنند پیغمبر را و شما را از اوطان شما برای آنکه ایمان می آرید
ربكم ان كنتم خرجتم جهادا في سبيلي وابتغاء مرضاتي
که پروردگار شماست اگر هستید شما که بیرون آمده اید از خان و مان برای جهاد کردن در راه دین
تسرون اليهم بالمودة وانا اعلم بما اخفيتم وما
میفرستید در نهان سوی ایشان دوستی را و من داناترم بر آنچه نهان میکنید و آنچه
اعلنتم ومن يفعله منكم فقد ضل سواء السبيل ۝
آشکارا میکنید و هر که کند آن دوستی را با کفار از شما پس بحقیقت خطا کرد وسط
ان يثقفوكم يكونوا لكم اعداء ويبسطوا اليكم ايديهم
اگر ظفر یابند بر شما آن کفار باشند مر شما را دشمنان و گسترانند سوی شما دستهای
والسنتهم بالسوء وودوا لو تكفرون ۝ لن تنفعكم
و زبانهای خویش را ببدی از ستم و سب و دوست دارند اگر کافر شوید شما و ترک مسلمانی کنید

أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ
خویشان شما و نه فرزندان شما اگر گاه باشند روز قیامت جدای پدید آید میان شما
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ
و خدای بدآنچه میکنید بیناست بحقیقت هست مر شما را اقتدای نیکو
فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ
در باب ابراهیم و آنان که با او بودند از مؤمنان چون گفتند مر قوم خویش را از مشرکان
مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا
از شما و از آنچه می پرستید از غیر خدای کافر شدیم بشما و ظاهر شد میان ما
وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ
و میان شما دشمنی و کینه همیشه تا که ایمان آرید بخدای
وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ
یکانه مگر گفتار ابراهیم مر پدر خود را که گفت هرآینه آمرزش خواهم برای تو
وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۖ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا
و مالک نیستم برای تو از خدای هیچ چیز را از ثواب و عذاب ای پروردگار ما بر تو اعتماد کردیم
وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً
و سوی تو باز گشتیم و با تو گشت باز گشت همه ای پروردگار ما مگردان ما را محل آزمایش
لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ۖ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
مر آنان که کافر شدند و بیامرز ما را ای پروردگار ما بدرستی که تو تویی غالب و توانا

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ
بحقیقت هست مر شما را در ابراهیم و مؤمنان اقتدای نیکو مر آنرا که هست امید میدارد
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝
و بروز باز پسین و هر که اعراض کند پس بدرستی که خدای اوست بی نیاز ستوده
عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ
شاید که خدای پدید آرد میان شما و میان آنان که دشمنی میکنید با شما از ایشان
مَوَدَّةً ۚ وَاللَّهُ قَدِيرٌ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ
دوستی و خدای توانا است بر تقلب قلوب و خدای آمرزگار است مهربان باز نمیدارد شما را
عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ
از دوستی آنان که قتال نکردند شما را در کار دین و بیرون نکردند شما را از سراهای
أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝
که نیکوی کنید ایشانرا و نصیب دهید از مال ایشانرا بدرستی که خدای دوست میدارد
إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ
بدرستی که باز میدارد شما را خدای از دوستی آنانکه کارزار کردند شما را در کار دین و بیرون کردند
مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ
شما را از سراهای شما و یاری نمودند بر بیرون کردن شما که دوستی نمایید با ایشان
وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
و هر که دوستی نماید با ایشان پس آنها ایشان ستمکاران ای آنان که ایمان آوردند

إِذَا جَآءَكُمُ الْمُؤْمِنَٰتُ مُهَٰجِرَٰتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ۖ اللَّهُ أَعْلَمُ
چون آید بشما زنان با ایمان حال انکه هجرت کننده باشند از گه برای ایمان که مدینه است پس امتحان نمائید
بِإِيمَٰنِهِنَّ ۖ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَٰتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى
با ایمان ایشان پس اگر دانید ایشانرا با مارات که مومن و مخلص اند و بحرث جهه خدای و رسول پس باز مگردانید ایشانرا
ٱلْكُفَّارِ ۖ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ ۖ وَءَاتُوهُم
کافران و نه هم شان دارید که نه آن زنان حلال اند مران ایشانرا و نه شوهران و نه آن مردان حلال اند مران آن زنان را
مَّآ أَنفَقُوا ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ
یعنی شوهران ایشانرا عوض آنچ خرج کردند در مهران زنان چیز بوده بیت پرسید که در نکاح آرید آن زنان را
أُجُورَهُنَّ ۚ وَلَا تُمْسِكُوا۟ بِعِصَمِ ٱلْكَوَافِرِ وَسْـَٔلُوا۟ مَآ أَنفَقْتُمْ
مهرهای ایشان و تمسک منمائید بعقود و عشکات زنان کافرات که شما را بوده و بخواهید ای مومنان
وَلْيَسْـَٔلُوا۟ مَآ أَنفَقُوا۟ ۚ ذَٰلِكُمْ حُكْمُ ٱللَّهِ ۖ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۚ وَٱللَّهُ
و بخواهند آن کفار نیز عوض آنچ خرج کرده باشند از مهر از زوج آنچ گریزیم بحکم خدا نیست که حکم کند میان شما
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ وَإِن فَاتَكُمْ شَىْءٌ مِّنْ أَزْوَٰجِكُمْ إِلَى ٱلْكُفَّارِ
و خدا دانا است درست کار و اگر فوت شود و در گذرد چیزی از مهرهای زنان شما که گریزنده باشند سوی
فَعَاقَبْتُمْ فَـَٔاتُوا۟ ٱلَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَٰجُهُم مِّثْلَ مَآ أَنفَقُوا۟ ۚ
پس در آید نوبت ادای شما از مهر مهاجران پس بدهید آنرا که رفته اند زنان ایشان و بکفار رحمی نشده
وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ ٱلَّذِىٓ أَنتُم بِهِۦ مُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ إِذَا جَآءَكَ
و بترسید از آن خدائی که شما باو گرویده اید ای پیغمبر چون آیند بتو

ٱلْمُؤْمِنَٰتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰٓ أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِٱللَّهِ شَيْـًٔا وَلَا
زنان با ایمان بیعت نمایند با تو بر انک شرک نمایند بخدای هیچ چیزرا و
يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَٰدَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ
دزدی نکنند و زنا نکنند و نکشند فرزندان ایشانرا و نیارند
بِبُهْتَٰنٍ يَفْتَرِينَهُۥ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ
دروغی را که فرا بافته اند ازا میان دستهای خویش و پاهای خود و نافرمانی نمایند
فِى مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُنَّ ٱللَّهَ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ
در کاری که دانی پس بپذیر نامای با ایشان و آمرزش خواه برای ایشان از خدای بدرستی که
رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَوَلَّوْا۟ قَوْمًا غَضِبَ ٱللَّهُ
مهربان ای آنان که ایمان آوردید دوستی مکنید با گروهی که خشم گرفت خدا
عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا۟ مِنَ ٱلْـَٔاخِرَةِ كَمَا يَئِسَ ٱلْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَٰبِ
بر ایشان یعنی یهود بحقیقت نومید ند از آن جهان چنانک نومیدند کافران که مومن نیستند از اهل

سورة الصف المدينة اربع عشرة اية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
بپاکی یاد کرد خدایرا هر آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و اوست غالب بی همتا
الْحَكِيمُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ۝
درست کار درست گفتار ای آنان که ایمان آوردید چرا میگویید آنچه نمیکنید
كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ۝ إِنَّ اللّٰهَ
چه بزرگست بدشمنی تمام نزد خدای که میگویید آنچه نمیکنید بدرستی که خدای
يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ
دوست میدارد آنانرا که کارزار میکنند در راه دین او حال آنکه صف زده باشند گویی ایشان
مَرْصُوصٌ ۝ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَ
استوار کرده بی گشادگی و چون گفت موسی مر گروه خود را ای گروه من چرا می رنجانید مرا بتکذیب و
قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللّٰهُ
بحقیقت میدانید که بدرستی که من فرستاده خدایم سوی شما پس چون میل کردند از حق زیاده گردانید خدای
قُلُوبَهُمْ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ
میل دلهای ایشانرا و خدای راه ننماید گروه فاسقانرا و چون گفت
عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا
عیسی پسر مریم ای پسران یعقوب بدرستی که من پیغمبر خدایم سوی شما حال آنکه تصدیق کننده ام
لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي
مر آنرا که پیش از من بوده از توریت و مژده دهنده ام به پیغمبری که می آید پس از من

اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ
نام او احمد علیه الصلوة والسلام پس چون آمد محمد بایشان با معجزات گفتند این جادوییست هویدا
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ
و کیست ستمکارتر از آنکه فرا بافت بر خدای این دروغ را و او خوانده میشود
إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ يُرِيدُونَ
سوی دین اسلام و خدای راه ننماید گروه ستمکاران را میخواهند
لِيُطْفِئُوا نُورَ اللّٰهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ
تا بنشانند روشنایی دین خدایرا بدهنهای خویش و خدای تمام گرداننده نور خود است
الْكَافِرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ
آنرا کافران او آن خدایست که فرستاد پیغمبر خود را براه راست یعنی معجزه یا قرآن
الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۝
درست تا غالب گرداند این دین را بر دینها همه و اگرچه نخواهند مشرکان
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ
ای آنان که ایمان آوردید هیچ راه نمون شوم شما را بر بازرگانی که رهاند شما را از عذاب
أَلِيمٍ ۝ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ
دردناک ایمان آرید بخدای و پیغمبر او و جهاد نمایید در راه دین
اللّٰهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
خدای بمالهای شما و تنهای شما آنچه گفتیم از ایمان و جهاد بهترست شما را از اموال و انفس اگر

يغفر لكم ذنوبكم ويدخلكم جنات تجري من تحتها
تا بیامرزد شما را گناهان و در آرد شما را در بوستانهایی که میرود از فرود اشجار آن
الانهار ومساكن طيبة في جنات عدن ذلك
جویها و جایهای پاک در بوستانهای اقامت آن مغفرت و ادخال جنت
الفوز العظيم واخرى تحبونها نصر من الله وفتح
فیروزی بزرگست و مر شما راست نعمتی دیگر در دنیا که دوست میدارید آنرا نصرتی از خدای
قريب وبشر المؤمنين يا ايها الذين امنوا كونوا
که یا فارس یا روم و مژده ده ای محمد مومنان را ای آنان که ایمان آوردید باشید
انصار الله كما قال عيسى ابن مريم للحواريين من انصاري
یاران دین خدای چون آنگاه که گفت عیسی پسر مریم دوستان خالص خود را کیست یاران
الى الله قال الحواريون نحن انصار الله فامنت طائفة
متوجه بنصرت دین خدای گفتند یاران او دوازده مرد ما یاران دین خدا ایم پس ایمان آوردند گروهی
من بني اسرائيل وكفرت طائفة فايدنا الذين امنوا على عدوهم
از پسران یعقوب و کافر شدند باو گروهی پس تقویت دادیم آنانرا که ایمان آوردند بر دشمن

سورة الجمعة

فاصبحوا
پس شدند
ظاهرين
غالبان

احدى وعشرون آية

بلا خلاف
نصف

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

يسبح لله ما في السموات وما في الارض الملك
بپاکی یاد میکند مر خدایرا هر آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است پادشاه
القدوس العزيز الحكيم هو الذي بعث في الاميين
پاک از هر نقصانی غالب با حکمت او آن خدایست که بعث فرمود در میان جماعتی از امت
رسولا منهم يتلوا عليهم اياته ويزكيهم ويعلمهم
پیغمبری را از جنس ایشان امتی که میخواند بر ایشان آیتهای او را و پاک میگرداند ایشانرا از شرک
الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل لفي ضلال
قرآن و دانش شرایع و بدرستی کار آنکه بودند پیش از بعث هر آینه در گمراهی
مبين واخرين منهم لما يلحقوا بهم وهو العزيز
هویدا و بفرستاد جهة دیگران از امیین یا عجم یا تمامت امت تا قیامت که هنوز در نرسیدند
الحكيم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو
با حکمت آن بعثت عام بخشش خدایست میدهد آنرا بآنکه میخواهد و خدای خداوند
الفضل العظيم مثل الذين حملوا التورية ثم لم
خداوند بخشش بزرگست داستان آنان که تکلیف کردند ایشانرا عمل باحکام توریت
يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا بئس مثل القوم الذين
نکردند بآن چون داستان حمارست که بر میدارد کتابها را بد است داستان گروهی که

از جهة موافقة زناشوهری پنج بار بخواند

كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

تکذیب کردند بآیهای خدایرا وخدای راه ننماید گروه ستمکاران را

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ

بگوی ای آنان که یهود شدند اگر دعوی میکنید که شمایید دوستان مر خدایرا

مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

جز مردمان دیگر پس آرزو برید مردن را اگر هستید راست

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

وآرزو نبرند مردن را هرگز بسبب آنچه پیش فرستاده دستهای ایشان از کفر و معاصی وخدای داناست

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ

بگوی بدرستی که مردنی که میگریزید شما از و پس بدرستی که آن رسنده است

تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

باز گردانیده شوید باجرای دانندهٔ نهان وآشکارا پس بیاگاهاند شمارا بآنچه هستید

تَعْمَلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ

که میکنید ای آنان که ایمان آوردید چون بانگ نماز کنند برای نماز از

يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ۚ

روز آدینه پس بشتابید سوی یاد کردن خدای در خطبه و نماز و ترک کنید خرید و فروخت را

ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ

آنچه شما هستید از زشتی اگر هستید شما که بدانید پس چون گزارده شود نماز

فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا

پس پراگنده شوید در زمین وبجویید چیزی از عطای خدای ویاد کنید

اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا

خدایرا بسیار در همه حال تا مگر شما رستگاری یابید وچون ببینند بازرگانی یا بهوی از مالهای

انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا ۚ قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ

متفرق شوند سوی آن بجارت و لهو بگذارند ترا در خطبه ایستاده بگوی آنچه نزد خداست از زینهار

مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ ۚ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

از بازی و از بازرگانی وخدای بهترین روزی دهندگانست

سورة المنافقون مدنية إحدى وعشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام پروردگار بخشاینده مهربان

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ ۘ وَاللَّهُ

چون آیند بتو اهل نفاق گویند گوای میدهیم ما از اخلاص که بدرستی که تو مرآنی پیغمبر خدای وخدای

يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ ۗ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ۝

میداند که تو مرآنی فرستادهٔ خدای وخدای گوای میدهد بدرستی که منافقان مرآنی دروغ

اتخذوا أيمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله فلهم عذاب مهين ۝ لن تغني
گرفتند سوگندهای خود را سپری پس منع کردند مردم را نهان داشتند کفر خود را از راه دین خدای پس مر ایشان را
عنهم أموالهم ولا أولادهم من الله شيئا أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون ۝
هیچ بی نیاز نکند از ایشان مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان از خدای ایشان اند یاران آتش ایشان در آن جاودانه
يوم يبعثهم الله جميعا فيحلفون له كما يحلفون لكم ويحسبون أنهم على شيء
روزی که برانگیزد ایشان را خدای همه سوگند میخورند مر او را چنانکه سوگند میخورند شما را و میپندارند که ایشان
ألا إنهم هم الكاذبون ۝ استحوذ عليهم الشيطان فأنساهم ذكر الله أولئك
آگاه باشید که ایشان اند دروغزنان چیره شد بر ایشان شیطان پس فراموش گردانید ایشان را یاد خدای ایشان اند
حزب الشيطان ألا إن حزب الشيطان هم الخاسرون ۝ إن الذين يحادون الله
گروه شیطان آگاه باشید که گروه شیطان ایشان اند زیانکاران همانا آنان که دشمنی میکنند خدای را
ورسوله أولئك في الأذلين ۝ كتب الله لأغلبن أنا ورسلي إن الله قوي عزيز ۝
و رسول او ایشان اند در خوارترین خلقان نوشت خدای که غالب کنم من و رسولان من همانا خدای توانا است غالب
لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حاد الله ورسوله ولو كانوا
نیابی گروهی را که ایمان دارند بخدای و روز واپسین دوستی کنند با کسی که دشمنی کند خدای را و رسول او را اگرچه
آباءهم أو أبناءهم أو إخوانهم أو عشيرتهم أولئك كتب في قلوبهم الإيمان
پدران ایشان باشند یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشان ایشان اند نوشته در دلهای ایشان ایمان را
وأيدهم بروح منه ويدخلهم جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها رضي
و قوت داده ایشان را بروحی از او و در آرد ایشان را بهشتها میرود زیر آن جویها جاودانه در آن خشنود
الله عنهم ورضوا عنه أولئك حزب الله ألا إن حزب الله هم المفلحون ۝
شد خدای از ایشان و خشنود شدند از او ایشان اند گروه خدای آگاه باشید که گروه خدای ایشان اند رستگاران

سورة الحشر مدنية وهي أربع وعشرون آية وثلاث مائة كلمة وألف وأربعمائة حرف

سبح لله ما في السماوات وما في الأرض وهو العزيز الحكيم ۝ هو الذي
تسبیح کرد خدای را آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است و او غالب است و استوار کار او آن است که
أخرج الذين كفروا من أهل الكتاب من ديارهم لأول الحشر ما ظننتم أن يخرجوا
بیرون کرد آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه‌های ایشان در آغاز گردآوردن گمان نبردید که بیرون روند
وظنوا أنهم مانعتهم حصونهم من الله فأتاهم الله من حيث لم يحتسبوا وقذف في
و گمان بردند که ایشان را نگاه دارد حصارهای ایشان از خدای پس آمد ایشان را خدای از جایی که گمان نبردند و افکند در
قلوبهم الرعب يخربون بيوتهم بأيديهم وأيدي المؤمنين فاعتبروا يا أولي الأبصار
دلهای ایشان ترس خراب میکردند خانه‌های خود را بدست خود و بدست مؤمنان پس عبرت گیرید ای خداوندان چشمها

يهدي القوم الفاسقين ۝ هم الذين يقولون لا تنفقوا
راه ننماید گروه بیباک را ایشان آنانند که میگویند مگیرید
على من عند رسول الله حتى ينفضوا ولله خزائن السماوات
بر آنکه نزد پیغمبر خدا اند یعنی مهاجران تا متفرق شوند از و مر خدای راست خزانهای
والأرض ولكن المنافقين لا يفقهون ۝ يقولون
و زمین ولیکن منافقان درنمی یابند میگویند
لئن رجعنا إلى المدينة ليخرجن الأعز منها الأذل ولله
اگر باز گردیم ما سوی مدینه هرآینه بیرون کند آنکه عزیزتر است یعنی رئیس منافقان اذلیه را که
العزة ولرسوله وللمؤمنين ولكن المنافقين لا
مر خدای راست قوت و علبه و مر رسول او را و مر مؤمنان را ولیکن منافقان ملعون نه
يعلمون ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تلهكم أموالكم ولا
میدانند ای آنان که ایمان آوردید باید که مشغول نگرداند شما را مالهای شما و نه
أولادكم عن ذكر الله ومن يفعل ذلك فأولئك
فرزندان شما از یاد خدای و هر که کند آنرا پس ایشانند
وأنفقوا مما رزقناكم من قبل أن يأتي أحدكم الموت
و نفقه کنید از آنچه روزی دادیم شما را از آن پیش که آید یکی از شما را امارت مرگ
فيقول رب لولا أخرتني إلى أجل قريب فأصدق وأكن

نصف الحزب

پس گوید ای پروردگار من چرا مهلت ندادی مرا در موت تا زمانی نزدیک تا صدقه دادمی و بودمی

مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ

از نیکان او هرگز مهلت ندهد خدای تنی را چون آید وقت وفات آن و خدای آگاه است

سورة التغابن بما تعملون ۝ مدنية ثمان وعشرون

به آنچه میکنید

بلا خلاف

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام پروردگار بخشاینده مهربان

جهة حفظ مال از دزدان هفت بار بخواند

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ لَهُ الْمُلْكُ وَ

بپاکی یاد میکنند مر خدایرا آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مر او راست پادشاهی و

لَهُ الْحَمْدُ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ

مر او راست استحقاق ستایش و او بر همه چیز تواناست اوست آنکه آفرید شما را

فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ خَلَقَ

پس از شماست بعضی کافر و از شماست بعضی مؤمن و خدای به آنچه میکنید بیناست آفرید

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ

آسمانها را و زمین را بحکمت و صواب و صورت فرمود شما را در ارحام پس نیکوتر گردانید

صُوَرَكُمْ ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۝ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ

صورتهای شما را و با جزای اوست بازگشت همه میداند هر آنچه در آسمانها و

الْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ

زمین است و میداند آنرا که نهان میدارید و آنرا که آشکارا میکنید و خدای داناست بدانچه

الصُّدُورِ ۝ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا

در ضمایر است ای نیامد بشما خبر آنان که کافر شدند از این پیش قوم نوح و هود و صالح پس چشیدند

وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ

وخامت عاقبت کار خود را در دنیا و مر ایشانراست عذابی دردناک در آخرت آن وبال و عذاب بسبب آنکه قصه آن بود که نیامد بدیشان

رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا

پیغمبران ایشان با معجزات پس گفتند ای آدمیان راه نمایند ما را پس کافر شدند

وَاسْتَغْنَى اللَّهُ ۚ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا

و اعراض کردند از تدبر و خود بی نیاز است خدای و از طاعت ایشان و خدای بی نیاز است ستوده مطلق دعوی کردند آنان که کافرند

أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا ۚ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ ۚ

که هرگز برنه انگیزند شان بگوی آری بیانگیزانند شان بحق پروردگار من هر آینه برانگیخته شوید پس آگاه کنند شان بآنچه کرده باشید

وَذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ

و آن بر خدای آسانست پس ایمان آرید بخدای و پیغمبر او و روشنی

الَّذِي أَنْزَلْنَا ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ

که فرستادیم یعنی قرآن و خدای به آنچه میکنید آگاه است آن روز که گرد آرد شما را ای اهل مکه

الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ ۚ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا

تمامت خلایق است آن روز روز غبن بازرگانیست و هر که ایمان آرد بخدای و کند کار نیکو

از برای روز گرد آوردن که

يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّاٰتِهٖ وَيُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا

دور گرداند ازو بدیهای او ودر آرد اورا در بوستانهای که رود از زیر اشجار آن

الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ۭ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ

جویها حال آنکه جاودانه باشند دران همیشه آنست پیروزی بزرگ

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰۗىِٕكَ اَصْحٰبُ

وآنان که کافر شدند وبدروغ نسبت کردند آیتهای ما را ایشان اهل

النَّارِ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۭ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ۭ مَآ اَصَابَ مِنْ مُّصِيْبَةٍ

دوزخ جاودانه باشند دران همیشه وبدا جای بازگشتن آن رسد هیچ حادثه

اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۭ وَمَنْ يُّؤْمِنْۢ بِاللّٰهِ يَهْدِ قَلْبَهٗ ۭ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ

مگر بفرمان خدای و هر که بگرود بخدای راه نماید دل او را و خدای بهمه چیز تواناست

وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ ۚ فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاِنَّمَا عَلٰي

وفرمان برید خدایرا وفرمان برید پیغمبر را پس اگر بپیچید اعراض کنید پس جز این نیست که بر

رَسُوْلِنَا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ۝ اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۭ وَعَلَى

پیغمبر ماست رسانیدن موجدا خدای هیچ خدای نیست مگر او و بر

اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّ مِنْ

خدای پس باید که توکل نمایند مومنان ای آنان که ایمان آوردند بدرستی که از

اَزْوَاجِكُمْ وَاَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوْهُمْ ۚ وَاِنْ تَعْفُوْا

زنان شما و فرزندان شما دشمنانی مر شما را پس حذر کنید از ایشان و اگر عفو گیرید از ذنوب

وَتَصْفَحُوْا وَتَغْفِرُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ اِنَّمَآ اَمْوَالُكُمْ

واعراض نمایید وبیامرزید گناه ایشان را پس بدرستی که خدای آمرزگار مهربان است بدرستی که مالهای شما

وَاَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۭ وَاللّٰهُ عِنْدَهٗٓ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ۝ فَاتَّقُوا اللّٰهَ مَا

وفرزندان شما سبب بلا و محنت است وخدای نزد اوست مزدی بزرگ پس بپرهیزید بپرهیزیدن تا بخشایش

اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوْا وَاَطِيْعُوْا وَاَنْفِقُوْا خَيْرًا لِّاَنْفُسِكُمْ ۭ

دارید وبشنوید ومواظب اورا وفرمان برید او را وعطا کنید درویشان را صرف کنید چیزی برای نفع نفسهای شما

وَمَنْ يُّوْقَ شُحَّ نَفْسِهٖ فَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ۝ اِنْ

وهر که نگاه داشته شود از بخل دلهای خود پس ایشان اند رستگاران اگر

تُقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضٰعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ

صورت اعراض نمایید بخدای وعطا دهید خدای پاکیزه وام پس بگرداند ثواب آنرا برای شما ویامرزد

لَكُمْ ۭ وَاللّٰهُ شَكُوْرٌ حَلِيْمٌ ۝ عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ

مر شما را و خدای مجازی طاعت و اگرچه اندک بود حلیم باو دیر عقوبت دانای نهان و آشکارا غالب قادر درست کار

سورة الطلاق مدنية ثماني عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ
ای پیغمبر و امت چون خواهید که طلاق دهید زنان را پس طلاق دهید ایشان را برای عدت ایشان در طهر
وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ
و ضبط کنید و نگاه دارید عدد اقرا سه گانه را و بترسید از خدای پروردگار شما در تطویل عده بیرون نکنید ایشان را از
بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَ
خانهای ایشان در عده و باید که بیرون نروند باختیار خود مگر که آرند کاری بد را هویدا که آنگاه بجهت اقامت
تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ
آنچه گفتیم مواضع منع خدایست و هر که تجاوز نماید مواضع منع خدا را پس بحقیقت ستم کرد
نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ
بر خود تو چه دانی باشد که خدای پدید آرد پس از آن تطلیق کاری را از ندامت بر طلاق
أَمْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ
برجعت پس چون نزدیک رسد بانقضای عده شان پس نگاه دارید ایشان را بمراجعت نکاح یا مفارقت کنید از ایشان
بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ
به نیکوی و گواه گیرید بر رجعت یا فرقت دو خداوند عدالت را از مسلمانان و بپای دارید گواهی را
لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
برای خدای آنچه گفتیم از حدود و احکام و حث بر ادای شهادت پند داده میشود بدان هر که هست که ایمان آرد بخدای
الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ
بازپسین و هر که پرهیزکاری نماید خدا را پدید آرد برای او بیرون شدنی از مضایق و غموم دنیا و آخرت از

حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ
آنجا که نداند و طمع ندارد و هر که توکل نماید بر خدای پس او بسنده است او را
إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا وَ
بدرستی که خدای رساننده است فرمان خود را بحقیقت پدید کرد خدای مر هر چیزی را اندازه و میقاتی و
اللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ
آن زنانی که نومید شدند از حایض شدن از زنان شما اگر بشک باشید در عده ایشان پس عده ایشان
ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ
سه ماه است و آنان که بحد حیض نیامده از صغر عده شان نیز سه ماه است و خداوندان فرزندان
أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ
عده ایشان آنست که بنهند بار خویش را و هر که پرهیزکاری نماید خدا را پدید آرد برای او از کار
يُسْرًا ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ
آسانی آن احکام فرمان خدایست فرستاد آن را سوی شما و هر که پرهیزکاری نماید خدا را محو گرداند
عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ
از او بدیهای او را و بزرگ گرداند برای او مزد را ساکن گردانید زنان مطلقه را در آن مکان که
سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَ
ساکن شده اید از وسع و طاقت شما و مضرت مرسانید در سکنی ایشان را تا تنگ کنید کار را بر ایشان تا
إِنْ كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ
اگر باشند آن زنان خداوندان فرزندان در شکم پس نفقه کنید بر ایشان تا آن مدت که بنهند

حملهن فان ارضعن لكم فاتوهن اجورهن وائتمروا
ارضاع مادر واجبست بر او اگر نخواهد مزد بدهند
بارهای خویش پس اگر شیر دهند مطلقات
بعد از انقطاع عدهٔ نکاح برای شما پس بدهید آن زنان را مزد ما
بينكم بمعروف وان تعاسرتم فسترضع له اخرى
میان شما در باب ارضاع و اجرة بحسب شرع و عرف و اگر سختی نمایید و مضایقه کنید پس زود بود که شیر دهد برای پدید
لينفق ذو سعة من سعته ومن قدر عليه رزقه
مرضعهٔ دیگر باید که نفقه کند خداوند توانگری از خداوند توانگری و هر که تنگ کرده شده باشد روزی او
فلينفق مما اتاه الله لا يكلف الله نفسا الا ما اتاها
پس نفقه کند از آنچه داد او را خدای تکلیف نمی‌نماید خدای هیچ تنی را مگر آنچه داد او را
سيجعل الله بعد عسر يسرا وكاين من قرية عتت
زود بود که بدید آورد خدای پس از دشواری آسانی را و بسا از اهل دیهی که تکبر نمودند
عن امر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شديدا وعذبناها
از امتثال فرمان پروردگار خود و پیغمبران او پس محاسبه نمودیم ایشان را محاسبه ناخوش و عذاب کردیم ایشان را
عذابا نكرا فذاقت وبال امرها وكان
عذاب کردنی ناخوش پس چشید وخامت عاقبت کار خویش را و بود
عاقبة امرها خسرا اعد الله لهم عذابا شديدا
خاتمت کارایشان زیان کاری آماده ساخته است خدای ایشان را عذابی سخت
فاتقوا الله يا اولي الالباب الذين امنوا قد انزل
پس بپرهیزید از خدای ای خداوندان خردها آنان که ایمان آوردند بحقیقت فرو فرستاد

الیکم ذکرا رسولا یتلوا علیکم آیات الله مبینات
خدای فرو فرستاد بسوی شما آیهای خدایرا بسبب شرف پیغمبری که میخواند بر شما آیهای خدایرا واضح و روشن
لیخرج الذین امنوا وعملوا الصالحات من الظلمات
تا بیرون آرد آنانرا که ایمان آوردند و کردند کارهای نیکو را از تاریکیهای ضلالت
الی النور ومن یؤمن بالله ویعمل صالحا یدخله جنات
سوی روشنی هدایت و هر که ایمان آورد بخدای و کند کار نیکو درآورد او را در بوستانهای
تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا قد احسن
که میرود از زیر آن جویها حال آنکه جاودان باشندگان آنجا همیشه بحقیقت نیکو کرد
الله له رزقا الله الذي خلق سبع سموات ومن
خدای برای او روزی را خدای معبود برحق آنست که آفرید هفت آسمانها را و از
الارض مثلهن يتنزل الامر بينهن لتعلموا ان الله
زمین همچندین فرو میآید فرمان میان هفت طبقه نافذ و جاریست فرمان و حکم او میان آسمان و زمین تا بدانید که خدای
على كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما
بر همه چیز توانا است و انک خدای محیط است بهمه چیزی از راه دانش

سورة التحريم مدنية اثنتا عشرة آية

نصف الحزب

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها النبي لم تحرم ما أحل الله لك تبتغي مرضات
ازواجك والله غفور رحيم قد فرض الله لكم تحلة
ايمانكم والله مولاكم وهو العليم الحكيم واذ اسر
النبي الى بعض ازواجه حديثا فلما نبأت به واظهره
الله عليه عرف بعضه واعرض عن بعض فلما نبأها به
قالت من انبأك هذا قال نبأني العليم الخبير ان
تتوبا الى الله فقد صغت قلوبكما وان تظاهرا
عليه فان الله هو مولاه وجبريل وصالح المؤمنين

والملائكة بعد ذلك ظهير عسى ربه ان
طلقكن ان يبدله ازواجا خيرا منكن مسلمات
مؤمنات قانتات تائبات عابدات سائحات
ثيبات وابكارا يا أيها الذين امنوا قوا انفسكم
واهليكم نارا وقودها الناس والحجارة عليها
ملائكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما امرهم
ويفعلون ما يؤمرون يا أيها الذين كفروا لا
تعتذروا اليوم انما تجزون ما كنتم تعملون
يا أيها الذين امنوا توبوا الى الله توبة نصوحا عسى

رَبُّكُمْ اَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنّٰتٍ
پروردگار شما محو گرداند از شما بدیهای شما را و در آورد شما را در بوستانهایی
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللّٰهُ النَّبِيَّ وَ
که میرود از زیر اشجار آن جویها روزی که ذلیل نگرداند خدای پیغمبر را و
الَّذِينَ اٰمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعٰى بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ
آنانرا که ایمان آوردند با او روشنی ایشان می شتابد در پیش ایشان و بجانب دست راست ایشان
يَقُولُونَ رَبَّنَا اَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ
میگویند ای پروردگار ما بر حالت کمال دار برای ما روشنی ما را و بیامرز ما را بدرستی که تو بر همه
شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يٰاَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ
چیزی توانایی ای پیغمبر جهاد کن با کافران بشمشیر و با منافقان بحجت
وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ضَرَبَ
و درشتی نمای بر ایشان و جای ایشانست دوزخ و بد جای بازگشتن پدید کرد
اللّٰهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَاَتَ نُوحٍ وَامْرَاَتَ
خدای داستانی برای آنان که کافر شدند زن نوح واعله و زن
لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ
لوط واهله بودند آن دو زن در تحت تصرف دو بنده از بندگان ما هر دو نیکو
فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا
پس مخالفت نمودند آن دو زن با آن دو پیغمبر پس باز نداشتند آن دو پیغمبر آن دو زن از عذاب خدای هیچ چیز را و گفته شد ایشان را در آیید

مَعَ الدَّاخِلِينَ ۝ وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا امْرَاَتَ
در آتش با دیگر در آیندگان کفار و پدید کرد خدای داستانی را برای آنان که ایمان آوردند زن
فِرْعَوْنَ اِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ
فرعون آسیه نام چون گفت ای پروردگار من بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت
وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝
و نجات ده مرا از فرعون و کردار او و نجات ده مرا از گروه ستمکاران
وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا
و مریم را دختر عمران آنکه نگاه داشت عورت خود را پس آفریدیم عیسی را در رحم او
فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ
در رحم او بی واسطه اصلی و باور داشت شرایع پروردگار خود را و کتاب

سورة الملك

وَكَانَتْ مِنَ
و بود از
الْقَانِتِينَ ۝
جمله مطیعان

مكية ثلاثون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام پروردگار بخشاینده مهربان
تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
مفیض خیرات عامست آنکه بدست قدرت اوست مطلق پادشاهی و ملک حقیقی و او بر همه چیزی

کتابه

الجزء ٢٩

دفع بلاها را چهل و یک بار بخواند

قدير ۝ الذي خلق الموت والحيوة ليبلوكم ايكم
توانا است آنکه آفرید موت را و زندگانی را تا صورت آزمایش نماید شما را که کدام یک از شما
احسن عملا وهو العزيز الغفور ۝ الذي خلق سبع
نیکوترست و خالص تر بکردار و او غالب تواناست آمرزنده هر بدکرداری آنکه آفرید هفت
سموات طباقا ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت
آسمانها مطبق بر زبر یکدیگر نه بینی تو ای محمد یا ای بیننده در آفرینش خدای بخشاینده هیچ عدم تناسب
فارجع البصر هل ترى من فطور ۝ ثم ارجع البصر كرتين
پس باز گردان نگرش تا هیچ بینی شقی و فتوقی و خروقی پس باز گردان نگرش را دو بار باری پس از باری
ينقلب اليك البصر خاسئا وهو حسير ۝ ولقد
تا باز گردد سوی تو بینایی حال آنکه بعید بود از ادراک خلل در آفرینش و حال آنکه آن نظر با فتور و کلال بود از کثرت مراجعت و معاودت
زينا السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما للشياطين
آراستیم آسمان نزدیکتر را بظهور ستارگان روشن چون چراغ و گردانیدیم کواکب را رانندگان دیوان جهت استراق
واعتدنا لهم عذاب السعير ۝ وللذين كفروا
و مهیا کردیم برای دیوان عذاب آتش افروخته و مر آنانراست که کافر شدند
بربهم عذاب جهنم وبئس المصير ۝ اذا القوا فيها
به پروردگار ایشان عذاب دوزخ و بد جای بازگشتن چون فکندشان در دوزخ
سمعوا لها شهيقا وهي تفور ۝ تكاد تميز من الغيظ كلما
شنوند مر دوزخ را آوازی منکر چون آواز حمار و دوزخ جوشد خواهد که جدا شود از غایت

القي فيها فوج سألهم خزنتها الم يأتكم نذير ۝ قالوا
در دوزخ گروهی را پرسند ایشانرا نگاهبانان دوزخ ای نیامد بشما هیچ بیم نماینده گویند
بلى قد جاءنا نذير فكذبنا وقلنا ما نزل الله من شيء
آری بحقیقت آمد بیم نماینده پس تکذیب نمودیم ما و گفتیم فرو نفرستاد خدای هیچ چیز را
ان انتم الا في ضلال كبير ۝ وقالوا لو كنا نسمع
نه اید شما مگر در گمراهی بزرگ و گفتند اگر بودیمی که شنودیمی
او نعقل ما كنا في اصحاب السعير ۝ ان الذين
یا دریافتیمی حقیقت کار را نبودیمی در میان اهل دوزخ بدرستی که آنان
يخشون ربهم بالغيب لهم مغفرة واجر كبير ۝
که می ترسند پروردگار خود را حال آنکه او را نه بینند مر ایشانراست آمرزش و مزدی بزرگ
واسروا قولكم او اجهروا به انه عليم بذات
و نهان کنید گفتار خویش را یا آشکارا کنید آنرا بدرستی که او داناست بآنچه در
الصدور ۝ الا يعلم من خلق وهو اللطيف
ضمایرست ای نداند مخلوق را آنکه آفرید او را و او نفاذست در بواطن بعلم آگاه
الخبير ۝ هو الذي جعل لكم الارض ذلولا فامشوا
بهمه چیزها او آنست که گردانید برای شما زمین را مسخر پس بروید
في مناكبها وكلوا من رزقه واليه النشور ۝
در جوانب و راههای آن و بخورید از رزق او و با علم اوست برانگیختن همه

ءَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ
ای ایمن شدید از آنک در آسمان اند از ملایکه موکل بعذاب که فرو برد شما را بزمین پس ناگهان آن زمان
تَمُورُ ۝ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا
متحرک و مضطرب بود یا ایمن شدید از آنک در آسمانند که فرو فرستد بر شما بادی با سنگ ریزه
فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ۝ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ
پس زود بود که بدانید که چگونه است انذار من و بحقیقت تکذیب نمودند آنان که از
قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ
پیش از ایشان بودند پس چگونه بوده است انکار من بر ایشان بعذاب آیا ننگرستند سوی مرغان
صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَٰنُ إِنَّهُ بِكُلِّ
حال آنکه باز گشاده اند بالها را در هوا و با هم می آرند نگه نمیدارد ایشان را مگر خدای بخشاینده بدرستی که او بهمه
شَيْءٍ بَصِيرٌ ۝ أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ
چیزی بیناست یا نه کیست مشار الیه آنک اعوانست مر شما را یاری نماید مر شما را از
دُونِ الرَّحْمَٰنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ۝ أَمَّنْ هَٰذَا
غیر خدای بخشاینده نه اند کافران مگر در فریب شیطان یا نه کیست مشار الیه
هَٰذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ
آنکه روزی دهد شما را اگر باز گیرد خدای روزی خود را نه که دور شدند در تکبر
وَنُفُورٍ ۝ أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي
و ضلال و فرار از حق ای پس آنکه رود افتنده بر روی خود راه یافته است یا آنک رود یکسان

أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ
یا آنک رود یکسان بر راهی راست بگو او آنست که آفرید شما را
وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا
و پدید کرد برای شما شنوایی تا شنوید مواعظ را و چشمها را تا ببینید صنایع را و دلها را تا فکر کنید
تَشْكُرُونَ ۝ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ
شکر میکنید او را بگوی او آنست که پراکنده کرد شما را در زمین و با جزا او
تُحْشَرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ
گرد آرند شما را و میگویند کدام وقتست آن وعده قیامت یا حاصب اگر هستید
صَادِقِينَ ۝ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝
راست گویان بگوی بدرستی که دانش نزد خدایست و بدرستی که من بیم نماینده ام هویدا
فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ
پس چون ببینند آن وعده را نزدیک قبیح گردانیده شود رویهای آنان که کافر شدند و
قِيلَ هَٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ
گویندشان اینست آنک بودید که بدان استعجال می نمودید و طلب میکردید بگوی خبر دهید
اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ
خدای و آنان را که با من اند از مؤمنان یا رحمت کند بر ما پس کدام کس زنهار دهد کافران را از عذاب
أَلِيمٍ ۝ قُلْ هُوَ الرَّحْمَٰنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ
دردناک بگو او خدای بخشاینده است ایمان آوردیم با او و برو اعتماد نمودیم پس زود بود

نصف الحزب

مَنْ هُوَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ۝ قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ
که گمراه است آنکه او در گمراهی آشکار است بگو خبر دهید مرا اگر بامداد کند
مَآؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَآءٍ مَّعِينٍ
آب شما را فرو شده بزمین پس کیست که آرد شما را آبی روشن جاری سهل المأخذ

سورة القلم مكية ثنتان وخمسون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ۝ مَآ أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ
اسم سورت یا دوات است و یحیی قلم که نوح بدان نوشته یا مطلق قلم که زید تو بسبب انعام پروردگار تو بری از زیان
بِمَجْنُونٍ ۝ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ۝ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ
دیوانه و منسوب بجنون و بدرستی که مر ترا است بسبب احمال اعباء نبوت مر دین خود را و بدرستی که تو بر
خُلُقٍ عَظِيمٍ ۝ فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ۝ بِأَيِّيكُمُ الْمَفْتُونُ ۝
برگزیدن نبیات نگاهدارنده و پسندیده پس زود بود که ببینی ای محمد و ببینند که بکدام یک از شما است جنون
إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
بدرستی که پروردگار تو او داناتر است بحال آنکه گمراه است از راه دین او و او داناتر است بحال آنها که

جهت برآمدن مهمات هفتاد و پنج بار بخواند

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ۝ وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ۝ وَ
پس فرمان مبر دروغ نسبت کنندگان را دوست دارند که مصانعت کنی با ایشان در کار دین تا ایشان نیز مصانعت
لَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ۝ هَمَّازٍ مَّشَّآءٍۭ بِنَمِيمٍ ۝ مَّنَّاعٍ
و فرمان مبر هر سوگند خوارنده از حقیر عیب جوی رونده میان مردم بنمامی حدیث بازآرنده
لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۝ عُتُلٍّۭ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ ۝ أَن كَانَ
مال یعنی بخیل ظالم بردگار جافی غلیظ پس ازان اوصاف بی گفت نسب و زمان مبر باو چون
ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ۝ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ
خداوند مال و پسران چون خوانند بر او آیتهای ما را گوید افسانهای
ٱلْأَوَّلِينَ ۝ سَنَسِمُهُۥ عَلَى ٱلْخُرْطُومِ ۝ إِنَّا بَلَوْنَٰهُمْ كَمَا
پیشینیان است زود بود که داغ نهیم او را بر بینی بگرانی که ما امتحان نمودیم ایشان را بقحط چنانکه
بَلَوْنَآ أَصْحَٰبَ ٱلْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا۟ لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ۝
امتحان نمودیم اهل بوستان را چون سوگند خوردند که هر آینه بچینند آنرا حال آنکه داخل شوند در وقت
وَلَا يَسْتَثْنُونَ ۝ فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَ
و نگفتند اگر خدا خواهد یا خرج نکنند مال مساکین را چنانکه پدرشان میکرد پس گردید بر آمد بر ایشان بوستان آینده
هُمْ نَآئِمُونَ ۝ فَأَصْبَحَتْ كَٱلصَّرِيمِ ۝ فَتَنَادَوْا۟ مُصْبِحِينَ ۝
ایشان خفته بودند پس گشت آن بوستان چون بوستانی که میوه اش بریده باشند پس آواز دادند یکدیگر
أَنِ ٱغْدُوا۟ عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَٰرِمِينَ ۝ فَٱنطَلَقُوا۟
که روی آرید بر کشت شما اگر میچینید برامدگان پس رفتند

وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ ۝ أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ ۝
وایشان نهان میگفتند که باید که در نیاید در آن بوستان امروز بر شما هیچ بیچاره
وَغَدَوْا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ ۝ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا
وگشتند بر منع خیر توانایان نه بر اعطا پس چون دیدند آن بوستان را بدان حال گفتند بدرستی
لَضَالُّونَ ۝ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ
که گم کرده ایم بوستان را نه که ما بی دوستانیم بسبب بخل و منع مساکین گفت افضل و اعدل ایشان ای نگفتم مر شما را
لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ۝ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝
چرا بپاکی یاد نیاوردید خدای را گفتند پاکا پروردگار ما بدرستی که ما هستیم ستمکاران
فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ ۝ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا
پس روی آورد بعضی از ایشان بر بعضی که ملامت میکنید یکدیگر را گفتند جمع ای وای ما بودیم
كُنَّا طَاغِينَ ۝ عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ
بودیم از حد در گذرندگان شاید که پروردگار ما عوض دهد ما را بهتر از آن چه بدرستی که ما با قضا
رَبِّنَا رَاغِبُونَ ۝ كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ
پروردگار خود رغبت کننده ایم چنانست عذاب دنیا و هر آینه عذاب آن جهان
أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ
بزرگتر است اگر هستند که دانند بدرستی که پرهیزکاران راست نزد پروردگار ایشان
جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۝ مَا لَكُمْ
بوستانهای ناز و نعمت ای پس گردانیدیم مسلمانان را چون کافران چیست شما را

كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۝ إِنَّ
ای کفار قریش چگونه حکم میکنید یا نه که مر شما راست کتابی آسمانی که در آن کتاب میخوانید که بدرستی
لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ۝ أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَىٰ
که مر شما راست در آن کتاب آنچه اختیار میکنید برای خود یا نه که مر شما راست سوگندهایی و عهودی بر ما محکم تا
يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ۝ سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذَٰلِكَ
روز قیامت بدرستی که مر شما راست هر آینه آنچه حکم میکنید بپرس ایشان را که کدام یک از ایشان به آنچه میگویند
زَعِيمٌ ۝ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا
کفیل است یا نه که مر ایشان راست شریکانی در آن حکم پس گو بیارید شرکاء خویش را اگر باشند
صَادِقِينَ ۝ يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى
راست گوی در دعوی خود یاد کن روزی را که وا برده شود از ساق یعنی کار بنهایت رسد در شدت و خوانند ایشان را
السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۝ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ
توبیخ سوی سجود مر خدای را پس نتوانند که پشتهاشان بسجود یاری ندهد حال آنکه ذلیل باشد چشمهای ایشان که رسد
ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ۝
خواری و بحقیقت بودند در دنیا که خوانده میشدند سوی سجود معبود حقیقی و ایشان سالم الاعضا بودند و ابا مینمودند
فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَٰذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
پس بگذار مرا با مجازات آنکه تکذیب میکند این قرآن را که بتدریج مجازات تکذیب ایشان نمایم
مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ۝
از آنجا که ندانند و مهلت میدهم مر ایشان را یعنی فرا گذارم بدرستی که احسان که بطریق خذلان بود قوت غایله آن

أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ ۝ أَمْ عِندَهُمُ
یا نه که مزدی از ایشان می‌خواهی که از غرامت آن گران بارند یا نه که از نزد ایشان
الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۝ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ
دانش نهانی که ایشان می‌نویسند و تو احتیاج ندارند پس صبر کن برای حکم پروردگار تو و مباش چون یونس
الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ۝ لَّوْلَا أَن تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ
در شکم ماهی که خشم گرفت بر قوم خویش و استعجال عذاب کرد چون آواز داد او مملی بود از غم اگر نه آن بودی که دریافت
مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ۝ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ
از پروردگار او مر آینه فکنده شدی از در یا بصحرا ساحل و او مذموم دم بودی پس بر گزید او را پروردگار او
فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ
پس گردانید اورا از پیغمبران راه حق تا کامل و بدرستی شان انکه نخواهند آنان که کافر شدند که مر آینه ز ایل کردانند ترا
بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ۝
بچشمهای خویش انگاه که بشنوند قرآن را و میگویند که او دیوانه است
وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ۝
و نیست قرآن مگر موعظتی برای جهانیان

الحزب

سورة الحاقة مكية اثنتان وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَاقَّةُ ۝ مَا الْحَاقَّةُ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ۝ كَذَّبَتْ
چه عظیمست آن ساعت و چه دانا کرد ترا که چیست آن ساعت عجب که تکذیب نمودند
ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ۝ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ۝
آن دو قبیله بآن ساعت که قرع آسمان کند از هول پس اما ثمود که قوم صالح بودند هلاک کرده شدند بطاغیه یعنی صیحه
وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ۝ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ
و اما عاد پس هلاک کرده شدند بباد سخت خارج از عادت مسلط کرد آنرا بر ایشان
سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا
هفت شب و هشت روز متوالیه پیاپی پس میدیدی تو ای بیننده قوم عاد را در آن
صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ۝ فَهَلْ تَرَىٰ لَهُم
سخت افتادگان و بالکان گویا ایشان تنهای درخت خرما بودند افتاده پس هیچ می‌بینی ایشان را
مِّن بَاقِيَةٍ ۝ وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَن قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ
یعنی تمام ملاک شدند و آمد فرعون و آنان که پیش از و بودند از امل کفر مثل مردم قوم لوط
بِالْخَاطِئَةِ ۝ فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَّابِيَةً ۝
فعل خطا را پس نافرمانی کردند پیغمبر پروردگار خویش را مثل موسی و او پس گرفت ایشان را گرفتنی
إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ۝ لِنَجْعَلَهَا
بدرستی که ما انگاه که طغیان نماید آب طوفان در عهد نوح محمول کردانیم شما را در صلب پدران در کشتی تا گردانیم

آسانی سوالکود
هفتاد بار بخواند

تجاوز و بحد زیرنویسها صحیحه

لكم تذكرة وتعيها اذن واعية فاذا نفخ في الصور
یعنی نجاة مؤمنان و غرق کفار برای شما پندی و عبرتی بر قدرت صانع و تا نگاه دارد آنرا سمعی و ذکر پس چون دمیده شود در صور
نفخة واحدة وحملت الارض والجبال فدكتا
دمیدنی یگانه و برداشته شود زمین و کوهها پس کوفته شوند هر دو
دكة واحدة فيومئذ وقعت الواقعة
کوفتنی یگانه پس در آن روز پدید آید آن حادثه قیامت
وانشقت السماء فهي يومئذ واهية والملك على
و شکافته بود آسمان برای نزول فرشته پس او در آن روز بی قوت و سست بود و فرشتگان بر
ارجائها ويحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية
جوانب آن باشند و بردارند عرش پروردگار ترا بر بالای آن فرشتگان در آن روز هشت
يومئذ تعرضون لا تخفى منكم خافية فاما من اوتي
در آن روز عرضه دهند شما را بر محاسبه نهان نماند از شما هیچ پوشیده پس اما آنکه دهند او را
كتابه بيمينه فيقول هاؤم اقرؤا كتابيه اني ظننت
نامه او بدست راست او پس گوید فرا گیرید بخوانید نامه مرا بدرستی که من بیقین دانستم
اني ملاق حسابيه فهو في عيشة راضية في
که من رسنده ام بحساب خود پس او در نوعی زندگانی بود مشتمل بر رضای صاحبش در
جنة عالية قطوفها دانية كلوا واشربوا
بهشتی بلند درجه میوهای آن نزدیک بود گویند بخورید و بیاشامید گوارنده

هنيئا بما اسلفتم في الايام الخالية واما من اوتي
گوارنده بسبب آنچه پیش فرستادید از خیرات در روزگار گذشته و اما هر که دهند او را
كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم اوت كتابيه ولم ادر
نامه او بدست چپ او پس گوید ای کاشکی من ندادی مرا نامه من بسبب کثرت سیئات
ما حسابيه يا ليتها كانت القاضية ما اغنى عني
چیست حساب من ای کاش این حالت بودی موته که قاطع حیوة است باز نداشت از من
ماليه هلك عني سلطانيه خذوه فغلوه ثم الجحيم
مال من ضایع شد از من تسلط من بر مردم گویند ای خزنه بگیرید او را پس دستش بگردن
صلوه ثم في سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فاسلكوه
در آریدش پس در زنجیری که طول آن هفتاد ارش بود پس در آرید او را
انه كان لا يؤمن بالله العظيم ولا يحض على
بدرستی که او بود که ایمان نمی آورد بخدای بزرگوار و تحریص نمیکرد مردم را بر
طعام المسكين فليس له اليوم ههنا حميم ولا
طعام دادن بیچاره پس نیست مر او را امروز در این جای خویشی مشفق و نه
طعام الا من غسلين لا ياكله الا الخاطئون
هیچ خورش مگر از غساله تن دوزخیان نخورد آنرا مگر خاطیان یا کفار
فلا اقسم بما تبصرون وما لا تبصرون انه لقول
پس سوگند میخورم بآنچه می بینید از عالم اشباح و آنچه نمی بینید از عالم ارواح بدرستی که این قرآن

رسول كريم ۝ وما هو بقول شاعر قليلا ما تؤمنون ۝
پیغمبری باکرامت است که بطریق و نیست آن گفتار شعر گویی اندکی ایمان می آرید

ولا بقول كاهن قليلا ما تذكرون ۝ تنزيل من رب
ونه گفتار اختر گویی اندکی پند میگیرید فرو فرستاده است از پروردگار

العالمين ۝ ولو تقول علينا بعض الاقاويل ۝ لاخذنا
جهانیان واگر افترا کردی محمد برما بعضی گفتارها را هر آینه گرفتمی

منه باليمين ۝ ثم لقطعنا منه الوتين ۝ فما منكم من
ازو دست راست او پس بریدیمی ازو رگ دل را پس نبودی از شما هیچ

احد عنه حاجزين ۝ وانه لتذكرة للمتقين ۝ وانا
کس از آن قبیل که از رسول منع کنندگان باشند و بدرستی که این قرآن هر آینه موعظتی است برای پرهیزکاران

لنعلم ان منكم مكذبين ۝ وانه لحسرة على الكافرين ۝ و
میدانیم که از شما اند جمعی تکذیب کنندگان و بدرستی که این قرآن سبب حسرتی است بر کافران در قیامت

انه لحق اليقين ۝ فسبح باسم ربك العظيم ۝
بدرستی که او هر آینه او محض یقین است پس بپاکی یاد کن نام پروردگار تو بزرگ

سورة المعارج مكية اربع واربعون

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

سال سائل بعذاب واقع ۝ للكافرين ليس له دافع ۝
خواست خواهنده از مستعجلان عذاب عذابی را نازل برای کافران نیست مر آن عذاب را دفع کننده

من الله ذي المعارج ۝ تعرج الملائكة والروح اليه
از قبل خدای خداوند موضع عروج ملایکه صعود میکنند فرشتگان و جبرئیل سوی عرش

في يوم كان مقداره خمسين الف سنة ۝ فاصبر
در روزی که هست اندازه آن پنجاه هزار سال پس صبر کن

صبرا جميلا ۝ انهم يرونه بعيدا ونراه قريبا ۝ يوم
صبری نیکوئی جزع و شکایت بدرستی که ایشان می بینند آن عذاب قیامت را دور و می بینیم ما آنرا نزدیک یاد کن

تكون السماء كالمهل ۝ وتكون الجبال كالعهن ۝
که باشد آسمان چون مس گداخته و باشد کوهها چون پشم رنگین

ولا يسئل حميم حميما ۝ يبصرونهم يود المجرم لو يفتدي
و نه پرسد هیچ خویشی از حال خویشی نموده شوند بایشان دوست دارد مرد گناهکار که فدا دهد

من عذاب يومئذ ببنيه ۝ وصاحبته واخيه ۝
از عذاب آن روز پسران خود را و زن خود را و برادر خود را

وفصيلته التي تؤويه ۝ ومن في الارض جميعا ثم ينجيه ۝
و اهل قبیله خود را که جای دادندی او را و هر که در زمین اند از ثقلین یا همه خلایق پس خلاص دادی او را

جهت صلح بوقت جنگ صد و هشت بار بخواند

نصف الحزب

كَلَّا إِنَّهَا لَظَىٰ نَزَّاعَةً لِلشَّوَىٰ تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَ
آن فدا نچنانست بدرستی که آن آتشی است زبانه زن برکشنده مر اعضا و اطراف را یا پوست سر را مر اعضا را میخواند آنرا
تَوَلَّىٰ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا
اعراض کرده از ایمان و گرد آورده مال را پس در وعا نهاده بدرستی که آدمی آفریده شد با هلع و تفسیر هلع آنکه
إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا
چون رسد بدو بدی از فقر و مرض جزع کننده بود و چون رسد بدو مال وسعت و نیکویی مبالغه کند در امساک و منع
إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ وَ
مگر نماز گزاران آنان که ایشان بر نماز خویش مواظبت نماینده اند و
الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ
آنان که در مالهای ایشانست حقی دانسته چون زکوة و صدقات مر خواهنده و بی روزی را
وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ
و آنان که باور میدارند روز جزا و حساب را و آنان که ایشان از
عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ
عذاب پروردگار ایشان ترسنده اند بدرستی که عذاب پروردگار ایشان نه آنست
مَأْمُونٍ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا
که از آن ایمن توان بود و آنان که ایشان مر عورتهای خویش را نگاه دارنده اند مگر
عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ
بر زنان حلال خویش یا آن که مالک ایشان شد دستهای ایشان که ایشان سزای ملامت نه اند

فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ
پس هر که جوید چیزی دیگر جز از آن که گفته شد پس ایشان ایشانند از حد فرمان گذرندگان
وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ وَ
و ایشان که ایشان مر امانتهای ایشان و پیمان ایشان کوشندگانند و
الَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ
آنان که ایشان با نواع گواهی خویش ایستادگی نماینده اند و آنان که ایشان بر
صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ
نماز خویش رعایت شرایط نمایندگانند ایشان که اهل این صفاتند در بوستانهایی اند گرامی داشته شده
فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ عَنِ الْيَمِينِ وَ
پس چیست حال آنانکه که کافر شدند سوی تو و نزدیک تو تیز نگرنده اند از جانب راست و
عَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ
از جانب چپ حال آنکه جماعت متفرق اند ای طمع میدارند هر مردی از ایشان که در آرند شان
جَنَّةَ نَعِيمٍ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ فَلَا
در بهشت ناز و نعمت همچنانست بدرستی که ما آفریدیم ایشان را از آنچه میدانند یعنی نطفه حقیر پس
أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ
سوگند میخورم به پروردگار مشرقهای کواکب و مغربهای آن که ما هر آینه توانائیم
عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ فَذَرْهُمْ
بر آنکه عوض آریم بهتر از ایشان و نه ایم ما مغلوب و بی قدرت پس رها کن ایشان را

يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ
تا شروع نمایند در باطل و بازی کنند تا که رسند بروز خود که وعده میدهند شان
يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَى
روزی که بیرون آیند از گورها شتابان گویی ایشان سوی آنچه
نُصُبٍ يُوفِضُونَ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ
نصیب کرده اند برای عبادت از اصنام و حجاره می شتابند حال آنکه ذلیل است چشمهای ایشان
ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ
خواری آن روز است روزی که بودند که وعده داده میشدند

سورة نوح عليه السلام مكية ثمان وعشرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ
بدرستی که ما فرستادیم نوح را سوی امت او و گفتیم که بیم نمای قوم خود را از آن پیش که
أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ
آید بدیشان عذاب دردناک طوفان گفت نوح ای گروه من بدرستی که من مر شما را بیم نماینده ام

به نیت هلاک دشمن هزار بار بخواند

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ
که بپرستید خدای را و بترسید از مخالفت او و فرمان برید مرا تا بیامرزد خدای شما را
ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا
گناهان شما و تاخیر کند در عمر شما تا وقتی معلوم که انقضاء اجل طبیعی بود بدرستی که وقت تعیین خدای
جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ
بیاید تاخیر کرده نشود اگر هستید که بدانید گفت نوح ای پروردگار من بدرستی که من خوانده ام
قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا
گروه خود را بشب و روز یعنی دایم پس نیفزود ایشان را خواندن من مگر گریختن از حق
وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ
و بدرستی که من هرگاه که خوانده ام ایشان را تا بیامرزی تو ایشان را انگشتان خویش را
فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا
در گوشهای خود تا سخن من نشنوند و به سر در کشیدند جامهای خویش را تا مرا نبینند و مداومت
اسْتِكْبَارًا ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ
تکبر نمودنی پس بدرستی که من خواندم ایشان را بآشکارا پس بدرستی که من ظاهر گردانیدم دعوت را
لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا
برای ایشان و نهان کردم برای ایشان نهان کردنی پس گفتم ایشان را طلب آمرزش کنید بتوبه از معاصی
رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ
از پروردگار خویش بدرستی که اوست آمرزنده گناهکاران تا فرستد ابر را بر شما

مِدْرَارًا ۝ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ
حال آنکه ریزان بود و مدد دهد شما را بخواستها و پسران و پدید آرد برای شما
جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ۝ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ
بوستانها و پدید آرد برای شما جویها را چیست شما را که امید ندارید از بهر خدا
وَقَارًا ۝ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ۝ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ
تعظیمی که نماید شما را بجهت ایمان و بحقیقت آفرید شما را بارها نطفه پس علقه تا تمام خلقت ای ندانستید که
خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ۝ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ
آفرید خدای هفت آسمانها را بر زبر یکدیگر و گردانید ماه را در موضع خود از آسمانها یعنی
نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ۝ وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ
روشنی و گردانید آفتاب را چون چراغی و خدای رویانید شما را از زمین مانند
نَبَاتًا ۝ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ۝ وَاللَّهُ
نبات که روید پس باز میگرداند شما را در آن زمین و بیرون می آورد شما را بیرون آوردنی و خدای
جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ۝ لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا
گردانید برای شما زمین را مانند گستردنی تا سپرید از آن راههای
فِجَاجًا ۝ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ
فراخ را گفت نوح ای پروردگار من بدرستی که ایشان نافرمانی نمودند مرا بعوض آنکه گفتم اطیعون
يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ۝ وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا
نیفزود ایشان را مال ایشان و فرزند ایشان مگر خسران در آخرت و مکر کردند آن متبوعان در دین با غوا مکری

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا
و گفتند رؤسا اتباع را که ترک مکنید خدایان خود را و ترک مکنید پرستیدن این بتان بیچاره را
وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ۝ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا
خاصه و بحقیقت گمراه گردانیدند بسیاری خلق را
وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ۝ مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا
و گفت میفزای مشرکان را مگر گمراهی از طریق جنت از بهر آن گناه ایشان که بر شمردیم غرق گردانیدند
فَأُدْخِلُوا نَارًا ۝ فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا
پس در آوردند شان در آتش پس نیافتند مر ایشان را از غیر خدای هیچ یارانی که عذاب از ایشان
وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا
و گفت نوح ای پروردگار من مگذار بر روی زمین از کافران هیچ گردنده هیچ
إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا
بدرستی که تو اگر بگذاری ایشان را گمراه کنند بندگان مخلص ترا و نزایند مگر
فَاجِرًا كَفَّارًا ۝ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ
بی سامان کار ناشناس را ای پروردگار من بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و آنکس را
دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
که در آید در خانه من حال آنکه مؤمن بود و مردان مؤمن و زنان با ایمان را
وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ۝
و نیفزای مشرکان را مگر هلاک

نصف

سورة الجن مكية ثمان وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اوحي الي انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا
قرانا عجبا ۝ يهدي الى الرشد فامنا به ولن نشرك
بربنا احدا ۝ وانه تعالى جد ربنا ما اتخذ صاحبة
ولا ولدا ۝ وانه كان يقول سفيهنا على الله
شططا ۝ وانا ظننا ان لن تقول الانس والجن على
الله كذبا ۝ وانه كان رجال من الانس يعوذون

برجال من الجن فزادوهم رهقا ۝ وانهم ظنوا كما ظننتم
ان لن يبعث الله احدا ۝ وانا لمسنا السماء فوجدناها ملئت
حرسا شديدا وشهبا ۝ وانا كنا نقعد منها مقاعد
للسمع فمن يستمع الان يجد له شهابا رصدا ۝ وانا لا ندري
اشر اريد بمن في الارض ام اراد بهم ربهم رشدا ۝
وانا منا الصالحون ومنا دون ذلك كنا طرائق قددا ۝
وانا ظننا ان لن نعجز الله في الارض ولن نعجزه هربا ۝
وانا لما سمعنا الهدى امنا به فمن يؤمن بربه فلا
يخاف بخسا ولا رهقا ۝ وانا منا المسلمون ومنا

الْقَاسِطُونَ ط فَمَنْ اَسْلَمَ فَاُولٰٓئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ۝ وَاَمَّا

جور کنندگان پس هر که اسلام آورد و گردن نهد دین خدا را پس آنان قصد کردند طریق صواب را و اما

الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ۝ وَاَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى

جور کنندگان پس هستند برای دوزخ هیزم ۝ و وحی فرستاده بمن که اگر ثابت باشند جن یا هم

الطَّرِيقَةِ لَاَسْقَيْنٰهُمْ مَّآءً غَدَقًا ۝ لِّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ط وَمَنْ يُّعْرِضْ

طریق اسلام هر آینه آب دهیم ایشان را بسیار تا بیازمائیم ایشان را در آن و هر که

عَنْ ذِكْرِ رَبِّهٖ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۝ وَاَنَّ الْمَسٰجِدَ

اعراض کند از یاد پروردگار خود درآورد او را در عذابی بسیار دشوار ۝ و آنکه مسجدها یعنی مواضع عبادت از برای

لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوْا مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا ۝ وَاَنَّهٗ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللّٰهِ يَدْعُوْهُ

خدا است پس مخوانید با خدای هیچ کس را ۝ و بدرستی که چون برخواست بندهٔ خدا محمد صلی

كَادُوْا يَكُوْنُوْنَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۝ قُلْ اِنَّمَآ اَدْعُوْا رَبِّيْ وَلَآ اُشْرِكُ

خواستند جن که باشند بر او متراکم برای حرص شنیدن قرآن ۝ بگوی بدرستی که من میپرستم پروردگار خود را و انباز

بِهٖٓ اَحَدًا ۝ قُلْ اِنِّيْ لَآ اَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَّلَا رَشَدًا ۝ قُلْ اِنِّيْ

باو هیچ یک را ۝ بگوی بدرستی که من مالک نیستم برای شما هیچ گزندی و نه نفع چه ضرر و نافع حقیقی

لَنْ يُّجِيْرَنِيْ مِنَ اللّٰهِ اَحَدٌ ۙ وَّلَنْ اَجِدَ مِنْ دُوْنِهٖ مُلْتَحَدًا ۝ اِلَّا

هرگز نرساند مرا از عذاب خدای هیچ کس و هرگز نیابم از غیر او پناه جایی و ملاذی مگر

بَلٰغًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِسٰلٰتِهٖ ط وَمَنْ يَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَاِنَّ لَهٗ نَارَ جَهَنَّمَ

از جانب خدای و گزاردن پیامهای او و هر که نافرمانی خدا و پیغمبر او را پس بدرستی که مر او راست آتش دوزخ

خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ط حَتّٰٓى اِذَا رَاَوْا مَا يُوْعَدُوْنَ فَسَيَعْلَمُوْنَ

جاویدان باشند در آن همیشه ۝ تا چون ببینند آنچه وعده داده میشوند در آن از روز بدر آمدن که وعده میدهند شان پس زود

مَنْ اَضْعَفُ نَاصِرًا وَّاَقَلُّ عَدَدًا ۝ قُلْ اِنْ اَدْرِيْٓ اَقَرِيْبٌ مَّا

که کیست ضعیف تر یاری دهنده و کمتر شمار بگوی نمیدانم که آیا نزدیک است آنچه

تُوْعَدُوْنَ اَمْ يَجْعَلُ لَهٗ رَبِّيْٓ اَمَدًا ۝ عٰلِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلٰى

وعده میدهند شما را یا نه گرداند مر او را پروردگار من نهایتی دور او دانای نهانیست پس مطلع نمیگرداند بر

غَيْبِهٖٓ اَحَدًا ۝ اِلَّا مَنِ ارْتَضٰى مِنْ رَّسُوْلٍ فَاِنَّهٗ يَسْلُكُ

نهانی خود هیچ یک را ۝ مگر آنرا که اختیار کرده از پیغمبری که او را مطلع گرداند طریق وحی پس بدرستی که او یعنی خدای

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهٖ رَصَدًا ۝ لِّيَعْلَمَ اَنْ قَدْ اَبْلَغُوْا

از جانب پیش او و از عقب او نگهبانان که نگاهشان میدارند تا بداند او را که بدرستی رسانیدند

رِسٰلٰتِ رَبِّهِمْ وَاَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَاَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

پیامهای پروردگار خود را و احاطه کرده است بآنچه نزد ایشان است و دانست بآنچه نزد ایشان است و ضبط و عدد کرده هر چیزی را از روی شمار

سورة المزمل مكية عشرة وفيها آية بلا خلاف

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِّصْفَهُ أَوِ انقُصْ مِنْهُ

قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا إِنَّا سَنُلْقِي

عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَ

أَقْوَمُ قِيلًا إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا وَاذْكُرِ

اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا رَّبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ

اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَ

مَهِّلْهُمْ قَلِيلًا إِنَّ لَدَيْنَا أَنكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ

وَعَذَابًا أَلِيمًا يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ

نصف الحزب

الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا

عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ

الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ

يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا السَّمَاءُ مُنفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ

مَفْعُولًا إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَ

ثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَ

النَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ

الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ

فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي
در زمین چونید رنجی از عطای خدایی و دیگران که کارزار کنند در
سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَآتُوا
راه دین خدای پس گزارید آنچه دست دهد از نماز شب و محافظت نمایید بر صلوة پنجگانه
الزَّكَوٰةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ
حق خدای از مال و معامله نمایید با خدای بصدقه تطوع وام دادنی نیکو و آنچه پیش فرستید برای تنهایی
مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا
از نیکی یابید ثواب نزد خدای آن بهترست و بزرگتر بطریق اجرت و آمرزش خواهید
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
از خدای بدرستی که خدای آمرزگارست مهربان

سورة المدثر مكية ست وخمسون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
و جامه خود را پاک گردان از نجاسات
يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ
ای بخود در پیچیده لباس فرمانی برخیز پس بیم کن امت را و پروردگار خود را مخصوص گردان بوصف کبریا گردان

جهة برهنگی را صد و هشت بار بخواند

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ فَإِذَا
و از اسباب عذاب دوری کن و عطا مده حال آنکه طلب زیاده کنی و برای پروردگار خود شکیبایی نمای بر تحمل اعبا
نُقِرَ فِي النَّاقُورِ فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ
دمیده شود در صور اول بار پس آن نفخ و رسیدن روز قیامت روزی دشوارست بر کافران
غَيْرُ يَسِيرٍ ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا
نه آسانست بگذار مرا با آنکه آفریدم او را وحید در شرارة یا تنها از مال و منال و پدید کردم برای
مَمْدُودًا وَبَنِينَ شُهُودًا وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ثُمَّ يَطْمَعُ
تمام از زرع و تجارت و پسران اهل حضور در مجالس و مبسوط گردانیدم برای او بسطی در اسباب ریاست
أَنْ أَزِيدَ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا سَأُرْهِقُهُ
که زیاده کنم او را مال و ولد چنانست بدرستی که او هست مر دلایل ما را معاند زود بود که تکلیف نمایم او را
صَعُودًا إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ
مشقت تمام بدرستی که او فکر کرد و ترتیب کرد در نفس خود که در حق محمد و قرآن چگوید پس لعنت بر او باد چگونه
قَدَّرَ ثُمَّ نَظَرَ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ فَقَالَ
تقدیر کرد پس نگرست در کار قرآن یا محمد پس ترش رویی نمود و زیاده کرد عبوس را پس اعراض کرد و تکبر نمود پس گفت
إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ سَأُصْلِيهِ
نیست این قرآن مگر جادویی مشغول یا مختار بر جمیع انواع سحر نیست این گفتار مگر گفتار آدمیان زود بود که در آرم او را
سَقَرَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ لَوَّاحَةٌ
در درکه از دوزخ و چه دانی تو که چیست آن درکه رحمت نماید و ابقا نکند و دست باز ندارد از هیچ

لِلْبَشَرِ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ
مر ظاهر اعضا را موکل است بران نوزده زبانیه ونگردانیدیم زبانیه دوزخ را
إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا
مگر فرشتگان ونگردانیدیم شمار ایشان را مگر سبب امتحان مر آنانرا که کافر شدند
لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا
تا یقین دانند آنان که داده اند ایشانرا توریت وانجیل وزیاده شوند آنانرا که ایمان آوردند
إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ
بتصدیق ونتایج آن وشک نیاورند آنان که داده اند ایشانرا کتاب ومؤمنان
وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ
وتا گویند آنان که در دلهای ایشانست نفاق ودیگر کافران چه چیز خواست
اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ
خدای به این عدد داستان غریب همچنان که گمراه گردانید ایشانرا گمراه گرداند خدای آنرا که خواهد و
يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا
راه نماید آنرا که خواهد ونداند عدد خلایق پروردگار تو مگر او ونیست
هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ كَلَّا وَالْقَمَرِ وَاللَّيْلِ إِذْ
آن سقر مگر سبب موعظتی مر آدمیانرا حقا وبحق ماه وبحق شب چون
أَدْبَرَ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ نَذِيرًا
غایب شود وبحق صبح چون روشن شود که بدرستی که آن سقر یکی از دواهی عظام است به

پیمبر کردن

لِلْبَشَرِ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا
مر خلایق مر آنکس راست که خواهد از شما که تقدم نماید بر اسباب دخول جنت یا تاخر نماید هر تنی بآنچه
كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ
اندوخته گروست یعنی بعمل خود گرفتار باشد مگر اهل دست راست که ایشان در بوستانهایی باشند
عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ قَالُوا لَمْ نَكُ
از گناهکاران از حال ایشان که چه در آورد شما را درین درکه دوزخ گویند نبودیم
مِنَ الْمُصَلِّينَ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ
از نماز گزاران ونبودیم که طعام دهیم بیچاره را وبودیم شروع نمودیم در باطل با
الْخَائِضِينَ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّى أَتَانَ الْيَقِينُ
اهل خوض وبودیم که باور نمیداشتیم روز قیامت را تا که آمد بما موت
فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ
پس سود ندارد ایشانرا خواهش شفیعان از اولیاء ملایکه پس چیست ایشانرا حال آنکه از قرآن که سبب
مُعْرِضِينَ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ
اعراض کنندگان گویی ایشان خران وحشی اند نیک رمیده که گریخته باشند از شیر یا از
بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنَشَّرَةً كَلَّا بَلْ لَا
نه که میخواهند هر کسی از ایشان که دهند او را کتابهای باز کرده نه چنانست که میخواهند نه که می
يَخَافُونَ الْآخِرَةَ كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ
ترسند از عقاب آن جهان حقا بدرستی که این قرآن موعظتی است مر خلق را پس هر که خواهد

تیراندازان

پند گیرد از آن

الحزب

وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

ونخوانند مگر که خواهد خدای او سزاوار آنست که از وی پرسند و سزاوار آنست که بیامرزد

سورة القيمة مكية اربعون آية بلا خلاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ

سوگند یاد میکنم بروز قیامت و سوگند یاد میکنم بآن نفس ملامت کننده خود بر تقصیرات

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ

ای پندارد آدمی یعنی کافر که هرگز گرد نیاریم استخوانهای او را برای گرد آوریم حال آنکه قادریم بر آنکه

نُسَوِّيَ بَنَانَهُ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ يَسْأَلُ أَيَّانَ

ترکیب کنیم دوم بار اصابع او را که عظامش اصغرست نه که میخواهد آدمی تا بی سامان باشد و فجور کند

يَوْمُ الْقِيَامَةِ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ وَخَسَفَ الْقَمَرُ وَجُمِعَ

روز قیامت می پرسد پس چون متحیر شود چشم بینا و بی نور شود ماه و گرد آرند

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ كَلَّا

بهم آفتاب و ماه را در طلوع از جانب مغرب یا در بی نوری گوید آدمی در آن روز که کجاست

لَا وَزَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ يُنَبَّأُ الْإِنْسَانُ

که هیچ پناه جایی نیست سوی حکم پروردگار تست نه غیر در آن روز قرار جای خلایق آگاهانیده شوند آدمی در آن

يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ

روز بآنچه پیش فرستاده از خیر و شر و آنچه باز پس گذاشته نه که آدمی بر نفس خود بیناست به بینائی و حجتی

وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ

و اگر چه پیش آرد اصناف اعتذارات خود را حرکت مده ای محمد بتلاوة قرآن زبان خود را تا شتاب نمایی بقرآن پیش

عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ

بر ماست جمع آوردن قرآن در صدر تو و اثبات قراءة او بر لسان تو پس چون خوانیم آنرا بتو بقراءت جبرئیل پس متابعت نمای

عَلَيْنَا بَيَانَهُ كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذَرُونَ

بر ماست فهم گردانیدن معانی آن مشکلات حقانه که دوست میدارید شما این جهان را و میگذارید

الْآخِرَةَ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ وَ

آن جهان را رویهای است در آن روز با بهجت و طراوت سوی پروردگار خود نگران

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ كَلَّا

رویهایی در آن روز با عبوس تمام گمان می برد که کرده میشود بآن رویها داهیه عظیمه که شکننده قفار

إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ

چون رسد نفس بچنبرهای گردنها و گفته شود کیست فسون کننده و گمان برد که آن حال موجب مفارقت است

وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ

و بهم برپیچیده شود از شدت نزع ساق آن شخص بدیگر ساق سوی پروردگار تست در آن روز راندن آن شخص

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلّٰى وَلٰكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ثُمَّ ذَهَبَ اِلٰى
پس تصدیق نکرد آن آدمی رسول او را نماز نگزارد ولیکن تکذیب خود و اعراض کرد از طاعت پس رفت سوی
اَهْلِهٖ يَتَمَطّٰى اَوْلٰى لَكَ فَاَوْلٰى ثُمَّ اَوْلٰى لَكَ فَاَوْلٰى اَيَحْسَبُ
کسان خود می خرامید از کبر و عجب وای بر تو ای شخص در دنیا پس وای بر تو در آخرت پس وای بر تو پس وای ای می پندارد
الْاِنْسَانُ اَنْ يُّتْرَكَ سُدًى اَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّنْ مَّنِيٍّ يُّمْنٰى
آدمی که گذارند او را مهمل و معطل ای بود آب مرد از صلبه که ریخته میشود در رحم
ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوّٰى فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ
پس بود خون بسته پس آفرید او را بتدریج رحم در و پس مناسب گردانید اعضا او را پس پدید آورد او را دو صنف از مرد
وَالْاُنْثٰى اَلَيْسَ ذٰلِكَ بِقٰدِرٍ عَلٰٓى اَنْ يُّحْيِۦَ الْمَوْتٰى
و ماده یعنی ای نیست آن خدای توانا بر آنکه زنده گرداند مرد گان را

سُوْرَةُ الدَّهْرِ مَدَنِيَّةٌ اِحْدٰى وَثَلٰثُوْنَ اٰيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام پروردگار بخشاینده مهربان

هَلْ اَتٰى عَلَى الْاِنْسَانِ حِيْنٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْـًٔا مَّذْكُوْرًا
بحقیقت آمد بر آدمی هنگامی از روزگار که نبود چیزی داشته و شمرده

جهة یا شرشوب
هشتاد بار بخوانند

اِنَّا خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ اَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيْهِ فَجَعَلْنٰهُ
بدرستی که ما آفریدیم آدمی را از آب مرد آمیخته با آب زن حال آنکه خواهنده بودیم امتحان او را پس
سَمِيْعًا بَصِيْرًا اِنَّا هَدَيْنٰهُ السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا وَّاِمَّا
شنوا و بینا بدرستی که ما راه نمودیم او را راه هدی و ضلالت یا شکر کننده بود و یا
كَفُوْرًا اِنَّا اَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ سَلٰسِلَا۠ وَاَغْلٰلًا وَّ
جاحد انعم بدرستی که ما مهیا کرده ایم برای کافران زنجیرها و
سَعِيْرًا اِنَّ الْاَبْرَارَ يَشْرَبُوْنَ مِنْ كَاْسٍ كَانَ
آتش افروخته بدرستی که نیکوکاران آشامند از خمری که
مِزَاجُهَا كَافُوْرًا عَيْنًا يَّشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللّٰهِ يُفَجِّرُوْنَهَا
آمیزش آن آب کافور چشمه که آشامند ازو بندگان خدای روان گردانند آن چشمه
تَفْجِيْرًا يُوْفُوْنَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُوْنَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهٗ
روان کردنی وفا میکنند بآنچه بر خود واجب کرده باشند از طاعات و میترسند از آمدن روزی که هست مکروه
مُسْتَطِيْرًا وَيُطْعِمُوْنَ الطَّعَامَ عَلٰى حُبِّهٖ مِسْكِيْنًا وَّ
آن عام و منتشر و میخورانند طعام را بر حالت احتیاج بدان بیچارگان را و
يَتِيْمًا وَّاَسِيْرًا اِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا نُرِيْدُ مِنْكُمْ جَزَآءً
یتیمان را و اسیران را بندیان را و دست گیر کرده را میگویند بدرستی که طعام میدهیم شما را برای رضای خدای و طلب ثواب
وَّلَا شُكُوْرًا اِنَّا نَخَافُ مِنْ رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوْسًا قَمْطَرِيْرًا
و نه سپاسی بدرستی که ما می ترسیم از پروردگار خود روزی ترش روی باسختی تمام

بالتون حق وقفة بالالف وقف علیه ج
تاء ة بالالف وتاء ة بالالف وتاء ة بغیر الالف

از دنیا نرا خود

وبخواهیم از شما
هیچ پاداشی

فوقهم الله شر ذلك اليوم ولقهم نضرة وسرورا
پس نگاه دارد ایشانرا خدای از مکروه آن روز و پیش آرد ایشانرا تازگی روی و شادی دل
وجزاهم بما صبروا جنة وحريرا متكئين فيها على
و پاداش دهد ایشانرا بآنچه صبر کردند بر طاعت خدای بهشت و پوشیدن ابریشم حال آنکه تکیه زده باشند در جنت
الارائك لا يرون فيها شمسا ولا زمهريرا ودانية
تختها نه بینند در آن جنت هیچ تابش آفتاب و نه سختی سرما و نزدیک بود
عليهم ظلالها وذللت قطوفها تذليلا ويطاف
برایشان سایهای درختهای آن و آسان گردانیده باشند چیدن میوهای آن آسان گردانیدنی و گردانند
عليهم بآنية من فضة واكواب كانت قواريرا
برایشان جامی آبی از سیم نقره و کوزهایی که باشد آن آبگینها آبگینها با الف وقف صفی
قواريرا من فضة قدروها تقديرا ويسقون فيها
آبگینها بغیر الف وقف صفی از سیم که اندازه کرده باشند آنرا اندازه کردنی و بخورانند ایشانرا در آن جنت
كاسا كان مزاجها زنجبيلا عينا فيها تسمى سلسبيلا ويطوف
از قدحی که باشد آمیزش آن زنجبیل چشمه در آنجا که خوانند آنرا سلسبیل و همی گردند
عليهم ولدان مخلدون اذا رأيتهم حسبتهم لؤلؤا منثورا
بر آن ابرار پسرانی پیرایه نهاده مؤبد دایم بر آن حال چون بینی ایشانرا پنداری ایشانرا که مرواریدی اند پراکنده
واذا رأيت ثم رأيت نعيما وملكا كبيرا عاليهم ثياب
و چون بینی تو آنجا یعنی بهشت بینی نعمتی و پادشاهی بزرگ زیر ایشان پوشیده جامهای

نصف الحزب

سندس خضر واستبرق وحلوا اساور من فضة وسقاهم
دیبای نیکو سبز و دیبای ستبر و پیرایه نهند ایشانرا دست او زنجها از سیم و بخوراند ایشانرا
ربهم شرابا طهورا ان هذا كان لكم جزاء وكان
پروردگار ایشان شرابی پاک پاک کننده بدرستی که این مذکور یعنی بهشت و ولدان و نعیم هست مر شما را پاداشی و هست
سعيكم مشكورا انا نحن نزلنا عليك القرآن تنزيلا
پاداش شما و رنج شما در دنیا پسندیده و سپاس داشته بدرستی که ماییم که فرو فرستادیم بر تو قرآن را فرو فرستادنی
فاصبر لحكم ربك ولا تطع منهم آثما او كفورا
پس شکیبایی نمای مر حکم پروردگار تو و فرمان مبر از ایشان بزه کاری را یا ناسپاسی را
واذكر اسم ربك بكرة واصيلا ومن الليل فاسجد له
و یاد کن نام پروردگار تو بامدادان و شبانگاهان و در بعضی از شب سجده کن او را
وسبحه ليلا طويلا ان هؤلاء يحبون العاجلة و
و نماز کن او را در شب دراز بدرستی که اینان دوست میدارند این جهان را و
يذرون وراءهم يوما ثقيلا نحن خلقناهم وشددنا
همی دست میدارند از پس خویش در روزی گران سخت ما بیافریدیم ایشانرا و سخت کردیم
اسرهم واذا شئنا بدلنا امثالهم تبديلا ان هذه
بند ایشانرا و چون خواهیم بدل کنیم همچون ایشان بدل کردنی بدرستی که این آیات
تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا وما تشاؤن
یا این سوره موعظتی و پندیست پس هر که خواهد فرا گیرد سوی پروردگار خویش راهی بطاعت و نخواهند

الا ان يشاء الله ان الله كان عليما حكيما يدخل من
مگر انکه خواهد خدای بدرستی که خدای ست دانا درست کار درآرد آنرا
يشاء في رحمته والظالمين اعد لهم عذابا اليما
که خواهد در بهشت خود وستمکاران ساخته است برای ایشان عذابی دردناک

سورة والمرسلات مكية خمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

والمرسلات عرفا فالعاصفات عصفا والناشرات
بخی وستمکاران فرستاده به تبلیغ او امر یا بخی نادها حال انکه متتابع اند پس سوگند
نشرا فالفارقات فرقا فالملقيات ذكرا عذرا
نشر کردنی پس بخی ملایکه فارق میان حق و باطل یا کسی بخی ملایکه که بر رسانند بر رسل برای عذر محقان یا بیم
او نذرا انما توعدون لواقع فاذا النجوم طمست
کردن مبطلان که بدرستی که آنچه وعده میدهند شما را الزامدن قیامت هر آینده بودنی است پس چون ستارگان بی نور
واذا السماء فرجت واذا الجبال نسفت واذا
چون آسمان شکافته یا پاره شود وچون کوهها متفرق الاجزا شوند وچون

الرسل اقتت لاي يوم اجلت ليوم الفصل وما
پیغمبران را جمع کنند در وقت شهادت برایم برای کدام روز تعیین وقت کرده شده اند برای روز قضای حکومت
ادريك ما يوم الفصل ويل يومئذ للمكذبين الم
دانی تو کیچه روز است آن روز جدایی وداوری چه غایت وای دران روز مرانرا که تکذیب پیغامبر کردند یا تکذیب
نهلك الاولين ثم نتبعهم الاخرين كذلك نفعل
ای هلاک کردیم پیشینیان را چون قوم نوح وعاد پس از پی درآریم این باز پسینیان را که کفر ورزیده اند مثل آن هلاک
بالمجرمين ويل يومئذ للمكذبين الم نخلقكم من ماء
گنهکاران را وای دران روز مر تکذیب کنان را ای نه آفریدیم شما را از آبی
مهين فجعلناه في قرار مكين الى قدر معلوم فقدرنا
حقیر یعنی نطفه پس گردانیدیم آنرا در ارحام جایی استوار که رحم است تا مدتی معلوم یعنی دانسته از زمان
فنعم القادرون ويل يومئذ للمكذبين الم نجعل
پس یکو اندازه بدیدکردیم ما پس یکو اندازه بدیدکردیم ما وای دران روز مر تکذیب کنان را ای نکرد انیدیم
الارض كفاتا احياء وامواتا وجعلنا فيها رواسي
زمین را جمع آدمیان زندگان بر بسیط ومردگان در قبور وگردانیدیم در آن زمین کوههای
شامخات واسقيناكم ماء فراتا ويل يومئذ للمكذبين
بلند وآب دادیم شما را آبی خوش گوار وای دران روز مر تکذیب کنان را
انطلقوا الى ظل ذي ثلث شعب لا ظليل ولا يغني من
گویند بروید ای کفار سوی سایه دود دوزخ خداوند سه شعبه است نه بر راحت ونه از آتش باز دارد از

میان خلق قیچه
گردنده قیامت را
عقوبت دنیا
عص

الجزء الثلاثون

لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ۝

سورة النبا مكية اربع واربعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ۝ عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ ۝ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ۝
كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۝ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۝ أَلَمْ نَجْعَلِ
الْأَرْضَ مِهَادًا ۝ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ۝ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا
وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ۝ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ۝ وَجَعَلْنَا
النَّهَارَ مَعَاشًا ۝ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۝ وَجَعَلْنَا

للمكذبين فبأي حديث بعده يؤمنون

مر مکذبان را پس بگدام سخن پس از وآن ایمان می آرند

جهه در شمایل چشم
هر روز بعد از نماز
پیش آینه بخواند

زکوة دادن

وبدیده آوردیم

اللهب ۝ إنها ترمي بشرر كالقصر ۝ كأنه جمالت صفر ۝

شتران زرد موی

حرارت آتش بدرستی که آن آتش می افکند شررهای را که مقدار پانصد ذرع باشد در هوا هر یک چون کوشکهای عظیم و ارتفاع گویی آن

ويل يومئذ للمكذبين ۝ هذا يوم لا ينطقون ۝ ولا

این آن روز است که سخن نگویند از دهشت و حیرت

يؤذن لهم فيعتذرون ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ هذا يوم

دستوری ندهند ایشانرا در سخن تا عذر گویند این روز

الفصل جمعناكم والأولين ۝ فإن كان لكم كيد فكيدون ۝

جمع کنیم شما را و پیشینیان را پس اگر هست شما را حیله خلاص از عذاب

ويل يومئذ للمكذبين ۝ إن المتقين في ظلال وعيون ۝

بدرستی که پرهیزگاران در سایها باشند و در آبگیرها

وفواكه مما يشتهون ۝ كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم

و انواع میوها از آنچه آرزو خواهند گویندشان بخورید و بیاشامید گوارنده بسبب آنچه بودید

تعملون ۝ إنا كذلك نجزي المحسنين ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝

که میکردید از طاعات بدرستی که ما چنین پاداش دهیم نیکوکاران را

كلوا وتمتعوا قليلا إنكم مجرمون ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝

ای آنان که بزخارف دنیا مشغولید بخورید و متمتع گردید اندکی بدرستی که شما گناهکارانید وای در آن روز

وإذا قيل لهم اركعوا لا يركعون ۝ ويل يومئذ

و چون گویند مر ایشانرا تواضع نمایید معبود را تواضع نمیکنند وای در آن روز مر تکذیب کنندگان را

سِرَاجًا وَّهَّاجًا ۝ وَّاَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرٰتِ مَآءً ثَجَّاجًا ۝
چراغی باطروتی وحرارت یعنی آفتاب وفروغ شادوم از ابرها آبی بسیار روان رزان
لِّنُخْرِجَ بِهٖ حَبًّا وَّنَبَاتًا ۝ وَّجَنّٰتٍ اَلْفَافًا ۝ اِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ
برون آریم بواسطه آن دانه وگیاه که بعث آدمی راشاید وگیاهی که مواشی راشاید بوستانی با درختان بسیار بهم پیوسته گرورد
كَانَ مِيْقَاتًا ۝ يَّوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّوْرِ فَتَاْتُوْنَ اَفْوَاجًا ۝ وَّفُتِحَتِ
هست وقتی معین برای ثواب وعقاب روزی که دمند درصور دوم بار پس آیند خلایق ازگورها بسیار گروه گروه
السَّمَآءُ فَكَانَتْ اَبْوَابًا ۝ وَّسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ۝
برای آمدن ملایکه آسمان پس باشد خداوند درها وبرانند کوهها را از روی زمین پس باشد مانند آبی که در بیابان
اِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ۝ لِّلطّٰغِيْنَ مَاٰبًا ۝ لّٰبِثِيْنَ فِيْهَآ
بدرستی که دوزخ هست طریق وگمرهی خلایق را بحبث مرطاغیان را جای بازگشتن معتمان در آن
اَحْقَابًا ۝ لَا يَذُوْقُوْنَ فِيْهَا بَرْدًا وَّلَا شَرَابًا ۝ اِلَّا حَمِيْمًا
روزگارها وسالیانا متتابی نچشند در آن هیچ نسیمی وهیچ آسامیدنی مگر آب نهایت گرم
وَّغَسَّاقًا ۝ جَزَآءً وِّفَاقًا ۝ اِنَّهُمْ كَانُوْا لَا يَرْجُوْنَ حِسَابًا ۝
وزرد آبی جزا دهند ایشان موافق کردار آیات ما بدرستی که ایشان نبودند که امید نمیدارند حساب اعمال را
وَّكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا كِذَّابًا ۝ وَكُلَّ شَيْءٍ اَحْصَيْنٰهُ كِتٰبًا ۝ فَذُوْقُوْا
وتکذیب نمودند دلایل وآیات ما را تکذیب نمودنی وهرچیزی را از اعمال ایشان نبشتیم وضبط کردیم
فَلَنْ نَّزِيْدَكُمْ اِلَّا عَذَابًا ۝ اِنَّ لِلْمُتَّقِيْنَ مَفَازًا ۝ حَدَآئِقَ وَ
بگذارید که ما نیفزاییم شمارا مگر عذاب بدرستی که مرپرهیزگاران را رستگاری است فیروزی باغستانها و

اَعْنَابًا ۝ وَّكَوَاعِبَ اَتْرَابًا ۝ وَّكَاْسًا دِهَاقًا ۝ لَا يَسْمَعُوْنَ
وزرها وزنان نارپستان همزاد یکدیگر وجامها از تسنیم ودرجنی وسلسبیل مالامال وپیاپی نشوند
فِيْهَا لَغْوًا وَّلَا كِذّٰبًا ۝ جَزَآءً مِّنْ رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابًا ۝
در آن هیچ سخن باطل ودروغی یاوه‌ای از پروردگار تو عطایی کافی وتمام
رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمٰنِ لَا يَمْلِكُوْنَ
پروردگار آسمانها وزمین وآنچه میان آن دو است خدای بخشاینده مالک نشوند هیچ یک از خلایق
مِنْهُ خِطَابًا ۝ يَوْمَ يَقُوْمُ الرُّوْحُ وَالْمَلٰٓئِكَةُ صَفًّا ۝ لَّا
از او خطابی هیچ سخن را در آن روز که برخیزد جبرئیل وفرشتگان وفرو نیایند حال آنکه مقابل یکدیگر سخن
يَتَكَلَّمُوْنَ اِلَّا مَنْ اَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ۝ ذٰلِكَ
نگویند مگر آنکه فرمان داده مر او را خدای بخشاینده وگوید سخن صواب وحق از آن
الْيَوْمُ الْحَقُّ ۚ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ مَاٰبًا ۝ اِنَّآ اَنْذَرْنٰكُمْ
روز هست که ثابت وحقست وهیچ آن پس هر که خواهد گیرد سوی ثواب پروردگار خود بازگشتی نزدیک
عَذَابًا قَرِيْبًا ۝ يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدٰهُ وَيَقُوْلُ الْكٰفِرُ
عذابی نزدیک که آن عذاب آخرت است یا قتل بدر روزی که چشم دارد مرء هری آنرا که پیش فرستاده دست او

سُوْرَةُ النّٰزِعٰتِ
مکیه وهی اربعون
یٰلَيْتَنِيْ
ای کاش من بودمی
كُنْتُ تُرٰبًا
خاک تا مانند ایشان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالنّٰزِعٰتِ غَرْقًا ۝ وَالنّٰشِطٰتِ نَشْطًا ۝ وَالسّٰبِحٰتِ سَبْحًا ۝
فَالسّٰبِقٰتِ سَبْقًا ۝ فَالْمُدَبِّرٰتِ أَمْرًا ۝ يَوْمَ تَرْجُفُ
الرّٰجِفَةُ ۝ تَتْبَعُهَا الرّٰدِفَةُ ۝ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ۝
أَبْصٰرُهَا خٰشِعَةٌ ۝ يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ۝
أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً ۝ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ۝
فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ۝ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ ۝ هَلْ أَتٰكَ
حَدِيثُ مُوسٰى ۝ إِذْ نَادٰهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۝
اذْهَبْ إِلٰى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغٰى ۝ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلٰى أَنْ تَزَكّٰى ۝

وَأَهْدِيَكَ إِلٰى رَبِّكَ فَتَخْشٰى ۝ فَأَرٰهُ الْآيَةَ الْكُبْرٰى ۝
فَكَذَّبَ وَعَصٰى ۝ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعٰى ۝ فَحَشَرَ فَنَادٰى ۝ فَقَالَ أَنَا
رَبُّكُمُ الْأَعْلٰى ۝ فَأَخَذَهُ اللّٰهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولٰى ۝
إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشٰى ۝ ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ
بَنٰاهَا ۝ رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوّٰاهَا ۝ وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحٰاهَا ۝
وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰاهَا ۝ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعٰاهَا ۝
وَالْجِبَالَ أَرْسٰاهَا ۝ مَتٰاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعٰامِكُمْ ۝ فَإِذَا جَاءَتِ
الطَّامَّةُ الْكُبْرٰى ۝ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسٰانُ مَا سَعٰى ۝ وَبُرِّزَتِ
الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرٰى ۝ فَأَمَّا مَنْ طَغٰى ۝ وَآثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۝ فَإِنَّ

الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۝ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ
دوزخ آن جای اوست وامّا هر که ترسید از ایستادن مقام نزد پروردگار خود و باز داشت
عَنِ الْهَوَىٰ ۝ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۝ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ
از متابعت آرزو پس بدرستی که بهشت آنست جای او می پرسند ترا از قیامت
أَيَّانَ مُرْسَاهَا ۝ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا ۝ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا
که کدام وقت خواهد بود وقت اثبات آن در چه کاری تو ای محمد از یاد کردن آن که علم آن نزد تو نیست منتهی
إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرُ مَنْ يَخْشَاهَا ۝ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا ۝
بدرستی که تو بیم نمایندهٔ آنی که ترسد ازان گویی که ایشان روزی که ببینند آنرا
لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا
در نگ نکردند مگر شبانگاهی یا چاشت

سورة عبس مكية وهي اثنتان واربعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ ۝ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ ۝ وَمَا يُدْرِيكَ
ترش روی شد و اعراض نمود برای آنکه آمد باو آن نابینا مروف با بن ام مکتوم و چه دانی تو

لَعَلَّهُ يَزَّكَّىٰ ۝ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَىٰ ۝ أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَىٰ ۝
مگر او پاک شود از گناهان یا پند گیرد پس بازآید او را آن پند گرفتن امّا آنکه توانگر شد از
فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّىٰ ۝ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ۝ وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ
پس تو مر او را متعرض میشوی بتوجه و اقبال و چه گرفت بر تو گر پاک نشود از گناه و امّا آنکه آمد ترا بتعجیل
يَسْعَىٰ ۝ وَهُوَ يَخْشَىٰ ۝ فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ ۝ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۝ فَمَنْ
ابتدام کرده از ترس خدای بس تو از و مشغول میشوی حقا که بدرستی که این آیات پند است
شَاءَ ذَكَرَهُ ۝ فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ ۝ مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ ۝ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۝
خواهد پند گیرد او را در آنچه است مکرم نزد خدای بلند قدر پاک از نجاست بدستهای نویسندگانی
كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝ قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ۝ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۝
با کرامت نیکان لعنت باد بر آدمی چه ناشکر است بر حق خدای از چه چیز آفرید او را
مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ۝ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ۝ ثُمَّ أَمَاتَهُ
از نطفه آفرید او را پس مستعد خواص انسانی گردانید او را پس طریق صلاح یافتن آسان گردانید او را پس
فَأَقْبَرَهُ ۝ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ۝ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ۝ فَلْيَنْظُرِ
پس نمود که او را در قبر نهند پس چون خواهد که بعث کند زنده گرداند او را پس نگذاشت که آدمی برانست آنرا
الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ ۝ أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۝
آدمی سوی طعام و خوردنی خود که بدرستی که ما ریزانیدیم آب باران از ابر بسیار ریختنی قطره
ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا ۝ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۝ وَعِنَبًا وَقَضْبًا
پس شگافتیم زمین را شگافتنی پس رویانیدیم در آن زمین دانه را و انگور را و اسپست

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَكُمْ

وزیتون را و خرما بن را و بوستانهایی با انبوهی اشجار و میوهای دیگر را و چراگاه را برای برخورداری

وَلِأَنْعَامِكُمْ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ

و مر چهارپایان شما را پس چون آید آن نفخه که گوشها از شدت و هول آن کر گردد در آن روز که گریزد مرد از

أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ

برادر خود و مادر خود و پدر خود و زن خود و پسران خود مر هر مردی راست

مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ

از ایشان در آن روز کاری که باز دارد او را از غیر آن رویهاییست در آن روز نورانی و تابان از اثر

ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا

طاعت خندان شادان بسبب کرامتی از خدای و رویهاییست در آن روز که بر آن بود غباری که بر زبر آن بود

قَتَرَةٌ أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ

غباری که بر زبر آن بود سوادی چون دود ایشان که اهل این حالند ایشان اند کافران بی سامان

سورة التكوير مكية تسع وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

دفع بلاها را وقت درماندگی بیست و یکبار بخواند

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَإِذَا

چون آفتاب بی نور گردانیده شود و چون ستارگان فرو ریخته شوند از آسمان و چون

الْجِبَالُ سُيِّرَتْ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ وَإِذَا الْوُحُوشُ

کوهها روان گردانیده شوند در هوا و چون شتران ده ماهه آبستن که نزد عرب عزیز بود مهمل گذاشته شوند و چون حیوانات بیابانی

حُشِرَتْ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ

برانگیخته شوند برای قصاص و چون دریاها خشک گردانیده شود و چون ارواح مقرون شوند با جساد

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ وَإِذَا

و چون دختران زنده بگور کرده پرسیده شوند که بچه گناه کشتند ایشان را و چون

الصُّحُفُ نُشِرَتْ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ وَإِذَا الْجَحِيمُ

نامهای اعمال باز کرده شود و چون آسمان باز برده شود از روی بهشت و چون دوزخ

سُعِّرَتْ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا

بغایت تافته شود و چون بهشت نزدیک گردانیده شود بداند در آن وقت هر تنی آنرا

أَحْضَرَتْ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ وَ

که حاضر گردانیده است از خیر و شر پس سوگند یاد میکنم بستارگان راجع شوند یعنی خمسه متحیره رونده

اللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ إِنَّهُ لَقَوْلُ

شب چون در آید یا برود و بحق صبح چون بدمد نسیم او بدرستی که قرآن گفتار

رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ مُطَاعٍ

پیام گزاریست با کرامت یعنی جبرئیل خداوند توانایی نزد خداوند عرش با حرمت و جاه بقرآن

الحزب

آنجا در حضرت

ثُمَّ اَمِينٍ ۝ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝ وَلَقَدْ رَاٰهُ بِالْاُفُقِ

الْمُبِينِ ۝ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۝ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ

شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝ فَاَيْنَ تَذْهَبُونَ ۝ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ اَنْ يَسْتَقِيمَ ۝ وَمَا تَشَاۤءُونَ اِلَّآ اَنْ يَشَاۤءَ اللّٰهُ

سُورَةُ الْاِنْفِطَارِ

مَكِّيَّةٌ تِسْعَ عَشْرَةَ اٰيَةً

رَبِّ الْعَالَمِينَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اِذَا السَّمَاۤءُ انْفَطَرَتْ ۝ وَاِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ۝ وَ

اِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۝ وَاِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ

مَا قَدَّمَتْ وَاَخَّرَتْ ۝ يَاۤاَيُّهَا الْاِنْسَانُ مَا غَرَّكَ

بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ۝ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوّٰكَ فَعَدَلَكَ

فِي اَيِّ صُورَةٍ مَا شَاۤءَ رَكَّبَكَ ۝ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ ۝

وَاِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۝ كِرَامًا كَاتِبِينَ ۝ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۝ وَاِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ۝ يَصْلَوْنَهَا

يَوْمَ الدِّينِ ۝ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَاۤئِبِينَ ۝ وَمَا اَدْرٰىكَ مَا يَوْمُ

الدِّينِ ۝ ثُمَّ مَا اَدْرٰىكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ۝ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْـًٔا

وَالْاَمْرُ

يَوْمَئِذٍ لِلّٰهِ

سُورَةُ الْمُطَفِّفِينَ

مَكِّيَّةٌ وَثَلٰثُونَ اٰيَةً

بسم الله الرحمن الرحيم

ویل للمطففین ۝ الذین اذا اکتالوا علی الناس یستوفون
وای مر کم کنندگان کیل ووزن را آنانکه چون ازمردم تمام قبض کنند
۝ واذا کالوهم او وزنوهم یخسرون ۝ الا یظن اولئک
وچون کیل کنند یا وزن برای دادن بمردم کم کنند برای مردم نقصان کنند آیا ای گمان نمی برند آنان که
انهم مبعوثون ۝ لیوم عظیم ۝ یوم یقوم الناس لرب العالمین ۝
ایشان برانگیخته خواهند بود برای روزی بزرگ که حساب ایشان کنند روزی که بایستند مردم برای حکم پروردگار
۝ کلا ان کتاب الفجار لفی سجین ۝ وما ادرئک ما سجین ۝
حاکه بدرستی که نامه اعمال بدکاران هر آینه در سجین است وچه دانی تو که چیست سجین
کتاب مرقوم ۝ ویل یومئذ للمکذبین ۝ الذین یکذبون بیوم الدین ۝
آن دیوانی است نوشته اروی اعمال کجکار دشمنان وای دران روز مر تکذیب کنندگان را آنان که باور نمیدارند روز جزا را
وما یکذب به الا کل معتد اثیم ۝ اذا تتلی علیه اٰیاتنا
وتکذیب نمایند بروز جزا مگر مر شخصی از حد اعتدال تجاوز نماینده بزه کار چون خوانند برو ایات قرآن ما را
قال اساطیر الاولین ۝ کلا بل ران علی قلوبهم ما کانوا
گوید این افسانهای پیشینیان نیست چنانست نه که غالب شده است ظلمت وکدورت بر دلهای ایشان از آنچه
یکسبون ۝ کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون ۝ ثم انهم
کسب میکنند از معاصی حاکه ایشان از پروردگار ایشان در آن روز هر آینه ممنوع خواهند بود پس بدرستی

وقف کسی که وقف کرده را هشت بار بخواند

بنام خدای بخشاینده مهربان

چنین نیکنند

چنان

بود

کر ایشان

در آینده دوزخ اند پس گویند شان بر سبیل توبیخ این آن عذابست که بودند که بدان تکذیب می نمودند حتما
ثم یقال هذا الذی کنتم به تکذبون ۝ کلا
ان کتاب الابرار لفی علیین ۝ وما ادرئک ما
بدرستی که نامه اعمال نیکان هر آینه در علیین است وچه دانی تو که چیست
علیون ۝ کتاب مرقوم ۝ یشهده المقربون ۝ ان الابرار
علیین نامه ایست نوشته دران اعمال خلایق حاضر باشند آنجا یا شاهد باشند بران فرشتگان مقرب بدرستی که نیکان
لفی نعیم ۝ علی الارائک ینظرون ۝ تعرف فی وجوههم
هر آینه در بهشت نازونعمت اند بر تختها آراسته می نگرند بخدای تعالی چون دیدنی باشد بچشمها شناسی در رویها
نضرة النعیم ۝ یسقون من رحیق مختوم ۝ ختامه مسک ۝ و
تازگی نعم را آب دهندشان از خمری صافی مهر کرده اوانی آنرا برای ایشان مهرهای آن مشک بود بعوض زهم و
فی ذلک فلیتنافس المتنافسون ۝ ومزاجه من تسنیم ۝ عینا
در مثل آن جزا و ثواب باید که رغبت نمایند رغبت کنندگان وآمیزش آن خمر از جوی تسنیم بود که چشمه
یشرب بها المقربون ۝ ان الذین اجرموا کانوا من الذین
که آشامند ازان اهل قرب واختصاص بدرستی که آنان که بد کردارند یعنی روسا قومش بودند در دنیا از آنان
امنوا یضحکون ۝ وصل واذا مروا بهم یتغامزون ۝ وکمی واذا
که ایمان آوردند میخندیدند وچون میگذشتند بایشان بچشم ولب اشارة میکردند وچون
انقلبوا الی اهلهم انقلبوا فکهین ۝ واذا راوهم قالوا
بازمیگشتند باکسان خود بازمیگشتند شادند بجهة آنچه از مومنان میدیدند مومنان را میگفتند

نصف الحزب

إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ۝ وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ۝
بدرستی که اینان گمراهانند وحال آنکه نفرستادند کافران را بر مومنان موکل اعمال مومنان پس
فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ۝ عَلَى الْأَرَائِكِ
امروز قیامت آنان که ایمان آوردند چون در بهشت روند از کافران خندند حال آنکه بر تختها آراسته
يَنْظُرُونَ ۝ هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝
نگرند بحال کفار هیچ جزا داده شوند کافران را جز آنچه بودند که میکردند در دنیا

سورة الانشقاق مكية خمس وعشرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ ۝ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۝ وَإِذَا
چون آسمان شکافته شود وطاعت نماید پروردگار خود را وسزاوار طاعتست مر خالق خود را وچون
الْأَرْضُ مُدَّتْ ۝ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ۝ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا
زمین مستوی ومبسوط شود وجبال وآکام زایل شود وبیفکند آنرا که در ویست از اثقال وموتی وبکلی خالی گردد وفرمان بردار شود
وَحُقَّتْ ۝ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا
وسزاوار طاعتست مر خالق خود را ای آدمی بدرستی که تو جهد نماینده تا وقت رسیدن پروردگار تو

فَمُلَاقِيهِ ۝ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۝ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ
پس فرا رسنده بجزای عمل پس اما هر که داده شود نامه اعمال او بدست راست او پس زود بود که حسابش فرمایند
حِسَابًا يَسِيرًا ۝ وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ
حسابی آسان بی مناقشه وباز گردد سوی کسان خود شادان واما هر که دهند
كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۝ فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا ۝ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ۝
نامه اعمال او از جانب پشت او پس زود بود که خواند هلاک را گوید وا ثبوراه ودر آید در آتش افروخته
إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝ إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ۝ بَلَىٰ إِنَّ
بدرستی که او بود در میان کسان خود در دنیا شادان از تنعم وترفه مال وجاه بدرستی که او گمان برد که هرگز باز نگردد بخدای
رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ۝ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۝
پروردگار او هست بحال او بینا پس سوگند یاد میکنم بدرستی که در افق مغرب مینماید وبحق شب وآنچه ظلمت شب
وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ۝ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ۝ فَمَا لَهُمْ لَا
وبحق ماه چون نور او تمام شود هر آینه بر نشینند ومرتکب گردند ای مکلفان حالی بعد از حالی که هر یک مطابق وموافق
يُؤْمِنُونَ ۝ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ۝ بَلِ
که ایمان نمی آرند وچون خوانند بر ایشان قرآن سجده نمیکنند خدایرا نه که
الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ۝ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ۝ فَبَشِّرْهُمْ
آنان که کافرند تکذیب می نمایند قیامت را وخدای داناترست بآنچه نهان میدارند پس بشارت ده ایشانرا
بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ
بعذابی دردناک مگر آنان که ایمان آوردند وکردند کارهای نیکو مر ایشانراست مزدی

سورة البروج

غیر و ممنون

نه مقطع

ثنتان و عشرون آية

نه بیانست

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

والسماء ذات البروج ۝ واليوم الموعود ۝ وشاهد

بحق آسمان خداوند برجهای دوازده گانه وبحق روز وعده داده شده یعنی قیامت وبحق گوای دهنده

ومشهود ۝ قتل اصحاب الاخدود ۝ النار ذات الوقود ۝

ومشهود قتل کردند یاران شکاف زمین امل آن آتش بسیار هیمه

اذ هم عليها قعود ۝ وهم على ما يفعلون بالمؤمنين شهود ۝

چون آن گسان برحوالی آن آتش نشسته بودند وآن بدان تعذیب که میکردند بامومنان گوای بودند

وما نقموا منهم الا ان يؤمنوا بالله العزيز الحميد ۝ الذي

نزدیک ایشان که تقصیر کردند وعیب نکردند والکار نمودند از مومنان مگر آنکه ایمان داشتند بخدای بی همتای ستوده

له ملك السموات والارض والله على كل شيء شهيد ۝

مراورا است پادشاهی آسمانها وزمین وخدای برهمه چیزی گواه است

ان الذين فتنوا المؤمنين والمؤمنات ثم لم يتوبوا فلهم

بدرستی که آنان که عذاب نمودند مردان بایمان را وزنان بایمان راپس توبه نکردند پس مرایشان را

عذاب جهنم ولهم عذاب الحريق ۝ ان الذين امنوا و

عذاب آتش سوزان ولهایشانراست عذاب آتش دوزخ سوزان بدرستی که آنان که ایمان آوردند و

عملوا الصالحات لهم جنات تجري من تحتها الانهار ۝

کردند کارهای نیکو مرایشانراست بوستانهای که رود از فرود ایجا راآن جویها

ذلك الفوز الكبير ۝ ان بطش ربك لشديد ۝ انه هو يبدئ

آن فیروزی بزرگست بدرستی که سخت گرفتن پرورد کارتو مرآینده سخت می سزند می آفریند

ويعيد ۝ وهو الغفور الودود ۝ ذو العرش المجيد ۝ فعال لما

ودیگر بار زنده میکرداند واوآمرزگارست دوست دارمطیعان خداوند عرش علیه ثابت کننده مراد

يريد ۝ هل اتاك حديث الجنود ۝ فرعون وثمود ۝ بل الذين

خواند هیچ آمد بتوای محمد صلی الله علیه وسلم خبر وقصه لشکرها فرعون وثمود نه که آنان

كفروا في تكذيب ۝ والله من ورائهم محيط ۝ بل

که کافر شدند درباور نادا شتن اند وخدای از پس تدبیر ایشان شمال ایشانست بعلم وقدرت نه که

هو قرآن مجيد ۝ في لوح محفوظ ۝

آن قرآن قرآنی است بلند مرتبه مکتوب درلوح نگاه داشته از تحریف

سورة الطارق مكية وهي تسع عشرة آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَآءِ وَالطَّارِقِ ۝ وَمَآ أَدْرٰىكَ مَا الطَّارِقُ ۝ النَّجْمُ
الثَّاقِبُ ۝ إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ۝ فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ
خُلِقَ مِن مَّآءٍ دَافِقٍ ۝ يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَآئِبِ ۝ إِنَّهُ
عَلٰى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ۝ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَآئِرُ ۝ فَمَا لَهُ مِن قُوَّةٍ وَلَا
نَاصِرٍ ۝ وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ۝ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ
إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ۝ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ۝ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ
كَيْدًا ۝ وَأَكِيدُ كَيْدًا ۝ فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا

سورة الأعلى مكية وهي تسع عشرة بالاتفاق

بسم الله الرحمن الرحيم

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ۝ الَّذِي خَلَقَ فَسَوّٰى ۝ وَ
الَّذِي قَدَّرَ فَهَدٰى ۝ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعٰى ۝ فَجَعَلَهُ غُثَآءً أَحْوٰى ۝
سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسٰى ۝ إِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفٰى ۝
وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرٰى ۝ فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرٰى ۝ سَيَذَّكَّرُ مَن
يَخْشٰى ۝ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرٰى ۝ ثُمَّ
لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيٰى ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكّٰى ۝ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ
فَصَلّٰى ۝ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۝ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقٰى ۝
إِنَّ هٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولٰى ۝ صُحُفِ إِبْرٰهِيمَ وَمُوسٰى

سورة الغاشية مكية ست وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

هل اتاك حديث الغاشية وجوه يومئذ خاشعة عاملة

هیچ آمد بتو ای محمد سخن آن داهیه آینده بخلایق رویهای دران روز باخواری باشد کارکنندگان

ناصبة تصلى نارا حامية تسقى من عين آنية ليس لهم

با تعب درآیند در آتشی گرم آب دهندشان از چشمه بغایت گرم نباشد مر ایشان را

طعام الا من ضريع لا يسمن ولا يغني من جوع وجوه

خورشی مگر از جنس خار و خشک که فربه نگرداند و باز ندارد هیچ از گرسنگی رویهایی

يومئذ ناعمة لسعيها راضية في جنة عالية لا

دران روز با تنعم باشند جهة ثواب عمل مر عمل و سعی خود را خشنود باشند در بوستانی و بهشتی بلند قدر

تسمع فيها لاغية فيها عين جارية فيها سرر مرفوعة

که نشنوند در آن جنت هیچ سخنی بی فایده در آن باشد چشمهایی روان در آن بود تختهایی با رفعت قدر

واكواب موضوعة ونمارق مصفوفة وزرابي مبثوثة

و کوزهای بی گوشه نهاده شده و بالشهایی بر نشستنی بعضی ببعضی متصل و بساطهای گسترانیده

دفع بادها که بر اندام آید خاصه سرخ باد بیست و یک بار بخواند

افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت والى السماء

ای پس نظر نمیکنند بتابل سوی شتر که چگونه آفریده شده و سوی آسمان

كيف رفعت والى الجبال كيف نصبت والى الارض

که چگونه برافراشته شده و سوی کوهها که چگونه برپای گردانیده و سوی زمین

كيف سطحت فذكر انما انت مذكر لست عليهم بمصيطر

که چگونه گسترانیده پس پند ده بدرستی که تو پند دهنده نیستی تو بر ایشان مسلط

الا من تولى وكفر فيعذبه الله العذاب الاكبر

مگر آنکه اعراض کرد و کافر شد پس عذاب فرمود او را خدای عذاب بزرگتر

ان الينا ايابهم ثم ان علينا حسابهم

بدرستی سوی جزای ماست بازگشت ایشان پس بدرستی بر حکمت ماست شمار ایشان

سورة والفجر مكية ثلاثون آية بلا خلاف

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

والفجر وليال عشر والشفع والوتر والليل اذا يسر

بحق صبح و بحق شبهای ده گانه از اول ذی الحجه و بحق زوج و بحق فرد و بحق شب چون بپایان آید

دفع بلاها هفت بار بخواند

هَلْ فِي ذٰلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ ۝ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝
هیچ هست درین مذکورات سوگندی مر خداوند خردی را ای ندانستی که چگونه کرد پروردگار تو بقبیله عاد
إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۝ وَثَمُودَ
ارم بود خداوند قامتهای دراز یا بناهای عالی که آفریده نشد مانند آن قبیله یا آن آینه در شهرها و بقوم صالح
الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝
آنان که بریدند سنگ را برای ساختن حصنها بآن وادی که مسکن ایشان بوده و فرعون خداوند قوتها یا عذاب
الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ۝ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝ فَصَبَّ
آنانکه تکبر نمودند در شهرها پس بسیار گردانیدند در شهرها تباهی را پس ریخت
عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۝ فَأَمَّا
بر ایشان پروردگار تو تازیانه عذاب را بدرستی که پروردگار تو بهر گذرگاهیست بقدرت و دانش
الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ
آدمی چون صورت آزمایش نماید او را پروردگار او پس گرامی دارد او را و نعمت دهد او را پس گوید
رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ
بطریق افتخار خداوند من گرامی داشت مرا و اما چون صورت امتحان نماید او را پس مضیق گرداند بر او روزی او را
رَبِّي أَهَانَنِ ۝ كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ۝ وَلَا تَحَاضُّونَ
بطریق نومیدی پروردگار من خوار داشت مرا چنانست نه که گرامی نمیدارید بی پدر نابالغ را و راغب نمیگردانید
عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ۝ وَ
بر طعام دادن بیچاره و میخورید میراث را بی استحقاق خوردنی بکمال و

تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۝ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا
دوست میدارید مال را دوستی بغایت بچنانست چون خرد گردانند زمین را خرد گردانیدنی متوالی
دَكًّا ۝ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۝ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ
تا هامون شود و آید عظمت پروردگار تو و فرشتگان صف زدگان از پی یکدیگر و آورند در آن روز
بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ۝
دوزخ را در آن روز پند گیرد آدمی و از کجا بود مر او را فایده پند گرفتنی
يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ
گوید ای کاشکی من پیش فرستاده بودمی برای زندگانی این جهان اعمال صالحه را پس در آن روز عذاب نکند
أَحَدٌ ۝ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ۝ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ۝
هیچ کسی و بند نهند بند نهادن خدای هیچ کس گویند ای جان آرامیده بایمان
ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ۝ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ۝ وَادْخُلِي جَنَّتِي
باز گرد سوی ثواب پروردگار تو راضی بجزای او باشی و او راضی باشد از تو بقبول طاعت پس در آی در زمره بندگان من و در

سورة البلد مكية عشرون آية بالاجماع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام پروردگار بخشاینده مهربان

نصف الحزب

لا اقسم بهذا البلد وانت حل بهذا البلد ووالد و
سوگند میخورم باین شهر مکه و تو حلال خواهی بود باین شهر که هرچه خواهی کنی از قتل و اسر و بحق پدری و
ما ولد لقد خلقنا الانسان في كبد ايحسب ان لن يقدر
آنچه زاد آدم و ذریت یا ابراهیم و محمد که هر آینه آفریدیم آدمی را در رنج و تعب ای می پندارد که هرگز قادر نشود
عليه احد يقول اهلكت مالا لبدا ايحسب ان لم يره
برو هیچ کس میگوید نیست گردانیدم مالی بسیار را در خیرات ای می پندارد که ندید او را
احد الم نجعل له عينين ولسانا وشفتين وهديناه
هیچ کس ای پدید نکردیم او را دو چشم و زبانی و دو لب و راه نمودیم او را
النجدين فلا اقتحم العقبة وما ادريك ما العقبة فك
بدو طریق خیر و شر پس نگذشت از بلندی دشوار و چه دانی تو که چیست آن راه دشوار آزاد گردانیدن
رقبة او اطعام في يوم ذي مسغبة يتيما ذا مقربة او
بنده یا طعام دادنی در روزی با گرسنگی مردم که همه کس محتاج طعام باشند بی پدری با بالغ خداوند غایت
مسكينا ذا متربة ثم كان من الذين امنوا وتواصوا بالصبر
بیچاره خداوند غایت فقر و فاقه پس باشد از آنان که ایمان آوردند و وصیت کردند یکدیگر را بصبر بر تکالیف
وتواصوا بالمرحمة اولئك اصحاب الميمنة والذين
و وصیت کردند یکدیگر را بمهربانی بر خلق آنان که اهل دست راست اند و آنان که
كفروا باياتنا هم اصحاب المشئمة عليهم نار مؤصدة
کافر شدند بآیتهای ما ایشان اهل دست چپ اند با شومی بر ایشان است آتشی مغلقة الابواب

بوقت نزول شهر سه نوبه بخواند

سورة والشمس مكية خمس عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

والشمس وضحها والقمر اذا تلها والنهار اذا جلها
بحق آفتاب و روشنی چاشت او و بحق ماه چون از پی آفتاب در آید در روشنی و بحق روز چون ظاهر گرداند
والليل اذا يغشها والسماء وما بناها والارض وما
و بحق شب چون بزیر در آید آفتاب را و بحق آسمان و آن قادر که بنا فرمود آنرا و بحق زمین و آن قادر
طحها ونفس وما سويها فالهمها فجورها وتقويها
که گسترانید آنرا و بحق هر نفسی و آن حکیم که کامل گردانید آنرا پس فرا دل داد آنرا طریق بی سامانی آن و پرهیزکاری
قد افلح من زكيها وقد خاب من دسيها كذبت ثمود
بتحقیق رستگاری یافت هر که پاک گردانید آن نفس را از کفر و معاصی و بتحقیق نومید شد هر که نهان گردانید
بطغويها اذ انبعث اشقيها فقال لهم رسول الله ناقة
بسبب طغیان آن چون عزم کرد سوی عقر ناقه شقی تر آن قوم پس گفت مر ایشان را رسول خدای حذر کنید از کشتن ناقه
الله وسقيها فكذبوه فعقروها فدمدم عليهم ربهم
خدای و از منع آبخوران پس باور نداشتند او را پس کشتند آن ناقه را پس هلاک گردانید ایشان را

بوقت طلوع آفتاب هشت بار بخواند ثواب بسیار یابد

بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّيٰهَا ۝ وَلَا يَخَافُ عُقْبٰهَا

بسبب گناه ایشان پس متساوی گردانید آن عقوبت را میان ایشان و نمی ترسد از عاقبت آن چون ملوک دنیا

سورة والليل مكية احدى وعشرون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشٰى ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلّٰى ۝ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ

بحق شب چون فرو پوشد روز را و بحق روز چون ظاهر شود و بحق آنچه آفرید یا آن خالق که آفرید نرینه

وَالْأُنْثٰى ۝ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتّٰى ۝ فَأَمَّا مَنْ أَعْطٰى وَاتَّقٰى ۝ وَ

و ماده را بدرستی که شتافتن شما در طلب علم هر آینه مختلف است پس اما آنکس که داد حقوق مال را و پرهیز نمود

صَدَّقَ بِالْحُسْنٰى ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرٰى ۝ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ

باور داشت خصلت نیکوتر که ایمانست پس زود بود که آسان گردانیم او را برای طریقه آسان تر و اما آنکس که بخیلی نمود و

اسْتَغْنٰى ۝ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنٰى ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرٰى ۝ وَمَا

بی نیازی ورزید از طاعت و باور نداشت خصلت نیکوتر را پس مهیا گردانیم او را برای طریقت دشوارتر و نا

يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدّٰى ۝ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدٰى ۝ وَإِنَّ لَنَا

ندارد از و عذاب را مال او چون هلاک شود بدرستی که بر حکمت راست هر آینه راه نمودن بحق و بدرستی که ما راست

جهة حفظ مال صد و هشتاد نوبه بخواند

لَلْآخِرَةَ وَالْأُولٰى ۝ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظّٰى ۝ لَا يَصْلٰهَا

هر آینه آن جهان و این جهان پس بیم کردم شما را از آتشی که زبانه میزند نیاید در آن آتش

إِلَّا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ۝ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ۝

مگر آن بدبخت تر که تکذیب نمود و اعراض کرد و زود بود که دور گرداند از آن آتش آن پرهیزکارتر

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكّٰى ۝ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزٰى ۝

که میدهد مال خود را حال آنکه پاکی میجوید از گناهان و نیست هیچکس را نزد او هیچ نعمتی و سابقه که جزا و مکافات کند آنرا بآن مال

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلٰى ۝ وَلَسَوْفَ يَرْضٰى ۝

مگر جستن طلب رضای پروردگار او که [illegible] صفات نیکوتر و هر آینه زود بود

سورة والضحى مكية احدى عشرة آية بلا خلاف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحٰى ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجٰى ۝ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلٰى ۝

بحق چاشتگاه و بحق شب چون در آید که ترک نکرد ترا پروردگار تو و دشمن نگرفت ترا

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولٰى ۝ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ

و هر آینه آن جهان باقی بهتر است مر ترا از این جهان فانی و هر آینه زود باشد که بدهد ترا

بر نیت بنده که غایب شده باشد دو هزار بار بخواند

رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ۝ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ۝ وَوَجَدَكَ ضَالًّا

پروردگار تو هر آنچه خواهی پس خشنود شوی ای ندانست ترا بی پدر پس جای داد ترا نزد عم تو بی طالب و دانست ترا بی معرفت

فَهَدَىٰ ۝ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ۝ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۝

پس راه نمود ترا بآن و دانست ترا درویش حال پس بی نیاز گردانید ترا پس اما بی پدر یا مانع غلبه مکن برو باخذ حقوق

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۝ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۝

و اما خواهنده را پس زجر مکن و اما بنعمت پروردگار تو پس حدیث گوی مردم را

سورة الم نشرح مكية ثمان آيات بلا خلاف

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۝ وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ ۝

ای منبسط نگردانیدیم ترا سینه تو و ننهادیم از تو ثقل تقصیر جاهلیت تو

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۝ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۝ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ

آن ثقلی که گران بار کرد پشت ترا و بلند گردانیم برای تو نام ترا در تشهد و خطب پس بدرستی که با دشواری

يُسْرًا ۝ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ۝ وَإِلَىٰ رَبِّكَ

آسانی بدرستی که با دشواریست آسانی پس چون فارغ شوی از عبادتی پس رنجه شو باشتغال بعبادتی دیگر و خاص شوی پروردگار تو

سورة والتين فارغب مكية ثمان آيات

رغبت نمای

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام پروردگار بخشاینده مهربان

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ۝ وَطُورِ سِينِينَ ۝ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ۝

بحق انجیر و بحق زیتون و بحق کوه طور سینا و بحق این شهر موصوف بامن

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ

بحقیقت آفریدیم آدمی را در نیکوتر راست گردانیدیم او را در حالت پیری فرو

سَافِلِينَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ

فرو تران مگر آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای نیکو در حالت قوت پس مر ایشان راست مزدی

غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ۝

نه بامت پس چه کاذب گردانید ترا پس ازین دلیل ظاهر بر قدرت ما بجزا ای نیست خدای عادل ترین حکم

سورة العلق مكية تسع عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

اقرأ باسم ربك الذي خلق ۝ خلق الانسان من علق ۝

ایجاد قراءت کن بنام پروردگار تو آنکه آفرید هر چیز را آفرید آدمی را از خونی بسته

اقرأ وربك الاكرم ۝ الذي علم بالقلم ۝ علم الانسان ما

بخوان و پروردگار تو آن کریم تر است که آموزانید کتابت را بسبب قلم آموزانید آدمی را آنچه

لم يعلم ۝ كلا ان الانسان ليطغى ۝ ان رآه استغنى ۝ ان الى

ندانست حقا بدرستی که آدمی هر آینه طاغی میشود که دید خود را که توانگر شد بدرستی سوی جزای

ربك الرجعى ۝ ارأيت الذي ينهى ۝ عبدا اذا صلى ۝ ارأيت

پروردگار تو است بازگشتن ای دانستی آنرا که منع میکند بنده از بندگان خدا را چون نماز گزارد ای دانستی

ان كان على الهدى ۝ او امر بالتقوى ۝ ارأيت ان كذب

اگر باشد آن بر راه راست یا فرماید به پرهیزکاری ای دانستی اگر تکذیب کرد آن ناهی

وتولى ۝ الم يعلم بان الله يرى ۝ كلا لئن لم ينته لنسفعا

و اعراض نمود ای عالم نبود بانک خدای می بیند حقا هر آینه اگر باز نه ایستد هر آینه بقهر بگیریم او را

بالناصية ۝ ناصية كاذبة خاطئة ۝ فليدع ناديه ۝ سندع

بموی پیشانی موی پیشانی که دروغ گوی خطا کار است صاحبش پس گو بخوان اهل مجلس خود را زود بود

الزبانية ۝ كلا لا تطعه واسجد واقترب ۝

که بخوانیم خازن دوزخ را نچنانست فرمان مبر او را و سجده کن و تقرب جوی بحضرت ما

جهة رفتن پیش سلطان بخواند

سجده

سورة القدر مكية خمس آيات بالاجماع

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

انا انزلناه في ليلة القدر ۝ وما ادريك ما ليلة القدر ۝

بدرستی که ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر و چه دانی تو که چیست شب قدر

ليلة القدر ۝ خير من الف شهر ۝ تنزل الملائكة

شب قدر بهتر است از هزار ماه که در وی شب قدر نبود فرو می آیند فرشتگان

والروح فيها باذن ربهم من كل امر ۝ سلام

و جبرئیل در آن شب بفرمان پروردگار ایشان از جهت هر کاری و امری سلامت است

جهة روشنایی چشم بیست و یکبار بخواند

سورة البينة

هي حتى

آن شب تا

مطلع الفجر

گاه طلوع بامداد

مدنية ثمان آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

از جهة قبول طاعة را بیست و یکبار بخواند

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ
نبودند آنان که کافر شدند از یهود و نصاری و بت پرستان زایل شوندگان

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ۝ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ۝
تا که آید بدیشان حجتی روشن پیغمبری از دین نزد خدای که خواند اوراقی پاک از باطل

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ ۝ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ
در آن صحف احکامی نوشته با استقامت و متفرق نشدند آنان که دادند ایشان را توریت و انجیل مگر از آن

بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ ۝ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ
پس که آمد بایشان حجتی روشن محمد و قرآن و فرموده نشدند مگر برای آنکه بپرستند خالص خدای را

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَوٰةَ
خالص گردانیدگان برای او طاعت را مایلان از دینهای باطل و بپای دارند نماز را و دهند زکات را

وَذَٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
و آن توحید با مجموع اعتقاد دین ملت با استقامت است بدرستی که آنان که کافر شدند از یهود و نصاری

وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ
و بت پرستان در آتش دوزخ اند آنکه جاودانه باشند در آن آنان ایشانند بدترین

الْبَرِيَّةِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ
خلایق بدرستی که آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای نیکو ایشان

هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۝ جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ
ایشانند بهترین خلایق پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان بوستانهای اقامت

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ
که رود از فرود اشجار آن جویها حال آنکه جاودان باشند در آن همیشه خشنود شد خدای از ایشان

وَرَضُوا عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ۝
و راضی باشند ایشان از خدای آن جزا مر آنکس راست که ترسد از پروردگار خود

سورة الزلزال مدنية ثمان آيات بلا خلاف

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۝ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۝
چون مضطر و متحرک گردانند زمین را زلزله با شدت آن و بیرون آرد زمین هر ثقل را که در جوف

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۝ بِأَنَّ
و گوید آدمی چیست مر زمین را در آن روز حدیث گوید زمین با خلایق خبرهای خود را بسبب آنکه

رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ۝ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا ۝ لِيُرَوْا
پروردگار تو الهام فرموده مر او را در آن روز باز گردند مردمان از قبور سوی موقف متفرق تا نمایند ایشان را

أَعْمَالَهُمْ ۝ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ
جزای کردارهاشان پس هر که کند مثقال و مقدار یک مورچه خورد نیکی بیند جزای آن را و هر کس که کند

برئیة دفع خصمان
جهل بوار بار بخواند
و بجهة جشم زخم سه
تا بخواند

سورة مكية

مثقال ذرة
مقدار یک مورچه خرد
شرا يره
بدی بیند جزای آنرا

والعاديات احدى عشر آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام پروردگار بخشاینده مهربان

والعاديات ضبحا فالموريات قدحا فالمغيرات صبحا
بحق اسپان دونده در جهاد حال آنکه شفش اندازنده پس آتش برون آرندگان بحوافر آتش بیرون آورنده پس غارت کنندگان در وقت صبح

فاثرن به نقعا فوسطن به جمعا ان الانسان لربه
پس برانگیزانند بآن وقت غباری را پس در آیند بآن وقت در میان جمعی اعدا بدرستی که آدمی مر پروردگار خود

لكنود وانه على ذلك لشهيد وانه لحب الخير لشديد
جاحد نعم است و بدرستی که او بر این ناسپاسی خود هر آینه گواه است و بدرستی که او مر دوستی مال را

افلا يعلم اذا بعثر ما في القبور وحصل ما في الصدور ان ربهم
ای پس نمیداند که چون بیرون آورده شود آنچه در گورهاست از اموات و تمیز کرده شود آنچه در سینهاست بدرستی که پروردگار ایشان

سورة القارعة

بهم يومئذ
بحال ایشان در آن روز
لخبير
هر آینه آگاه است

مكية احدى عشرة آية

بلا خلاف

جهة جمع دوستان و چشم زخم پنج بار بخواند

نصف الحزب

بسم الله الرحمن الرحيم

القارعة ما القارعة وما ادريك ما القارعة يوم
آن ساعت کوبنده کوبنده اسماع چیست آن ساعت و چه دانی تو ای شنونده که چیست آن ساعت روزی

يكون الناس كالفراش المبثوث وتكون الجبال
که باشند مردمان چون پرنده چراغ یا چون ملخهای خرد پراکنده و باشند کوهها

كالعهن المنفوش فاما من ثقلت موازينه فهو في عيشة
چون پشم رنگین زده شده پس اما هر که گران آید ترازوهای اعمال او پس او در زیستنی بود

راضية واما من خفت موازينه فامه هاوية و
موصوف برضا صاحبش و اما هر که سبک آید ترازوهای او پس جای او دوزخ است و

ما ادريك ما هيه نار حامية
چه دانی تو چیست آن هاویه آتشی بغایت گرم

سورة التكاثر مكية ثمان آيات بلا خلاف

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

برآمدن مهمات را صد و بیست بار بخواند

دفع بلاها را سه بار یا پنج بار بخواند

اَلْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ ۝ حَتّٰى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۝ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۝ ثُمَّ
مشغول گردانید شمارا تفاخر بکثرت اموال و رجال تا که زیارت کردید گورستانها را برای شمردن مفاخر خود و حق آن بود که بدانید زود
كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۝ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُوْنَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ ۝ لَتَرَوُنَّ
حق آن بود که بدانید بقیامت حق که اگر میدانستید احوال معاد را دانستنی یا جزم و ثبات و اشتغال بدنیا
الْجَحِيْمَ ۝ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِيْنِ ۝ ثُمَّ لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيْمِ
دوزخ را که آنرا بچشم آخرت خواهید دید بی گمان پس هر آینه پرسیده شوید در آن روز از اسباب نعم که در دنیا

سورة والعصر مكية ثلاث آيات بلا خلاف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
وَالْعَصْرِ ۝ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِيْ خُسْرٍ ۝ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا
بحق آخر روز یا صلوة عصر بدرستی که آدمی هر آینه در زیان کاریست مگر آنان که ایمان آوردند
وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ ۙ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۝
و کردند کارهای نیکو و وصیت کردند دیگر انرا بکارهای کردنی و وصیت کردند یکدیگر را بصبر از نا کردنی

سورة الهمزة مكية تسع آيات بلا خلاف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ۝ الَّذِيْ جَمَعَ مَالًا وَّعَدَّدَهٗ ۝ يَحْسَبُ اَنَّ
وای مر هر بدگوی عیب جوی که گرد آورد مال را و شمرد آنرا می پندارد که
مَالَهٗٓ اَخْلَدَهٗ ۝ كَلَّا لَيُنْۢبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ۝ وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا
مال او جاوید کرد او را حق که هر آینه فکنده شود در دوزخ و چه دانی تو که چیست
الْحُطَمَةُ ۝ نَارُ اللّٰهِ الْمُوْقَدَةُ ۝ الَّتِيْ تَطَّلِعُ عَلَى الْاَفْـِٕدَةِ ۝ اِنَّهَا
آن دوزخ آتش خدای است افروخته که غالب و مؤثر آید بر دلها بدرستی که آن
عَلَيْهِمْ مُّؤْصَدَةٌ ۝ فِيْ عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ۝
برایشان فرو بسته شده بود در ستونهای دراز بر کشیده

سورة الفيل مكية خمس آيات بلا خلاف

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
اَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِاَصْحٰبِ الْفِيْلِ ۝ اَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ
ای بدیدی که چه کرد پروردگار تو با خداوندان فیل که خراب کرد قصد کردند ای گردانید تدبیر

فِي تَضْلِيلٍ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ

در حالت تضییع و فرستاد بر ایشان مرغانی مجتمع و بسیار می انداخت بر ایشان سنگهایی از نوع سنگ گل

سورة قريش

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ

پس گردانید ایشان را ناچیز چون کاهی که ستوران آنرا خورده باشند

مكية اربع آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام پروردگار بخشاینده مهربان

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ

برای الفت گرفتن قریش الفت گرفتن ایشان برای سفر ایشان در زمستان تجارت یمن و در تابستان تجارت شام

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَٰذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ

پس باید که بپرستند پروردگار این خانه را آن پروردگاری که طعام داد ایشان را از گرسنگی و

سورة الماعون

آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

ایمن گردانید ایشان را از ترس

مكية سبع آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ایمن بودن از بلاها را هزار و دویست بار بخواند

چهل و یکبار بخواند تا فرزندان وی از محتاجی ایمن باشند

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ فَذَٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ

ای دانستی آنرا که تکذیب میکند بجزا پس آن مکذب آنست که دفع میکند بزجر و خشونت یتیم بی پدر یا بالغ را از حقوق او

وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ

و ترغیب نمیکند خود را و دیگری را بر طعام دادن بیچاره بی چیز پس وای مر نماز گزارانی را که ایشان از

صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

نماز ایشان غافلانند آنان که ایشان ریا میکنند در خیرات و باز میدارند از اصحاب ضروریات آلات خانه را

سورة الكوثر مكية ثلاث آيات بلا خلاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام پروردگار بخشاینده مهربان

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

بدرستی که ما دادیم ترا ای رسول خیر بسیار یا حوض کوثر در بهشت پس نماز پنجگانه گزارد برای پروردگار خود و قربان کن بدرستی که دشمن تو اوست منقطع از هر چیزی

از جهة امید شراب طهور صد بار بخواند

سورة الكافرون مكية ست آيات

نگاه داشتن ایمان از هر دو
هفت نوبت بخواند

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم

بگوی ای ناگروندگان نجدای نه پرستم در استقبال آنچه می پرستید شما و نه

عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم ولا انتم

پرستنده اید در استقبال آنچی می پرستم و نه من پرستنده ام در حال آنچ شما پرستید و نه

عابدون ما اعبد لکم دینکم ولی دین

پرستنده اید در حال انچه من می پرستم مر شما راست دین شما و مر مرا است دین من کر توحید و اسلام

سورة النصر مدنیة ثلاث آیات بلا خلاف

بسم الله الرحمن الرحیم

اذا جاء نصر الله والفتح ورایت الناس یدخلون فی

چون آید یاری خدای و فتح مکه و بینی تو مردم زایل الی دین را گروهی آیند و

دین الله افواجا فسبح بحمد ربک واستغفره انه کان توابا

دین خدای گر اسلام است جماعت جماعت پس پاکی یاد کن خدای را شکر تو بستایش پروردگار خود و آمرزش خواه مر وی گر

بچه نصرت و دفع بلا را
هر روز هفت بار بخواند

سورة المسد مکیة خمس آیات بلا خلاف

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

تبت یدا ابی لهب وتب ما اغنی عنه ماله وما کسب سیصلی

زیان کاره باد دو دست بولهب و زیان کار شد باز نداشت او را عذاب را مال او و آنچ کسب کرد و بیفگند مال او

نارا ذات لهب وامرأته حمالة الحطب فی جیدها حبل من

در آتشی خداوند زبانه زن او گیرنده هیزم بود بر دارنده پیمه و خاشاک بگردن او رسنی

مسد

کلمه در راه مرسل بن

لا کور دشمن را
هفت هزار بار
بخواند

سورة الاخلاص مکیة اربع آیات

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام پروردگار بخشنده مهربان

قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد

بگوی آن خدای یکی است که او را دو گی نیست خدای پناه نیاز همه است نه زاد است نه زاده

ولم یکن له کفوا احد

و نبود مر او را مثل و نظیر عبارت است از نفی مماثل مقارن در وجود

چهره تخلص و رستگاری
این جهان و آن جهان
یکهزار بار بخواند

سورة الفلق نزلت بالمكة

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق و

بگوی پناه میگیرم به پروردگار از بدی آنکه آفرید از آدمی و سباع یا ابلیس یا اسقام و

من شر غاسق اذا وقب و من شر

از بدی و آفت شب چون در آید و از بدی

النفاثات في العقد و من

زنانی دردمنده در گرهها یعنی ساحرات و از

شر حاسد اذا حسد

بدی حسد برنده چون حسد برند و مقتضی آن کار کنند

وهی خمس آیات بلا خلاف

سورة الناس نزلت بالمكة

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قل اعوذ برب الناس ملك الناس

بگوی پناه میگیرم به پروردگار مردمان پادشاه مردمان

اله الناس من شر الوسواس

خدای مردمان از بدی دیو فریبنده

الخناس الذي يوسوس في صدور

باز پس جهنده نزد ذکر خدای آنکه حدیث نهانی میگوید و مکر میکند در سینهای

الناس من الجنة والناس

مردمان چون از خدای غافل میشوند از پری و از آدمیان شیطان صفت

وهی ست آیات بلا خلاف

قال الله سبحانه وتعالى

قال النبي صلى الله عليه
وسلم الماهر في القرآن مع السفرة

انه لقرآن كريم في كتاب

الكرام البررة وقال عليه صلوات
الرحمن خيركم من تعلم القرآن وعلمه

مكنون لا يمسه الا المطهرون

544

تنزيل من رب العالمين

وقال عليه صلوات الله
وسلامه اهل القرآن اهل الله وخاصته

اللهم اغفر لكاتبه ولمن

صدق الله العلي العظيم وصدق رسوله
النبي الكريم ونحن على ذلك من الشاهدين

سعى فيه يا ارحم الراحمين

ذکر آیات و فواید عشر و خمس و غیر آن

معنی آیه از روی لغة جماعتست یا نشانه و دلالة و شاهد یعنی جماعتی
از حروف و کلمات که در حکمی یا در بعض حکمی از احکام قرآنیّه با یکدیگر
جمع گشته اند یا نشانه

و از روی اصطلاح در قرآن جمعی از حروفست
که از ما قبل و از ما بعد خود جدا باشد بحسب توقیف و سماع و بر مثل
خود مشتمل باشد و این طایفه حروف را فاصله و فذّه میخوانند یعنی
طایفه که منفرد ند از پس و پیش خود و در اعداد آن اختلاف نموده اند
و در بین مصحف در آیه که اختلاف در آن واقعست مختلف نهاده شده
و اختلاف کنندگان در آیات منقسم اند بکوفی و مکّی و مدنی اوّل و مدنی
آخر و شامی و بصری و آوردن آیات جهة آنست تا قاری را معلوم
شود اعداد آن و وقف نمودن بر آن و در محلّی که مدّ متّصل است
بسیاهی نوشته شده و بیشتر باید کشید و مدّ مفصل بسی خمی و کمتری باید کشید

واخماس

واخماس را از آن جهة آورده که تا هر روز خمسی یاد گیرند اگر قوّة حفظشان
کم باشد و اعشار را از آن جهة بیان کرده تا در هر کسی را عشری
خوانند و اگر قوّة حفظش باشد هر روز عشری را یاد می گیرد و نصف
حزب یعنی آن آورده که تا در جمع الجمع بر استاد آن مقدار خوانند
همچنانچه از شیخ شاطبی منقولست که در جمیع قرآت نصف حزب بر
تلامذه قرائی کرفته و حزب را از برای آن هم نوشته که بیشتر مشایخ
قرّاء در مفردات غالبا یک حزب را استماع میکرده اند و نصف جزء
را بنا بر آن قید کرده که تا اگر کسی را قوّة یک حزب خواندن بیشتر باشد
نصف جزئی را می خواند و جزء را از آن جهة مقیّد ساخته تا درس که خوانند
مربوط باشد که از کجا تا بکجا خواند و سُبع از آن جهتست که اگر کسی
خواهد یک هفته ختم کند و تسع از آن جهة که تا نُه روز تمام کند
و سُدُس بشش روز و ربع بچهار روز و ثلث بسه روز ختم کند
و انصاف آنها نیز نوشته شده تا اگر به ضعف آن ایّام خواهد ختم نماید
نمود و قراءة حفص بسیاهی نوشته شده و قراءة ابو بکر بسرخی
و ایشان هر دو شاگردان عاصمند که یکی از قرّاء سبعه است و
قرائتی که متداولست در اکثر دیار اسلام این قراءتست و الله اعلم بالصواب

دعای ختم قرآن

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى النَّبِيِّ الْاُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ
مُحَمَّدٍ وَعَلٰى جَمِيعِ اِخْوَانِهٖ مِنَ الرُّسُلِ وَالنَّبِيِّينَ وَاٰلِ
كُلٍّ وَسَايِرِ الصَّالِحِينَ اَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ عَدَدَ مَعْلُومَاتِكَ
اَللّٰهُمَّ انْفَعْنَا وَارْفَعْنَا وَاجْبُرْنَا بِالْقُرْاٰنِ الْعَظِيمِ وَبَارِكْ
لَنَا بِالْاٰيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ وَتَقَبَّلْ مِنَّا قِرَاءَتَنَا اِنَّكَ
اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَاهْدِنَا اِلَى الْحَقِّ وَاِلٰى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ الْقُرْاٰنَ رَبِيعَ قُلُوبِنَا وَشِفَاءَ صُدُورِنَا
وَجِلَاءَ اَحْزَانِنَا وَذَهَابَ هُمُومِنَا وَغُمُومِنَا وَصِحَّةً فِي

فِي اَبْدَانِنَا وَسِعَةً فِي اَرْزَاقِنَا سَائِقًا وَقَائِدًا وَ
دَلِيلًا اِلَيْكَ وَاِلٰى جِنَانِكَ جَنَّاتِ النَّعِيمِ وَدَارَكَ
دَارَ السَّلَامِ مَعَ الَّذِينَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ
وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ
اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ الْقُرْاٰنَ لَنَا اِمَامًا وَنُورًا وَهُدًى
وَرَحْمَةً اَللّٰهُمَّ ذَكِّرْنَا مِنْهُ مَا نَسِينَا وَعَلِّمْنَا مِنْهُ مَا
جَهِلْنَا وَارْزُقْنَا تِلَاوَتَهُ اٰنَاءَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاجْعَلْهُ
حُجَّةً لَنَا لَا عَلَيْنَا يَا عَزِيزُ يَا غَفَّارُ بِرَحْمَتِكَ يَا رَبَّ
الْعَالَمِينَ

547

ذکر فال از آیة

هر که خواهد که از قرآن بجید فال بکشاید باید که با وضو باشد
و یکبار سورت فاتحة الکتاب و سه بار سورة الاخلاص و این دعا
بخواند اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ اللّٰهُمَّ
إِنِّي فَوَّضْتُ بِكِتَابِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَأَرِنِي مَا هُوَ الْمَكْتُومُ
فِي سِرِّكَ الْمَكْنُونُ فِي غَيْبِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس نیت کند
و بکشاید و از آیت رحمت شاد نشود و از آیة عذاب غمگین نشود و
هفت ورق بشمارد و در ورق هفتم هفت سطر بشمارد و نظر بر حرف
کند تا چه حکم فرماید ا برآید ابتدا و انتهای آن کار خیر و صواب باشد
و اکر ب برآید انصاحب دولتی نیکو بیها بیند و اکر ت برآید بق به باید
کرد و صدقه باید داد و اکر ث برآید در دنیا بطریق احسن بزید و اکر
ج برآید قومی بدو پناه یابند و اکر ح برآید مال فراوان از حلال بدست
آورد و اکر خ برآید در آن کار که نیت دارد بمراد برسد و اکر د برآید
دولت روی بوی کند و اکر ذ برآید از چهت چیزی خوار کرد و اکر
ر برآید مهتری و سروری یابد و اکر ز برآید در کاری اندک بسیار

فایده یابد و اکر س برآید سعادتها و دولتها بیابد و اکر ش برآید دشمن
بروی مکر و فریب کند و اکر ص برآید در آن کار شر صبر باید کرد تا بمراد
برسد و اکر ض برآید در کمراهی افتد و اکر ط برآید طهارت و پاکی
و جمعیت بیابد و اکر ظ برآید آنچه طالب آنست بیابد و اکر ع برآید
بر دشمن مظفر کردد و اکر غ برآید ترک آن نیت کردن بهتر باشد و
اکر ف برآید فتوحها بیابد و کارش بمراد رسد و اکر ق برآید مقبول القول
القول شود و بحضور روزکار بکذراند و اکر ک برآید کرورت و خصومة
باکسی کند و از ان ملایمت کشد و اکر ل برآید خذلان و خزی شود و اکر م
برآید ملامتها بیند صبر مدد او پیش ندارد و اکر ن برآید در آن نیت
کرده مراد و مقصود حاصل کردد و اکر و برآید از خلق بی نیاز کردد یعنی
مراد بیابد و اکر ه برآید هر آن کار که خواهد در پیش کیرد که بمراد برسد و اکر
لا برآید ترک آن نیت که کرده باید کرد و اکر ی برآید در غایت نیکی باشد و بمراد
و مقصود کردد انشاء الله تعالی

بیان وقوفات قرآن

بدان كه قدوهٔ علماء نهاوند و امام ائمه دیار سجاوند ابو عبد الله محمّد
بن الطیفور رَوَّحَ رُوحَهُ الملك الغفور وقوف را بر پنج مرتبه لازم و
مطلق، وجایز، ومجوّز لوجهٍ، ومُرَخَّصٌ للضَّرورَةِ، وعلامة لازم را م
آورده وعلامة مطلق را ط وعلامة جایز را ج وعلامة مجوّز لوجهٍ را ن
وعلامة مُرَخَّصٌ للضَّرورَةِ را ص ودر جایی كه بین الكلامین اندك مخالفتی
بوده سكته را درمیان نهاده مثل يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هٰذَا سكه وَاسْتَغْفِرِي
لِذَنْبِكِ وهر جا كه دیگران وقف اورده اند واو بر آن راضی نیست ق
را آورده یعنی قَدْ قِيلَ عَلَيْهِ وَقْفٌ ودر هر موضع كه وقف مناسب نمی
آمد علامة وصل را لا نهاده یعنی لا تقف وبعد از آن اسوة القرّاء
مفخر الفضلا تاج الملة والدین بخاری رحمة الله الباری علی
آن را حذف كرده وبعوض آنها آیات وخمس وعشر ورکوع را بر آن
زیاده كرده ودر وقوف جائز اكر طرف وقف راجح بوده قف را نهاده
واكر جانب وصل افزون بوده این صورتها را نهاده صلی یعنی الوصل اولی
ودر هر جایی كه دلیل در وقف یكی است در موضع دوم ك را نهاده یعنی
كذلك ودر هر موضعی كه وقف است ودیكران وصل آورده اند
ق لا نهاده یعنی
قیل لا تقف ٥

548

دیكر بدانكه آیات مصحف بعدد كوفی شش هزار ودویست وسی وشش
آیه است وبعدد مدنی آخر دویست وچهارده وبعدد مدنی اول دویست
وهفده وبعدد بصری دویست وچهار وبعدد شامی دویست وپنج
وچهل وهفت وهمچنین مجموع حروف وآن كلام الله شمرده اند سیصد و
بیست ویك هزار وشصت وتعداد كلمات آن نموده اند وجملتان
هفتاد ودو هزار كلمه است والله اعلم بحقایق الاشیاء

خَيْرُ الْكَلَامِ كَلَامُ اللهِ الْمَلِكِ الْعَلَّامِ
وَقَدْ وَقَعَ الْفَرَاغُ مِنْ تَحْرِيرِهِ فِي
عَامِ خَيْرِ الْكَلَامِ وَالصَّلٰوةِ
عَلَى مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْأَنَامِ وَعَلَى آلِهِ
التَّحِيَّةُ وَالسَّلَامُ ٥

9324